



Ketabton.com



دافتار نستان د خلک دمو کراتیک گوند دهر کزی کمیته عوامی منشی اودانقلابی شورا رئیس ببرک کارمل کله چی دهالی او حسابی چارود سیمینار برخه والی منای او دهغوي سره خبری گوي .

کمیته دارگان نیچسکو دیلى  
خبر يال پیتر بو چوکوف د مر کي  
بپاره دانقلابی شورا به مقر کي و مزه .  
\*\*\*

دافتار نستان د خلک د دمو کراتیک  
گوند د مر کزی کمیته دعومی منشی  
او دانغا نستان د دمو کراتیک جمهوریت  
دانقلابی شورا د رئیس ببرک کارمل  
لخوا د ملکرو ملتو د سازمان دجوړه  
یدو د شپږ دیرشمی کالیزی له امله  
نیو یارک ته د دغه سازمان د سرمنشی  
ډاکټر کورت والد هایم په نامه د  
ډیار کی تیلکرام مخا بره شویدی.  
\*\*\*

سلامهای ګرم ببرک کار مل منشی  
عوامی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک  
خاق افغانستان و رئیس شورای  
انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغان  
نستان روز ۱۳ عقرب توسط برید .

جنرال ګل آقا رئیس عوامی اموز  
سیاسی قوای مسلح به افسران،  
خورد ضا بطان و سر بازان قوماندانی  
قوای عسکری هرات و پیلوستان  
قوای هوایی آن ولایت رساید  
شند .

عقرب په ۱۱ نیمه شېه دوزیرانو شورا  
درستیمال او داطلاعا تو ۱ او ګلتور  
دوزیر عبدالجیمید سر بلند لخوا په  
رادیو او تلویزیون کی ولو ستل  
شو .  
\*\*\*

دافتار نستان د خلک د دمو کراتیک  
گوند د مرکزی کمیته عوامی منشی  
منشی د افغا نستان د دمو کرا تیک  
جمهوری سیمینار برخه وال دانقلابی  
ببرک کارمل د عقرب په ۱۲ نیمه ما زیک  
دبلغاریا د کمو نست گوند د مرکزی  
شند .

سراسر هند و عضو هیات اجرائیه  
شورای مرکزی حزب کمو نست و  
هیات د عقرب په ۳ نیمه له غرمی و روزمه  
دافتار نستان د خلک د دمو کراتیک  
گوند د مرکزی کمیته دعومی منشی  
او د انقلابی شورا رئیس ببرک کارمل  
مهندزا سکرتر جنرال اتحادیه های  
کار گری ایالت اندرا پرد یش و  
عضو کمیته کار اتحادیه های کار گری  
سراسر هند را برای ملاقات در مقر  
دمو کراتیک جمهوریت د انقلابی  
شورای انقلابی پذیرفتند .  
\*\*\*

د افغا نستان د خلک دمو کراتیک  
گوند د مرکزی کمیته عوامی منشی  
او د انقلابی شورا رئیس ببرک کارمل  
دعقرب په ۱۲ نیمه ما بنام د ولايتي،  
بناري مالي او اداري چارو د مسوولينو  
ددولتی اطلاعاتو دخدماتو، خازندوي  
او وسله وال پوش د ما لی مسوولينو  
دولوري سیمینار برخه وال دانقلابی  
شورا مفرد ګلخانی په مانۍ کي و ملن  
او دملکر تیا په فضا کي پي له هغوي  
سره خبری و کړي .  
\*\*\*

د افغا نستان د خلک دمو کرا تیک  
گوند د مرکزی کمیته دعومی منشی  
او د افغانستان د دمو کراتیک جمهوریت  
دانقلابی شورا د رئیس ببرک کار مل  
په نامه دهند د صدراعظمی میرمن  
اندرا ګاندی له خوا هغه و خت چې  
ددوی د سپر لی الو تکه د افغانستان  
له فضا خخه تیم یدله تلکرام  
زالیل شویدی .  
\*\*\*

ببرک کار مل منشی عوامی کمیته  
مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغان  
نستان و رئیس شورای انقلابی  
جمهوری دمو کراتیک افغانستان عصر  
روز ۱۱ عقرب اندراجیت گو پتا  
سکرتر جنرال اتحادیه های کار گری



دافتار نستان د خلک دمو کراتیک گوند دهر کزی کمیته عوامی منشی اودانقلابی شورا رئیس ببرک کارمل  
دبلغاریا د کمو نست گوند دهر کزی کمیته دارگان دخیر یال سره دهمر کي په حال کي .

د افغا نستان د پلار وطنی ملي  
جبهی د کابل پهارښاري کمیته د عقرب  
په ۷۴ نیمه په هغه درنه اوستره جر ګه  
کې چې د پلار وطنی ملي جبهی د ملي  
کمیته به مقر کې وشهو جوره شوه.

د پلار وطنی ملي جبهی د بشما ری  
کمیته د جوړه یدو د لوړۍ جر ګې  
کار د عقرب په ۷۴ نیمه د سهار به اتو  
بعود کلام الله مجید دخو آیتو نوله  
لوستلو وروسته د افغا نستان د دمو.

کراتیک جمهوریت د ملي سرود په  
خپر یدو سره پیل شو او په هغه کې  
د افغانستان د خلک د دمو کراتیک  
کوند د مرکزی کمیته د سیا سی  
بیرو غری او منشی او د پلار وطنی  
 ملي جبهی د ملي کمیته رئیس داکتر  
صالح محمد زیری د جر ګې اساسی  
وینا ولو ستله چې د حاضرینو په  
چکچکو سره بدرا ګه شوه .

\*\*\*

د ملکرو ملتو د موسسی د جوړه یدو  
شپږ دیرشمہ کالیزه په کاپل کې  
دیوی غرمی میلمستیا په ترڅ کې  
افغانستان کې د هغه موسسی د  
پرمختیا بې پروگرامونداداری لخوا  
ولمانځل شو .

\*\*\*

ورکشاب مطالعات قبل از سرمایه  
گذاری پروژه های صنعتی به مساعدت  
اداره پروگرام های انکشافی ملی  
متعدد در کابل ۱۳ عقرب در وزارت  
معدن و صنایع گشا یش یافت .

\*\*\*

فضل الرحیم مومند وزیر زراعت و  
اصلا حات ارضی در راس هیا تسي  
برای اشتراك در جلسات بیست و  
یکمین کنفرانس عمومی ه و سسه  
مواد خوراکه و زراعت جهان روز ۱۳  
عرقب عازم ایتا لیا شد .



بېرک کارهه منشی عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغا نستان و رئیس شورای انتقالی  
جمهوری دمو کراتیک افغا نستان نهراجیت گوپتا و مهندرا را برای الاقات پزیرفتند .



اسلم وطنچار، عبدالرشید آرین او شاه محمد دوست دبو نیف په هغه میلمستیا کې چې د موسسی  
د جوړه یدو د شپږ دیرشمی کالیزی د نمانځنی له امله جوړه شوی وهد خبرو په حال کې لیدل ګېښی .



وزیر معدن و صنایع هنکام افتتاح ورکشاب مطالعات قبل از سرمایه گذاری پروژه های صنعتی در وزارت معدن و صنایع .

# دلاعین اسلام

## پیکنیک شورا

جوانان آگاه کشور

باکنندشت زمان پس از اجرای عرویه تاریخی، هم برتوان شما افزود می گردد و هم  
وظایف سنتگین تری بدوش شما سیرده میشود اجرای همه وظایف مستلزم کار و همبارزه بیکر  
و همه جانبه که در راه آن باید تمام تبروی سرشار شما بمتابه مشت فولادین هشکل گردد،  
من باشد.

شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۶۰ - ۷ - نوامبر ۱۹۸۱

## روز عاشورا

انسانیت عمل میکنندست بمقتل و کشته هزارها

طلول وزن و مردم گناه می زند بناه و موسات

ناده از قبل مکاتب - مساجد - بیل هاووهارت

دان غرب می کنند سی سوزانند و چنان غلام

وقساوت وجه التي را علیه مردم مسلمانها

روز شاند دم عقرب مصادف به دهم محرم این پاسدار حق و عدالت نهی تواند که تحت  
از جام میدهند که بزرگیان هی گردند در حالیکه  
الoram روز عاشورا بوده همه مسلمانان جیان سلطنه چنین نظام جابر و شیوه های شرائی  
این روز را هنیخ ترازیدی عالم اسلام بزرگیان درگزدند که حزب و دولت  
یعنی روز شهادت بر گزیده ترین نواسه را زیر یا نموده و در زیر نقاب اسلام  
بیغیر اکرم (ص) تجلیل نموده و در سوگ توده های مردم حکمرانی هی گردند و ظلم و ستم  
و به آئین و عقاید دین مردم احترام علیق  
می نشینند.

دهم عاشورا روزی است که در آن در جنود بخاطر دفاع از حق و عدالت و ایجاد یک  
هفتاد سال پس از ظبیر دین مقدس اسلام زندگی انسانی در برابر این بیعادی و جری  
کراتیک افغا نستان احترام ، رعایت و حفظ  
یاسداران حق و حقیقت تحت رهبری حضرت و ستم بزرگیان قیام کرد و در میدان کربلا  
امام حسین (رض) نواسه پیا میر خدا (ج) با پیروان خود در یک جنگ نایاب از دست دین  
علیه بزرگ و بزرگیان به نبرد برخاستند و لشکریان بزرگ جام نسبادت نوشید و ترازیدی  
می گردد . دوایت به و هالیت هی وطنیسته  
بخاطر دفاع از حق و عدالت خون های پاک عالم اسلام بوجود آمد .

زخمیان و علمای دینی در اجرای وظایف  
خود را در میدان سوزان کربلا ریختند و دلیرانه از آنها کنون دهم محرم یا روز  
و قبرمانان مجام شهادت نوشیدند . عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جیان  
hadar خونین کربلا در آوانی رخ میدهد که تجلیل می گردد و مسلمانان در سوگ آن

دوره خلافت اسلام بعداز خلیفه چهارم به می نشینند و خاطره آنرا گرامی میدارند . درود و تعبات فراوان می فرستیم امینواریم  
آموی ها هیرس و امود خلافت که قبلا نخواهیم بود این روز را با همه بزرگی که مردم مسلمان ما از برکت این روز فرخنده

بود به میراثی تبدیل می گردد و اهرای وقت و اهمیت که دارد بعیت یک نیت تاریخی از شر این بزرگیان تسبیح که عاسک

برای خود مقام و در بار ساخته و مفرور از طی هر امام خاصی در تکیه خانه های بزرگیار دروغین دفاع از اسلام را برخ کشیده و علیه  
شان و شوکت در بار در تعم و تعیش غرق می نمایند امسال چنین مدخل سو گواری منافع مردم میهن و انقلاب ما عمل می کنند

گردیده و شیوه ستمگرانه وجایزه ددرازی هلهی مردم متدین ما در شرایطی ندویرو  
مردم اختیار مینمایند جای صلح و سلم - بر گزار می گردد که دشمنان مردم اسلام را از دامان پاک وطن محبوب

عدالت و مساوات انسانیت و شرافت را ظلم ما در زیر برد دفاع از اسلام هر تکباعمال ما فقط گردد و زحمتکشان ما در صلح و امنیت  
ست - جهات و فساد می گیرد . ننگن و جنایات فساد انسانی در برابر مردم بسر برند .

در چنین اوضاع واحوالی حضرت امام حسین مسلمان ما گردیده و خدا اسلام و اسلامیت . انسان و

## خطاط سوم عقرب را گرامی میداریم

تاریخ مبارزات آزاد بخواهی مردم دلیر و سی و به خاطر بر قرار نمودن عدالت اجتماعی دهد هر چنین خونین سوم عقرب که شانزده  
سلخنورها شجعون از خود و خدایان است که  
قریانی های فراوان داد ماند چنیش های هش رو طه سال قبل از امروز به اشتراک کارگران ، جوانان  
عده و همه بیانگر شیامت و قبرمانی و خواهی اول و دوم قیام رهایی بخش علیه محصلان . روش نگران بیشه و روان و شیریان  
رز مجوبی مردم ما در برابر قدرت عالی مستبدو استعما بر بستانی کیم جنیش محصلان دوره هفت کابل صورت گرفت درین هیان بر جسته تو .  
ستگر تاریخ است . مردم آزاد کشور ماطی  
مبارزات پر شور و نبرد بی امان خود در طول  
تاریخ در جهت حصول آزادی و نامن دوکار . معاصر کشور ما صفحات زدن آنرا تشکیل می  
بقیه در صفحه ۵۴

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند ؟

...

اجای ملیتاریزم در جایان .

...

شرح روی جلد : الله یوگاچو ستاره  
مشبور . تلویزیون اتحاد شوروی .  
شرح پشتی چارم : نمایی از هرادخانی -  
نقاشی استاد امید .

آبا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن  
بیست و یکم نفوذ کند

## دروس هایی از انقلاب اکتوبر

مای، مساله صلح، دمو کرا سی و  
غیره به گونه ایکه اکتو ن هستند،  
نمی بود.

انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر  
تثیت نمود که بدو ن سازمان  
انقلابی و حزب طراز نو ینی که  
صلاح تیوریک آن اندیشه متر قی  
باشد بتواند با بررسی واقعیات  
جاری استرا تیزی و تکنیک نیرو  
های محركة انقلاب را تعیین و باپیش  
کشیدن شعارها و رهنمودهای  
منطبق باوضع، جنبش را به جلو  
رهنمون شود، هیچ قیام و عصیانی  
نمیتواند به پیروزی برسد، مضافا  
در نمونه های در هم شکستن  
سیستم تزاری و بعدا غلبه بر فا-

شیزم این مطلب را که نمیتوان  
اراده توده های مردم و حزب  
رہبری کننده آنها را در امر غلبه  
بر اقشار و طبقات مرتع بدو ن  
داشتن دولت طراز نوین به منصه اجرا  
گذارد، نیز قویا به اثبات رساند.

انقلاب کبیر سوسیا لیستی  
اکتوبر در نمونه جمهوری های  
آسیا بی میانه عملا این اصل را که  
در دوران امپریالیزم میتوان از  
مناسبات اقتصادی، اجتماعی  
سرمایداری طفره رفت و ازفیدا-  
لیزم به جامعه سوسیا لیستی گام  
گذارد، تحقق بخشد.

نفری و عملی غلبه بر جبر اجتماعی  
است. بالانقلاب اکتو بر بشر دست  
به تغییر نظام اجتماعی و آفرینش  
آگاهانه جامعه توینی زد که با  
آرمان های دیرینه بشری و آرزو  
های امروزی او توافق دارد. این  
هزار از جمله پیروزی عظیم داشت  
که فلسفی و اجتماعی و انقلابی  
یک واقعه بی مانند در سراسر  
سر گذشت بر هیجان بشری بود.  
این آزمایشی بود در مقایسه تاریخ و  
انسانیت. آرزوی بنیان گزار  
اندیشه متر قی که می گفت: ((فلان-  
سفه تاکتون جهان را تو صیف می  
کردند واینک باید دست به کار  
تغییر آن زندگی عملی شده)).

البته این سخنان به معنی آن  
نمیست که اگر پیروزی انقلاب سو-  
سیالیستی اکتوبر نبود، در جهان  
یا محدود تو بکویم در اروپا یا  
مثلث در آسیا هیچ جنگ حق طلبانه  
جوانه نمی زد. یا هیچ فریادی به  
رسم اعتراض بلند نمیشد، ولی  
آنچه که میتوان مسلم اش خواند  
این است که اگر پیروزی انقلاب  
کبیر سوسیا لیستی اکتوبر نبود و  
با به زبان دیگر، اگر اکتوبر بواسطه  
نیروهای امپریا لیستی و ضد-  
انقلابیون داخل رو سیه انقلاب در  
هم شکسته میشد، به یقین کامل  
نقش شکر ف اندیشه متر قی در  
وضع جنبش کارگری بین المللی  
و سازواره جنبش های رها بی بخش

اید یا لوزیک و تشکیلا تی احزاب  
کارگری طراز نوین، بسط واستحکام  
جنبش راه صلح و دمو کرا سی و  
ترقی اجتماعی، از هم پاشیدن اندام  
مستعمراتی امپریا لیزم، رشد و  
انسجام جنبش های رها بی بخش  
و خلقهای آن سراسر زمین  
علی، بیداری ملل خاور زمین رشد  
شناور سیاسی و طبقاتی زحمتکشان  
جهان، تقویت ایمان به پیروزی در  
نبرد علیه تمام سیستم های برده  
کننده، اعم از اقتصادی، اجتماعی  
سیاسی و فرهنگی پلا یش در کهای  
و دریافت ها از محیط پیرامون همه و  
همه از مظاهر انقلاب کبیر سوسیا-  
لیستی اکتوبر یعنی همان رویداد  
داشت شخصت و چهار مین  
مهمترین رویداد تاریخ  
یعنی انقلاب کبیر سوسیا -  
اکتوبر، سهیم میدانند.

کبیر اکتوبر، آن گونه نهادیگر  
در تاریخ جهان و تاریخ زندگی  
است، که نمیشود به سادگی  
بسیاری از رخدادهای  
تاریخ جهان، منظره اش  
م کرد، و باید گویند یعنی هایی  
که فضای تأثیر انقلاب اکتوبر  
بال گسترانیده است. و دریافت  
وقایین جامعه تاریخ شرایط  
غلبه بر جبر اجتماعی را فرا هم  
می کند. و دریافت قوایین  
لیستی جهان، شکست  
انه اهربین فا شیزم در جنگ  
دو م، بسط و توسعه جنبش  
ی بین المللی، تقویت سیستم



شمه ورکتون کافون دیگری برای تربیت  
و پوش اطفال ز حمتکشان کشور

گن ادیش از : د - جوینی

بعد از پیروزی انقلاب نجات بخش تود و حزب و دولت انقلابی ما در شرایط کنونی می‌باشد) چنین حکم می‌گفتند: «خانواده، مادر بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حزب به افر تربیت و پرورش اطفال کشور این وظیفه تحت حمایة خاص دولت قرار می‌گیرد، و دولت انقلابی ما در جهت بیرونی دوستی و امنیت ارزش خاصی قابل می‌باشد دولت در مورد صحت مادر و طفل توجه خاصی زحمتکشان کشور نمایند تا این نو تپالان باع آرزو مبنول می‌دارد و جهت ایجاد شرایط وسیع ملیت های مختلف ساکن می‌باشد اقوام فیاض و وسیعی های جامعه ما طوری تربیت و پرورش بایدند برای زن در تحصیل، کسب مسلک و تدارک کار تدبیر لازم اتخاذ می‌نمایند. داشتنی ما اتفاق نستان آزاد، مستقل و سربلند و در راه رفاه و امنیت هر چه بیشتر هموطنان عذاب دیده ها هم از پیران، جوانان و اطفال راکه وطن و جامعه بدوش آن همان نهد وجه کشور این هردان و زنان آینده وطن به برداشت احسن انجام بدند. آری! باتوجه به ارزشمندی تربیت درست و نیز در این راه شریفانه توجه هر چهارم بدنی ماده بیست و ششم اصول اساسی دولت چهارمی دموکراتیک افغانستان (که در شرایط کنونی حیثیت قانون اساسی کشور را دارا و دولت انقلابی ما به ایجاد کودکستان هاو و راکز تربیت و پرورش اطفال اهمیت زیادی قابل گردیده می‌گویند تا ساخته این چنین اراکز تربیتی را وسعت بخشیده از راه تربیت و پرورش سالم اطفال خدمت بزرگی را به هموطنان ها انجام دهد.

شمهه وپکتون که اخیرا در چوکات سازمان  
دموکراتیک زنان افغانستان پایه عرصه وجود  
گذاشتند یعنی از بزرگترین کانون هایی پروردش  
اطفال کشید است که دوربر تو بیروزی هر حله نوبن  
تکاملی انقلاب نجات بخش تور عرض انسان  
نهوده است . در ارتباط با این رویداد بزرگ  
در حیات اطفال گشواریعیتی تأسیس کودکستان  
شمهه در چوکات سازمان دموکراتیک زنان  
افغانستان را بپرتر مجله با محترمه تصور میکنی

مدیره گودکستان هذکور مکف و شنودی بعمل اورده است که در ذیل شمارا به مطالعه آن فرا می خواهیم .

بعد از پیروزی انقلاب نجات بخش تود و  
بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حزب  
به افراد تربیت و پروردش اطفال کشود این  
وارزنان حقیقی میباشند ارزش خاصی قابل هم باشند  
و دوایت انقلابی ها در چیز بیبود حیات  
زحمتکشان کشود شاهد همه اقوام قبائل و  
وسعی هم نماید تا این نو تهاulan باع آرزو  
هلیت های مختلف ساکن هیبین محبوب و دوست  
داشتنی ها افغانستان آزاد ، مستقل و سریلند  
و در راه رفاه و ارامنه هر چه بیشتر هموطنان  
عداب دیده ها هم از بیران ، جوانان و اطفال  
راگه وطن وجاهه بدون آن همان نهد وجود  
زنده هم از زنان آینده وطن به برداشت  
کشود این مردان و زنان آینده وطن به برداشت  
قدم های موثری فایق آمده است و در آینده  
آیندگان راه شریفانه نوجه هر چهار بندی  
جمهوری دموکراتیک افغانستان (که در شرایط



یکن از آموزگاران کودکستان (شمال) اهلال راهه کارهای مختلفی تشویق میکند که بجزوه بادستان خود گلبهای گالانی پیازلند و یکدیگر نجه بدهند.

هر سکه معاش والدین اطفال از چهار هزار  
فغانی زیاد باشد از مجموع معاش پدر و مادر  
ماهانه سه بیصد ادر صورت پذیرش اوین  
 طفل، فیس اخذ میگردد.  
و در صورتیکه والدین بخواهند طفل دوم و سوم  
ستان را نیز در این گودگستان شاهد سازند  
مکلف اند برای هر طفل خوبیش ماهانه بیصد معاش  
خود را به گودگستان ببردازند و به مقدار همین  
دو بیصد تا آخرین طفل از آن ها اخذ خواهد  
شد.

از اولاد آن عدد قهرمانانی که در راه بیروزی انقلاب شکوهمند نور و حفظ دست آورد های دوران ساز آن جان های شیرین خودرا از - دست داده اند در صورتیکه معاش والدین آن ها از چهار هزار افغانی زیاد باشد «ماهانه دو - فیصد و اگر از چهار هزار افغانی یاتین تر باشد ماهانه یک فیصد معاش آن ها اختمیگردد و از سایری اشخاصیکه از چهار هزار افغانی کمتر معاش دارند «زن و شوهر» ماهانه دو فیصد معاش در بدل شمول هر طفل آن ها دراین کودکستان از نزد ایشان اخذ میگردد \*

هدیه کودکستان شعله راجع به بخشیها و برنامه های فعلی شموله و برگتون چنین معلومات ارائه داشت :

اساساً شمله و پرکنون دارای دو بخش هی باشد  
عنه بخش تیر خوار گاه و بخش گودگستان  
که برای فعلاً بخش تیر خوار گاه ها فعال  
نیست و در آینده نزدیک بکار خود شروع  
خواهد گرد .

و در مورد برنامه های کار بخش گودگستان  
عنه کار آن هدف اطفالی که بین سهین سه  
سالگی تا نهش سالگی قرار دارند «اطفالیکه  
بین سهین سه هاشمیکی الی سه سالگی قرارداد استه  
باشند در تیر خوار گاه تحت تربیت قرار  
می گیرند . باید گفت از آن جانبیکه گودگستان  
جه آماده گی برای آغاز درس هنگفت است که  
باید اطفال را قبل از شروعیت به مکاتب کشور  
به اساسات تعلیم و تربیه آشنا سازد مادراین  
نقیه در صفحه ۵۱

خواهیم دادو به تعداد دوصد و پنجاه طفل را در آن  
جذب خواهیم کرد .  
وی گفت : از جمله اطفالی که قرار است  
در آینده نزدیک در کودکستان شمله جذب  
نموده بیست و پنج نفر آن را اطفال مربوط به  
کلد گران فابریکهای بگرامی شش طفل کارمندان  
وزیر اکبر خان روغتون و شش طفل کارمندان  
تعلیمات صحی تشكیل می دعند که این عده  
طفال گمانی ازدگه نهایت مستحق تشخیص  
داده شده اند .  
قدیر کودکستان نموده در مورد نظره ارجاعه  
ویدرشن اطفال در این کانون تربیتی و پرورشی  
اویاد گشوار چنین بیان داشت :  
آگوش این هوسسه برای ییدرشن اولادهای  
افشار و طبقات زحمتکش گشوار عقیمه باز  
می باشد ، هر گاه یکی از وطنداران سریف  
ما بخواهد طفل خودرا در این هوسسه شامل  
سازد بفاتر کودکستان در خواستی مددواز  
طرف اداره کودکستان برای شخص موصوف  
ورقه استعلام داده می شود تا از هر اعیانکه خود  
و خانم وی کار می نمایند تصدیق هصروفیت  
واندازه معان خودرا حاضر نمایند تا بر ویت  
آن در قسمت اخذ فیس ازوی اقدام صورت  
پذیرد . ۵۹ . علاوه کرد :

لاب شکوهمند نور و بخصوص هرچه  
و تکاملی آن آزادی هی زیادی را برای  
کشور بیار اوردید بر آن ها زینه این  
مساعد گردید که دوش بدوش پدران  
را خوبی در کار خانه ها، مکاتب،  
باشیکات گار گشتند و در امر اعتلاو  
آن گشود سهم خود را اداء نداشته  
چنین شرایطی که زنان آزاده هرین طبقه  
هی خارج منزل استغال ورزیده و در  
روز بخانه نمی باشند نمی توانند از عبده  
س ورزیت اولاد خود گه بعثت عربان  
فردای گشود را تشکیل می دهند بدر  
آغاز ای فا ازوج سtan در پبلوی ساری بلان انکشافی  
نمی باشد این دو اتفاقی همین نود طفل اکتفا من نعائم گه تکنون به  
نهان دهستان و دیگر زحمتکشان گشود در سهله  
بازار و بنا بر آن دوست چه بوری دو گرتیک  
همین نود طفل اکتفا من نعائم گه تکنون به  
نعداد بتجاه و بفتح خل از اولاد گارگران ،  
دهستان و دیگر زحمتکشان گشود در سهله  
و دیگر شدید شدیده اند . قرار است در آینده  
بسیار نزدیک بخش شیر خوار گاه این  
کودکستان دیگری از نفاطمساعده شیر تامیس  
شود و در آن به تعداد بتجاه آن از اولاد  
زحمتکشان اتفاق نستن بذریته شوند ، در  
صورت تبیه عمارت بزرگی گه گنجایش همه  
اطفال شامل تشکیل این کودکستان را ادسته  
ایسان بتوانند در یک فضای آرام و  
منقول



و اینجا خلاصه نبودن حضور مادر محسوس نیست، معلمان چاکزین مادران شده اند و اطفال را صمیمانه به کارهای تفریحی معروف هیدارند.

# غذا و اهمیت آن در وجود

**لکه** سوء تغذی چه تاثیراتی بالای عضویت دارد



عدم توجه به حفظ الصحه  
حالت را بوجود می آورد

غذا بی مصا ب هستند که اکثرا احصائیه دست داشته نشان می در ممالک روبه انکشا ف زیست می دهد که در سن پا بین تر از یکساله ۵-۱۰ ساله دو صد و هفتاد فی هزار واژه

احصائیه مرگ و میر مخصوصاً اتفاق در مملک اکشاف یا فته نسبت به ممالک روبه انکشا ف بخاطر سوی تغذی و محیط ناسالم زیست هزار طفل دو صد و هفتاد طفل قبل از آنکه به سن پنج سالگی بر سند

زیاد میباشد . طور مثال اطفالی که به صورت بنا بر علتی نابود میشوند و یا اگر درست تغذی شده باشند . بسیاری بعضی هم ازین هر احل خطر ناک از امرا ض ساری از قبیل سرخکان دیفتری ، سیاه سرفه مجر قسه عقای واز نگاه ذکا ناقص می باشند

اکثرا سبب هر گ شده تیواند . وبار دو شن جامعه میشوند . که گا هی حتی این اطفال بعد از چند روز بیدون تداوی شفا یا ب تغذی بیشتر به ملاحظه میرسد میشوند . بر عکس آن عده اطفالیکه ازینکه اطفال در سنین کم رشد به سوء تغذی مصا ب باشند با ونم و سریع دارند میرهن است وصف تداوی باز هم جواب قتنا عت که کمبود مواد غذایی و مصا ب شدن بخش حاصل نگردیده نه تنهامی پس به امرا ض گونا گون اثرات سوء شفا نمی یابد بلکه در جنگا ل بی وناگواری که بر آنها بجا میگذارد . زخم هرگ جان شیرین خود را از اکثر شخصی برای مدت درازی دست میدهند .

در وطن ما افغانستان مشکل تغذی بیشتر به ملاحظه میرسد ازینکه اطفال در سنین کم رشد به سوء تغذی مصا ب باشند که کمبود مواد غذایی و مصا ب شدن به امرا ض گونا گون اثرات سوء شفا نمی یابد بلکه در جنگا ل بی وناگواری که بر آنها بجا میگذارد . زخم هرگ جان شیرین خود را از اکثر شخصی برای مدت درازی دست میدهند .



درجہان کنو نی تغذی مشکلی عظیمی را بوجود آورده است . زیرا از دیاد نفو س ، تغیر وضع جوی ، سو یه اقتصاد ، عادا ت غذا بی رسم ورواج ها فکتور عای اندکه افراد یا تغیریت تغذی را بار می آورد .

فرط تغذی سبب امرا ض ما نند دیا بیت یا هر ض شکر و امرا ض قلبی شده ودر کسانی زیاد تر دیده میشود که وضع اقتصاد خوب داشته وعموما در مملک اکشاف یافته زندگی می کند . بر عکس کمبود غذا متوجه حال مردم جهان سوم یاما لک رو به انکشا ف و عقب مانده می باشد که درین ممالک سویه اقتصاد بایین بوده و محیط مناسب زیست برای باشندگان موجود نیست .

در جهان ما امروز زیاد تر از چهار صد میلیون نفر به کمبود مواد



تعلیمات صحی ، خصوصاً در مورد تغذی و حفظ الصحه میان مردم بخش  
گردد

# درجہان ما اہر ورزیا د تراز ۳۰ ملیون نفر بکھبود مواد غذا یی د چاراںد.



در وجود بصورت عمده سه وظیفه را را اجراء می نماید . واژه مین سبب غذا به سه گروپ تقسیم میشود :

الف - آن عده مواد غذا یی که برای نمو به کار میرود و منابع حیوانی و نباتی دارد. منابع حیوانی آن شامل گوشت ، شیر و تما مخصوصاً لات که از شیر ساخته میشود و تخم میباشد .

ومنابع نباتی آن را لوپیا، نخود، دال ، ماش ، موم پلی ، زرد ک ، کدو، ترب و ز، خر بوزه ، جلغوزه، بادام، چار مغز وغیره تشکیل مید هد . ب - آن عده مواد غذا یی که به وجود قوت کار مید هد و عبارت از تمام خوردنی های شیرین مثل شیر یعنی با ب ، نیشکر ، لبیو ، گندم، برنج ، کیجالو و غله جات .

همچنان تما م شمیا ت مانند ته مسکه ، فیما ق و رو غن درین گروپ شامل اند .

ج - آن عده مواد غذا یی که فعالیت های وجود را تنظیم می کند و در حفظ سلامتی بد ن رول دارد . که عبارت از تمام عیوه جا ت خشک

۵ - بعضی عملیات ها خصوصاً (یک قسمت معدہ گشیده شده باشد) درین قسمت آن امراضی شامل است که فقدان مواد مغذی از سبب سازد .

۶ - بعضی امرا ض احتیاج مشخصی مواد غذا یی را از یاد می بخشند اگر نکاف نشود سوء تغذیه ظهور می کند .

۷ - در قحطی های دوامدار عضویت احتیاج غذا یی خود را پوره کرده نمیتواند .

۸ - عادات خراب غذا یی و طریقه های

ناقص یختن که در آن مواد مغذی از بین میرود .

غذا :

غذا به آن مواد اطلاق میشود که دارای عناصری مثل بروتین شحم کار بو های دریت یا قند و ویتامین وغیره باشد و انسان آنرا بمنتظر تولید انرژی ، نمو، ترمیم انساج، توالد و تناسیل و مقاومنت در مقابله امراض بروز می کند طور مثال تبر کلوز .

اهمیت غذا :

مقابل حالات التها بی کم میسازد. ۴ - فکر می شود که غذا یی خوب قدرت مقاومنت عضویت را در مقابل انتان را فعال ساخته و در نتیجه ویزیت را تحریب کند ، مگر در سوء تغذیه این حالت صورت نگرفته ویزیت را آماده میسازد که عامل مرض را تحریب کند .

ویرای بیرون فزیکی و دما غیر تاثیر

مسقیم دارد و به این اساس غذانیست

به هر فکتور حفظ الصحوی دیگر

با لای صحت زیاد موثر است .

اینکه غذا در وجود چه وظایف

را انجام مید هد باید گفت که غذا

خوردن ناکا فی آن بوجود می آید  
که بود مواد غذا یی تانو نی :

درین قسمت آن امراضی شامل است که فقدان مواد مغذی از سبب سازد .

دیگر فکتور ها بوجود آمده باشد نه غذا .

سوء تغذیه یا آنقدر خفیف می باشد که اعراض کلینیکی نشان ننمی

دهد و تنها توسط معاینات لابرا -

تواری تعیین شده میتواند ویا اینکه بقدرتی کا فی بیشم فته واعراض

وعالیم کلینیکی را بوجود می آورد .

درینجا بیتر است که رول

سوء تغذی رادر بروز اعراض شرح

نماییم .

۱ - عناصرها فیت دهنده یا انتی بادی محا فظوی را کم میسازد

یا زود از بین می برد .

۲ - حالت غذا یی خراب انتانات خاموشی را فعال ساخته و در نتیجه

مرض بروز می کند طور مثال تبر کلوز .

۳ - عکس العمل نسجی رادر

غذای خوب برای تامین صحت

بیشتر لازم و ضروری است زیرا

غذا برای نمو، انکشاف، توالدو و تناسیل ، تولید انرژی عضویت

و عضویت را آماده میسازد که عامل

مرض را تحریب کند ، مگر در سوء

تغذیه این حالت صورت نگرفته

مرض بوجود می آید .

اسباب سوء تغذی :

در حالات ذیل مواد مغذی و مقادیر ضروری آن به عضویت

ترسیمه در نتیجه عضویت به فقدان

مواد غذا یی مصاب میشود :

۱ - در غذای روزانه یا مواد مغذی هیچ موجود نبوده و یا هم احتیاج

روزانه را تکافو کرده نتواند .

۲ - در الاستقلال بعضی مواد غذا یی خطاهای متا بو لیک موجود باشد .

۳ - بعضی مواد کیمیا وی که به

شكل دوا استعمال میشود در مقابل

مواد غذا یی تأثیر ضد میداشته

باشد .

که د سو تغذی ابتدایی :

۴ - بعضی اعراض عنتدی

حرکات استدادی امعا را تسريع

نموده و به این صورت به مواد غذا یی

فر صفت امتعاضی را نمیدهد .



طفلیکه به آینده مینگرد و هی اندیشد

بسیاری و حالت دو م که چا قی هی

نامند . در معا لک عقب ما نده عامل

ی خس هم سوء تغذی که بود مواد پر و یتینی

ضمدم دوده که سوء تغذی به شکل تفریط

که دندا ظهور می کند .

برخلاف در معا لک متر قی چا قی

شکل عمده مردم می باشد که این

مضر حالت نیز برای صحت مفید نیست .

بعضو به صورت عموم سو ع تغذی

ن حالتی را گویند که در عضویت

از آن نوع رژیم غذا یی بوجود می آید

که یک یا چند مواد مغذی اساسی

کم داشته باشد . بنا ع سو تغذی

با که بود غذا یی به دو بخش تقسیم

میشود :

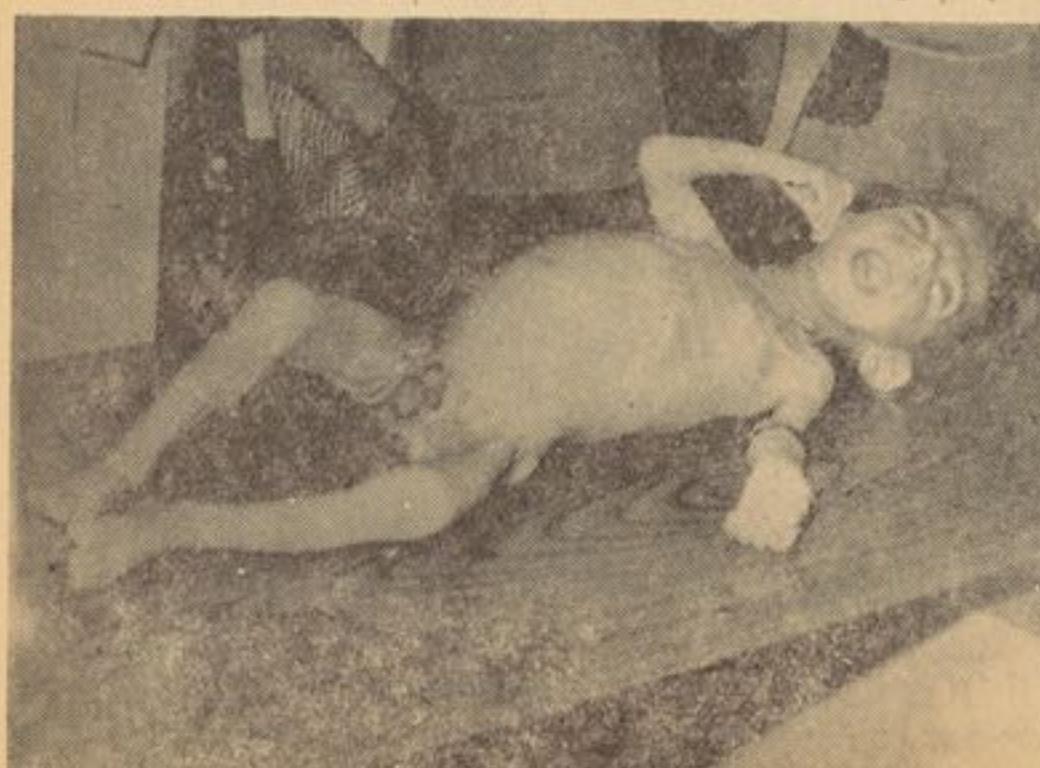
که د سو تغذی ابتدایی :

۱ - بعضی اعراض عنتدی

حرکات استدادی امعا را تسريع

نموده و به این صورت به مواد غذا یی

فر صفت امتعاضی را نمیدهد .



عدم توجه به اطفال و سوء تغذی چنین حالت را بار می آورد

سست شد ن دندانها می گردد  
همچنان بود جود آمدن لکه هزار  
کبود روی پوست، پندیدگی پاها  
و کم خونی از جمله اعراض و علایم  
مهم آن است.

میوه جات تازه و سبز یعنی  
منابع غنی این ویتا مین می باشد.  
کجالو حوش داده دارای مقدار زیاد  
این ویتا مین است اما، باید یاد  
آورد شد که غذا های حاوی ویتا مین  
سمی تباشد زیاد حرارت داده شود از ر  
در غیر آن ویتا مین مذکور خاصیت دارد  
خود را از دست میدهد. و اگر در  
میخواهید سبز یعنی را بخته نمایید  
پر کوکو

سالاری  
عمل  
که

خرد خرد کردن و قرار داد نسبت -  
وانده اند  
یعنی در معرض هوا سبب از بین

گره رفاه  
میباشد  
که

رفتن ویتا مین سمی میگردد بناء  
خوردخورد نمودن بیش از حد یا با اصطلاح

بخواست چمجه نمود ن سبز یعنی  
مغاید نبوده و نیز باید از ریختن آب  
با

اعده اند  
یعنی جلو گیری به عمل آید.  
اخوه اند

ویتا مین که در دیگر مسی بخته میشود  
ویتا مین سمی آن از بین میروند.  
کش

همچنان علاوه کردن پلی یاسودیم  
بای کار بود یعنی سبب تخریب  
ویتا مین سمی میشود.

علاوه کمبود این ویتا مین به  
خصوص در نزد اطفال دیده میشود  
منابع مهم آن نارنج، لیمو، مالت  
بادنجان رومی و غیره می باشد.

#### ویتا مین دی:

این ویتا مین که ویتا مین (آفتان)  
نیز نامیده میشود در رشد و تنو  
بسیار موثر بوده از آغاز تولد تا  
پایان دوره بلوغ در تکامل نموی  
بدن نقش تعیین کننده دارد. و در

موقع بارداری و شیر داد نبند  
زنان از هر وقت دیدگر بیشتر

به این ویتا مین ضرورت دارد.  
این ویتا مین جذاب کلسیم و

فاسفور را از طریق روده هامیکن  
میسازد. کمبود آن سبب نر می

می آید بنام (سکاروی) یاد میشود  
و کجی استخوانها میگردد. چون

بی خصلتی، بهانه گیری، درد نرمی استخوان در اطفال زیاد تر  
دیده میشود.

بعضی مواد از طرف عضویت  
حساسیت دهن و بیره ها (که سبب

استعمال میشود.  
ویتامین ها:

ویتامین از جمله مرکبات عضوی  
بوده که عضویت خود شان آنرا  
ساخته نمیتواند و باید که از خارج  
عرضیت تکافو گردد. زیرا برای  
تامین صحت ضروری می باشد.  
ویتا مین ها بدو گروپ عمده  
 تقسیم شده یکی منحل در شحم  
که عبارت از ویتا مین های آ، دی،  
ای، و کا میباشد. و دیگری منحل  
در آب است که شامل ویتامین سی و  
انواع ویتامین بی میباشد. ناگفته  
باید گذاشت که ویتا مین های  
منحل در شحم در جکر ذخیره می  
شود و گرفتن زیاد آن آنقدر مفید  
نبوده مگر ویتامین های منحل در آب  
در عضویت ذخیره نگردیده بلکه  
مقدار اضافی آن را عضویت افزایش  
می نمایند.

حال به تشریح مختصر هریک  
از ویتامین ها می پردازم.

#### ویتامین آ:

این ویتا مین جمیت رشد و نمود  
اطفال ارزش حیاتی دارد زیرا این  
غذای که در دیگر مسی بخته میشود  
ویتا مین درساخته نیک قسمت  
مهم چشم نقش اساسی داشته و به  
واسطه آن تعداد بینایی خود را  
حفظ می کند. کمی ویتا مین (آ)

باعث ضعیف شدن قوه دید و فقدان  
آن ممکن سبب کوری چشم گردد.

یک خاصیت مهم دیگر این ویتا مین  
تامین و افزایش مقاومت طبیعی بدن  
مقابل مکروبهاست اشخاصیکه

دچار کمبود ویتا مین (آ) هستند.

بیشتر به امر ارض مجرای تنفسی  
وبولی مبتلا میشوند این ویتا مین  
از اینجا مشکلات صحی را

وجود خواهد آورد. بر علاوه  
بیشتر به این زیاد گرفتن شحمیات

جلد بدن را سالم نگهداشته در  
بنیود استخوان و دندان نهاده شدند

نیز تاثیر دارد. جوانان روزانه  
به سه صد گرام و گرام ویتامین  
(آ) ضرورت دارد.

#### ویتا مین سی:

کمبود این ویتا مین باعث خون  
این ویتا مین جذاب کلسیم و

استخوان های بدن می گردد.  
فرسیمه از فدان ویتامین سی بوجود

میشود. شحمیات منبع مهم از ری  
وناقل ویتا مین هاست غذار امزه دار  
بی خصلتی، بهانه گیری، درد نرمی استخوان در اطفال زیاد تر

مسکه، شیر، زردی تخم و گوشت

می باشد منابع نباتی آن کوکنار



طفلیکه به کمبود غذا یاسو غذی مصاب است

وتازه و تمام انواع سبز یعنی  
چار مغز، بادام و خسته با ب. دیگر  
باشد.

پس غذا از نظر ترکیب به سه شرشم، کنجد، زعفران وغیره می  
جز عمده تقسیم شده که عبارت باشد.

انداز: شحم رژیم غذا بی با کالوری  
وشحم عضویت با چاقی از تبا ط  
دارد در ممالک که ما شین جای کار  
برو تینی.

کار بود یا دریت یا مواد قندی:  
که وظیفه عمده آن عبارت از

ذخیره انرژی میباشد یک گرام  
کار بود یا دریت دارای چار کالوری  
انرژی می باشد کار بود هاید ریت

ها از طریق مواد غذا بی گرفته می  
شود که منابع آن عبارت از شیر،  
نیشکر، لبلوب، گندم، برنج،

کجالو و عصاره میوه جات می  
باشد.

شحم که منبع خوب انرژی  
لازمی شمرده میشود. که بصورت

عضویت بوده یک گرام شحم نه  
کالوری انرژی تولید می کند و از

دوبنیع عمده حیوانی و نباتی بدست  
می آید. منابع مهم حیوانی شحم

عبارت از روغن حیوانی، قیماق  
ساخته و به حیث واحد ساخته ای تمام  
نمی استخوان در اطفال زیاد تر

بعضی مواد از طرف عضویت  
حساسیت دهن و بیره ها (که سبب

# تاسیس و ایجاد پروژه شگاہ وطن

## قدم بزرگی در راه پرورش اطفال

### بی سر پرسنلت وطن

از: نیکو

شمول می پذیرد بر علاوه اینکه اطفال اعاشه و ابا ته می شوند بلکه و سایل تر بینی و سایل سرگرمی و سامان بازی و رزش نیز برای آنها میباشد و با در نظر داشت سن و سال آنها در تربیه ذهن آنها موافق به اینجا بات عصر ما اقدامات سودمندی از طرف مردمیان پرور شگاہ صورت می گیرد و اطفال بسوی یک زندگی بهتر و آینده شگو فان نیک رهبری و رهنمایی می شوند.

عراکه به اهداف عالی پرورشگاه وطن عمیق با ندیشیم و خدمات انسانی آنرا نیک پنگریم بدرستی در می یابیمکه پرورشگاه وطن یک هو مسنه عام المنفعه است و بهمه مردم تعلق دارد که هر فردی از افراد کشور که توان مالی داشته باشد می تواند در تقویه پرور شگاہ وطن سهم گیرد و آنرا بیشتر نیرو و توانایی بخشند تابتواند تعداد زیادی از اطفال سراسر کشور را جذب نماید.

دولت انقلابی ما با وسعت نظری که دارد همه اطفال وطن را که بی سر برست شده اند اگر قر زندان را هیا ن راه انقلاب اند و یا دشمنان انقلاب یکسان در پرورشگاه وطن می پذیرد و یکسان در تعلم و تربیت آنها همت می گمارد زیرا عناصر ضد انقلاب و یافریب خورد گان را نابودی را خود برای خویش گزیده اند و لی اطفال آنها که گلنهای از شگو فه های انبو و این چمن اند گناهی ندارند.

پس بر ماست تا در راه تقویه و گسترش چنین موسسات عام المنفعه و خیر یه مبارزه نموده از این اقدام شایسته دو لست مردمی خویش مجدا نه بشتابانی تمامیم.

کامل نیاز دارند که باید این نیاز مندی اطفال امروز به خاطر هر چه بیشتر شگو فانی جامعه فرد ای را آورده گردد، بخصوص آن عدد اطفال لیکه یا در انحراف طبیعی پدران خویش بی سر پرست گردانیدند که این جنایات ضد انقلاب و باده ران امیریالیستی جان خود را در راه دفاع از میین و انقلاب از دست داده اند، به سر برستی و یا هرجامیدی که آنها را بتوانند تعلیم و تربیت دهدو بزرگ سازد اشد ضرورت داشتند که با تاسیس پرورشگاه وطن این نیاز میرم اطفال بی سر برست برآورده شده و در داده ران پرورشگاه وطن از نعمت تعلیم و تربیت جسمی و رو حسی رابخاطر تربیت نمودن اطفال برخور دار می شوند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان که خدمت به توده های وسیع کشور و رفاه و سعادت مردم از اهداف بزرگ آن می باشد دست بیک اقدام بی سابقه ای در کشور زده و پرورشگاه وطن بی سر برست تا سیس نموده تو باو های اند و سیع زحمتکشان در پرورشگاه وطن که زنان فرزندان بزرگ و دوران ساز فردای جامعه مان میباشند به سر برست سالم جسمی و رو حسی تربیت میباشد که یکی بی دیگر به تفع اکثریت عظیم و توده های وسیع دهقانان، کارگران و سایر زحمتکشان به منصه اجرا گذاشده می شود وطن محبوب ما را بسوی شگو فانی و ترقی اجتماعی می کشاند.

دشمنان ترقی و سعادت مردم افغانستان که سالیان درازی نمر دست رنج توده های و سیع کشور را می بیلندند با پیروزی انقلاب تور و مرحله نوین تکا ملی آن به پرو یا گند های ناروا برضد انقلاب آغاز گردند و با آنهم اکتفا نکردند از با داران امیریا لیستی خویش سلاح گرفته میلما نان واقعی و روستاییان ساده دل ما را بدام نزدیکی ریا کای های شان افگندندند و یکی را بجان دیگر اندخته دست به قتل، آدم کشی و تجاوز به آزادی های دموکراتیک مردم زدند که نتیجه این مداخلات امپریالیزم و قتل و قتال و وحشی



پرورشگاه وطن یکی از موسسات عام المنفعی است که بهمه مردم کشور تعلق دارد.

# گرد هم آیی های اختصاصی ژوندون

## مسئل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی

### دربوته نقد و اسقاف

#### راههای رشد در بازدید تجارت ملی

##### در کشور

###### آیا تجارت مادچادر کو دشده است؟

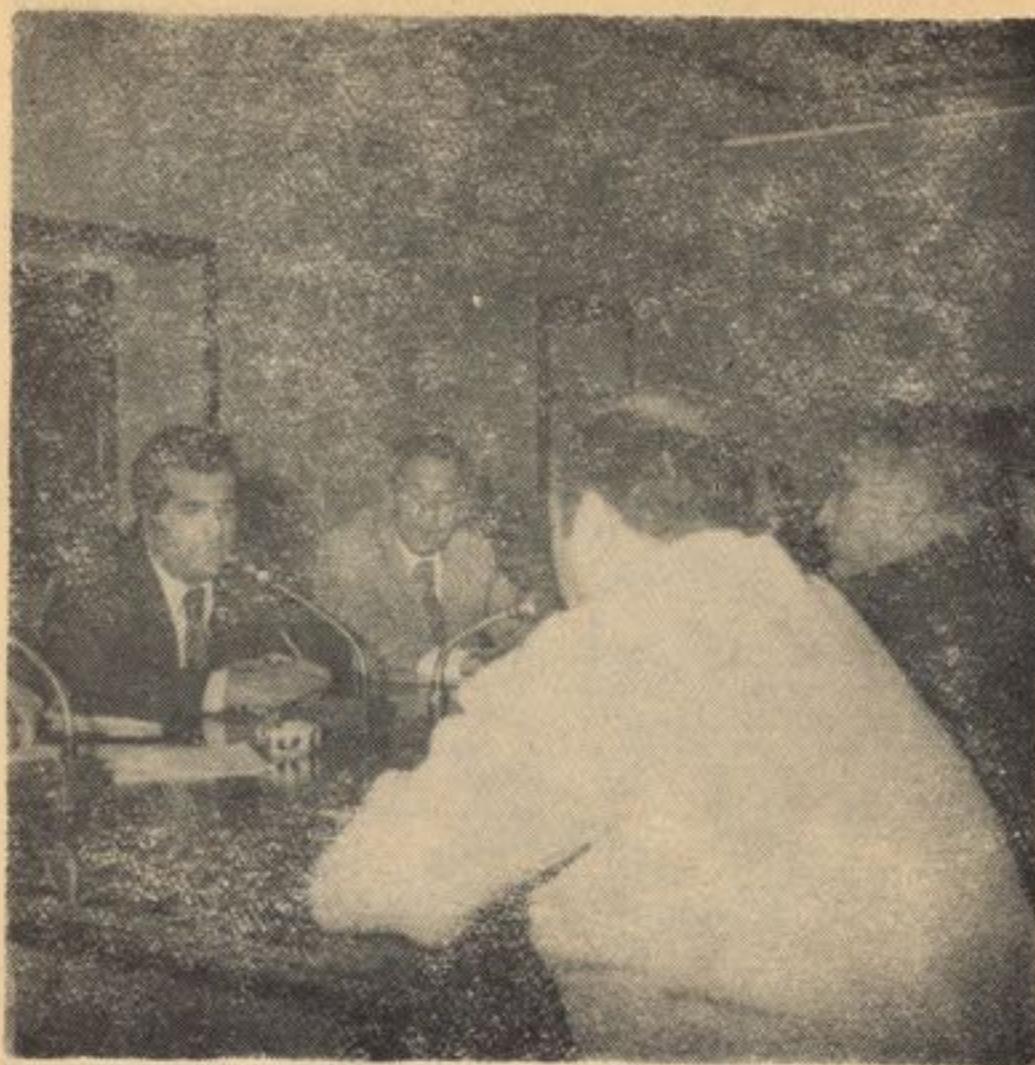
ارا نه داده با شیم که تجارت ما همچنین کمک های فراوان به ونده کردند یابند و است بهذکار قائم سر هایه گذاران ملی صورت گرفته تا تجارت صادراتی توسعه شدست به مقایسه همین ربع سال یابد که در این شمار است بازار پنجاه و نو می پردازم: یابی برای امتعه افغانی در بازار مجموع صادرات ربع اول سال های خارجی، جلو گیری از صعود قیمت گذشته یکصد و سی و نو میلیون نر خگیری مرتب مواد مصر فی دالر بوده است در حالیکه مجموع دار است در سطح بین المللی و کارهای دیگر.

ریاست اکشاف صادرات به یکصد و هشتاد میلیون دالر بیشتر همچنین مجموع واردات منظور توسعه خدمات خود را برای تجارت سکتور خصوصی در هر ربع اول سال گذشته یکصد و شصت میلیون دالر و از همین مدت در سال چاری تدویر گردیده است. از تجارت انفرادی برای شرکت اتوکار دعوت به عمل آورد و برای کالای خارجی یکی از مواردی که بازگو گنده موقوف حمایت گرانه و زارت تجارت از سکتور تجارت خصوصی است این میباشد که پر چون فروشی و عده فروشی اجتناس در صد تجارت کشور را به عهده دارند و این خود نمایانگر آن است که دولت به چه بیمانه تجارت ملی را در سکتور خصوصی مورد حمایت قرار میدهد.

طرح و تنظیم: رووف راصع حکم: داخله راسخ خرمی

- در این جدول:
- ۱ - انجینیر محمد غزیز رئیس عمومی ارزاق
  - ۲ - مهر چند و رهای رئیس عمومی اتاقهای تجارت
  - ۳ - انجینیر شاهین رئیس افغان کارت
  - ۴ - انجینیر لمب احمد لمب رئیس عمومی مواد نفتی و شکر
  - ۵ - انجینیر عسکری هل رئیس اکشاف زراعت

رئیس اکشاف صادرات: در سال شصت به مقایسه سال پنجاه و نو به وزارت تجارت در سطح تجارت مقایسه سال پنجاه و هشتاد خارجی جلب اسعار قوی است که افزایش یافته است. در مقابل بتواند به تورید مواد پردازد. یکی از موافقیت های دیگر ضروری و اولیه زندگی مردم از گان به کمک تاجران سکتور خصوصی تبعیت نموده است. این است که این ارتقا میباشد که پر چون فروشی احتیاجات عامه را در سطح ملی برآورده چنانکه هیچ کمبودی در انتشارات توائیسته است. برآورده مواد اولیه به چشم آورده چنانکه حجم تجارت خارجی نخورد. برای اینکه دلیلی بر این ادعای



گوشه بی از هیز گرد زوندون گـه پیرامون مسایل تجارتی گتسور دایر  
گردیده بود

سالاری در جا ممکن است به چشم  
میخورد که در نتیجه پیروزی کامل  
انقلاب و از میان رفتن همه  
ضوابط فیو دالی از میان میرود.  
در پر سنس شما آنچه مربوط  
به شرکت افغان کارت میگردد  
یاسن آن این است که این شرکت  
برای جلوگیری از صعود قیم  
کارها بی را به انجام آورده  
است به عنوان مثال قیمت شیر  
که یکی از اقلام مورد ضرورت  
همگانی میباشد بعد از آنکه  
رو به افزایش گذشت افغان  
کارت مقادیر فراوان آن را از  
کشور دولت اتحاد شوروی وارد  
کرد و با افزایش عرضه به  
مقدار بیشتر از تقاضا موفق  
گردید قیمت آنرا به کنترول  
اورد.

اکنو ن نیز شرکت افغان کارت  
قالام وارداتی خود را به قیمت تمام  
شند به بازار عرضه میکنند .  
نقش کو پرا تیف ما مو رین  
نیز در چلو گیری از صعو د  
غیم بسیار از زند ه و اسا سی  
است و دولت بابت فروش اقلام  
و لیه حیا تی مردم مانند چا ی  
روغن آرد و غیره به قیمت  
ناز لتر از نرخ تمام شد ضرر ر  
عنگفتی را متقبل میگردد و به همین  
بنیه در صفحه ۵۰

با خیر :  
رئیس افغان کارت:  
به اجازه شما بیش از اینکه  
به پاسخ پرسش مشخص شما  
بیش داشتم می پرسم به یادآوری  
چند نکته در زمینه استقرار قیم :  
در سطح جهانی نظر به خرا بی  
و خصاع ایران قیمت نفت این  
کشور بلند رفته است و این  
گرانی خود به خود روی نرخ  
تراتسپورتی تا ۷۰ میلیارد ارز، از  
سوی دیگر نوسان نرخ اسعار  
در سطح جهانی روی قیمت هاتائیر  
میگذارد و از استقرار آن جلوگیری  
میگردد به عنوان مثال دالر که چند  
ماه بیش از چهل افغانی قیمت  
داشت اکنون پنجاه و افغانی قیمت  
دارد، از این هاگذشتہ یک عامل

دیگر صعود قیمت ها و عدم استقرار آن مانند نزیاد اموال در بنادر میباشد که به یقین این مشکلات در آینده حل میگردد .  
به پاسخ سوال شما در زمینه ضرورت قبول ضرر اقتصادی دولت به خاطر رفاه عامه در مسایل غرضه مواد مورد ضرورت مردم باید بگویم فقر زاده شرایطنا هنچار روابط فیودالی در جا ممکن است که تا هنوز هم بقایای سکونت انسانی بسط خان

صعود قیمت ها بیشتر از این جلو  
گیری کنیم و حداقل قیم را در  
سطح موجود ثابت نگذاریم؟  
رئیس عمومی اتاق های

عدم استقرار قیم در بازارهای  
کشور ما بیشتر از آنکه زاده  
شرایط داخلی باشد و اینسته به  
شرایط و ضوابط اقتصادی بین-  
المللی است و از همه بیشتر  
به نرخ اسعار واپسنه میباشد.  
در سال ۵۸ نرخ دالر از چهل  
و چار افغانی تجاوز نمیکرد اما در  
سال های گذشته و سال جاری  
قیمت دالر به پنجاه و هشت  
افغانی افزایش یافت.  
علاوه بر دیگر بلند رفتار قیمت ها  
گران شدن نرخ نفت در سطح  
جهانی است، تورید مواد مصرفی  
به ترانسپورت احتیاج دارد و  
ترانسپورت به مواد سوختی نفتی  
که پیدا میگردند و قیمت نفت  
بلند رود قیمت ترانسپورت تغییر  
بلند میگردند و در نتیجه صعود قیم  
را موجب میگردند.

رئیس عمو می اتفاق های  
تجارت :  
به تایید گفته های محترم رئیس  
انکشا ف صادرات نکته بی که  
قابل یاد آوری میباشد این است که  
تجار ملی در دوران امین در امور  
واردا تی و صادراتی با مشکلاتی  
رویرو بودند که بعد از پیروزی  
مرحله نوین و تکاملی انقلاب  
نور به همهی آن مشکلات خاتمه داده  
شد . به عنوان مثال تا جرا ن  
دست اندر کار صادراتی موظف  
بودند به اساس فیصله بی که به  
عمل آمد و بود بیست درصد مازاد  
را به حساب وزارت مالیه  
محاسبه کنند ، اما بعد از پیروزی  
مرحله نوین و تکاملی انقلاب نور نه  
تنها این بیست فیصد گشتا ند و  
نمیشود بلکه آنچه هم که گشتانده  
شده بود و اپس به تاجرا ن ملی  
مسترد گردید و همچنین رسمن  
ارضی بنا در برای تجار تور ید  
کنند و نیز معااف گردید .

مُحترم رئیس انکشا ف صادرات  
در بختمنی از سخنان خود اشاره بی  
یه این موضوع داشتند که  
کو در اثر اقدامات ارگان های  
تجاری کشور نه تنها هیچ کمبودی در  
عرضه مواد او لی و ضروری  
بودگی مردم در بازار های کشور به  
جسم نمی خورد بلکه از صعود قیم  
تیز جلو گیری شده است که من  
مورد اول گفته های ایشان را  
تایید و مورد دوم یعنی بالا نرفتن  
قیمت ها را رد نمی کنم ، برای این  
ادعا تیز دلایل فراوان در دست  
است به عنوان مثال صابونی که  
دو سال پیش و یا سال های قبل  
از آن ده افغانی قیمت داشت  
کنون بیش از بیست افغانی  
نیم دارد گرم ریش که سی  
افغانی فروش داشت خلاف قیمت  
آن به پنجاه افغانی رسیده است  
انواع تکه های پوشاش کی که  
تر مشلا پنجاه افغانی فروخته  
بیشد اکنون بیشتر از صد درصد  
ه قیمت آن افزوده شده است و  
همین ترتیب است قیمت های  
پیر خشک ، مواد غذایی تورید  
مده از خارج ، سامان و لوازم  
لکتریکی ، منسوجات نسخی  
شمی ، نایلونی و اقلام فراوان  
بیکر .

پرسش اساسی در این زمینه  
بن است که چگونه میتوانیم از

هر گاه شاگردان تو سرود پوهنتون داده بسیار خوش شد و کنگ را تسویچ  
ذهن نمی سپردند سر آنها را می تراشیدند و نمود تا درآمده تحصیلاتش مساعی و گوشش  
بابا لباس زیر (شاور) میگرفتند . بیشتر به خروج دهد .

کنگ رئته سوسیولوژی (علم اجتماع) را طوریکه قبلاً تذکر داده ایم هارتن در رخصت  
انتخاب و بدروز اخاز کرد . فضای درس برایش های تابستانی کار میگرد و در دوران آن خود  
دلچسب بود و برای اولین بار علا در مباحثات رابه مشکلات سیاهان آشناشی ساخت . باعومنی  
غیر عادلانه بودن بعضی نزدی حصه گرفت که پدرش در بین سیاه پوستان حاصل گردد  
قبل برین هرگز در صفت نشینیده بود که قانون بود من توانست بهترین کار برای خود  
در نیچه در کم تجربه غلط و غیرانسانی بوده و باید لغو گردد . تبیه کند ولی او در عوض به کار های کفر  
شکن دست میزد دریکی از تابستانها در قطار  
بوهنتون مور هوس یک پوهنتون خصوصی  
بود و همارف آن از طرف ریاست جورجیا ویا سریع السیر دیل به حمالی برداخت و در تابستانی  
شیر اتلانتا برداخته نمیشد استدلال مالی باعث دیگر در فابریکه دوشک سازی کار گرد وی  
آزادی گفتار و غیرعادلانه تلقی نمودن بعضی مشاهده کرد که تقلیت کار برای سیاه و سفید  
نزدی میگردید . هکاتب دیگری که هارتن  
در آن ها درس خوانده بود از دولت بودجه  
در یافت میداشتند واین یکی از دلایلی بود که استادان نمیتوانستند بصورت آزادانه در  
کاره سیاهان به مقایسه سفیدها بود . هارتن  
باشه قانون جدا سازی سخن گویند .

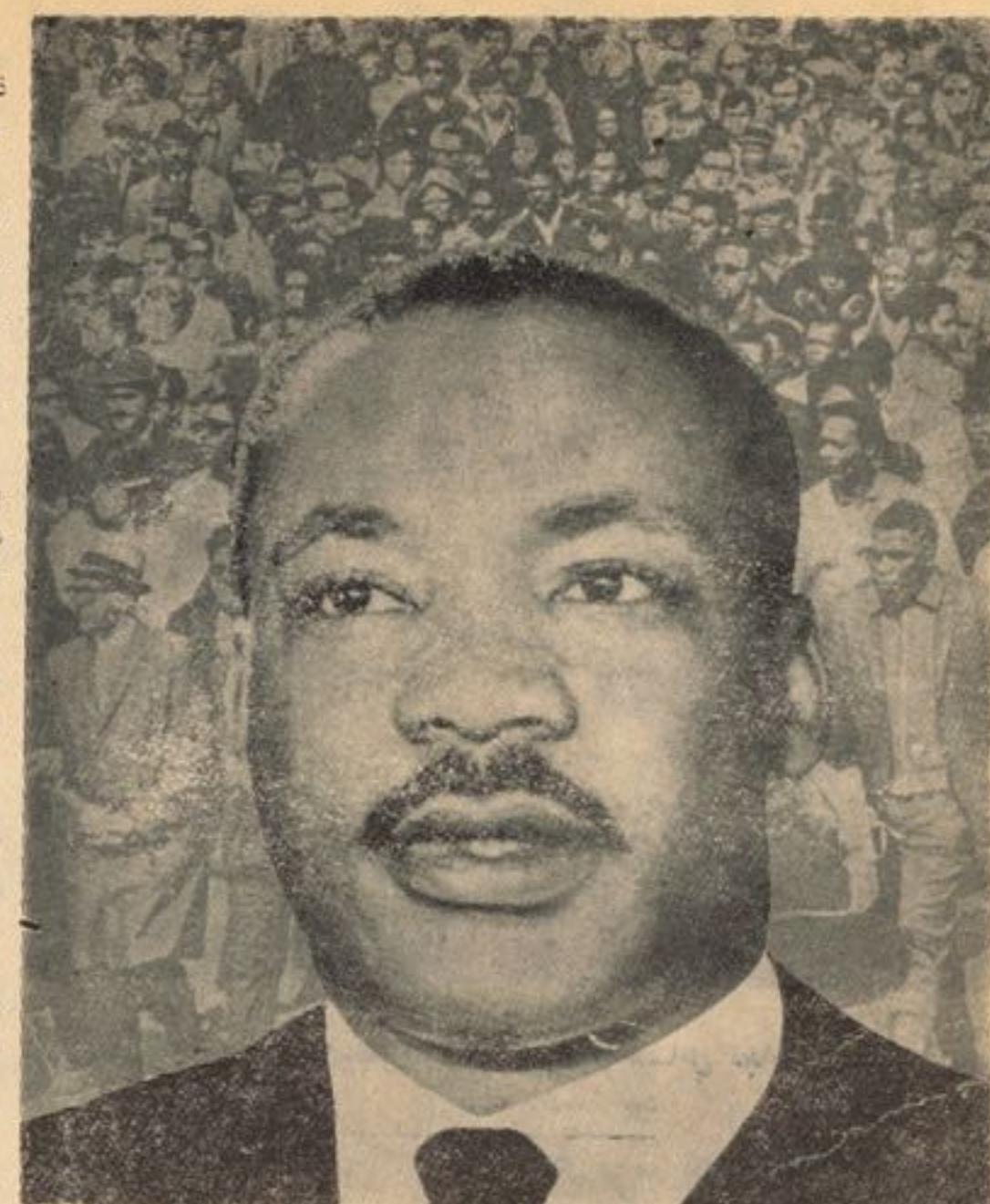
کنگ که شاگرد ممتاز بود در گلب آواز خواهند ماند درینوقت گفته پروفیسر سوسیو-  
لوژی که «بول نه تنبا و سیله شرارت هاوبدی هاست بلکه دیشه تبعیض نزدی هم هی باشد،  
بیاد کنگ آمد و آنچه را که در نظر آموخت  
بود در عمل مشاهده گرد .

دارتن در تابستان ۱۹۴۸ معنی درس چهارم  
بوهنتون مضمون در باره تعلیم و تربیه در  
خبر بوهنتون به نشر سیرد . عنوان مقاله اش  
این سورا را تقویه دوستی بین بوهنتون ها و  
حل بروبلم های مشترک محصلین تشکیل میداد  
کنگ برای اولین بار به صفت عضو همازوی  
الحقوق بورا با سفید ها بملادکره نشست .  
تجاریکه در این سورا آموخت ویرا مقاعد  
ساخت که در جامعه سفید بیوست هاشم اشخاص  
بیدا میشود که از نگروها طرداری دیگرند .  
قبل از تمام سفید بیوست ها اظهار تغیر  
می نمود .

هارتن میخواست حقوق دان ویا داکتر طب  
شود ولی به تحصیل در رشته الهیات علاقه  
بیشتر داشت . پدرش باین تصمیم او موافق  
بود . مکیل اولاد هایش را بسیار دوست داشت  
و در حالیکه همه به سن بلوغ رسیده بودند  
باز هم آنها را هدایت و رهنمایی میگرد و در  
تصامیم آنها شریک میشده و نصیحت به هر کدام  
بنده سر سبز و عقبوی بود رفت و به کتبی  
بخوبیت جذا گانه می برداشت .

مختلط آنچه شامل شد درین یک جمعیت (۱۰۰)  
فرزندان در مقابل پدر عکس العمل های  
مختلف نشان میدادند گرسن دختر و فانه  
هارتن تصایع پدر را ازدیل و جان گوش میگرد  
کنگ انتقاد و بربن عدالتی نزدی دا هرگز  
فراموش نمی کرد و خودرا برای برانداختن  
میگرد وی میگوشید از اجرای برخی حرکاتیکه  
آن آماده می ساخت او دو سال اول بوهنتون  
از تکاه سفید ها در وجود نگرو ها موجود  
می باشد احتراز کند ، نگرو ها اغلب از هم  
وارانه سوالات سپری گرد .

وی در صفت سوم تصمیم گرفت در دسته  
بودن و تفاوت رسیدن به دروس بودند . کنگ  
اراده و با جرات بیار آیند .  
بعد از ختم مراسم شاگردان چندین روز را  
هارتن و دیگران کلاه های سرخ تیرهونگ  
مطرح گرد مادر اورا به پدرش راجع ساخت  
های خودرا همیشه رنگ میداد ، لباس هایش  
به شناسایی بوهنتون و آزمایش های روحی بوسیدند . رنگ سرخ تیره و رنگ  
سفید رنگهای رسمی بوهنتون بود .



هارتن لو تر کنگ

ترجمه قاسم «سرمه»

## من هم یک انسانم

...

### مارتن لو تر کنگ رهبر سیاهان

#### چگونه بقتل رسید؟

عمارت بوهنتون گبه بود و اکثر آنها توسط  
تالک زینتی بوشیده شده بودند . برج زنگ  
بوهنتون که بر فراز یکی از لیلیه ها قرار  
داشت از دور ترین نقاط شهر به نظر بیرونید .  
چند روز پس از تاریخ شاگردان صنوف بالاتر  
گفته اضافه کرد که باید آنها بغود اطمینان  
داشته باشند تا در آینده موفق و رعیان با  
بیوهنتون آمده و بروگرام یک گفته برای شاگردان  
جدید ترتیب گردند .

مارتن و دیگران کلاه های سرخ تیرهونگ  
البیان درس بخوانند ابتدا موضوع را با مادرش  
اتاق خودرا باک و صفا نگه میداشت و بیو  
نهایت خودرا همیشه رنگ میداد ، لباس هایش  
به شناسایی بوهنتون و آزمایش های روحی بوسیدند . رنگ سرخ تیره و رنگ  
سفید رنگهای رسمی بوهنتون بود .

جسمی و غیره سیری گردند .



بولیس رهینگهام داکتر لوتر کینک را به اتهام سرکت در مظاعرات دستگیر نموده است .  
ک تمام کتاب هایی را که درباره گذشتی را درد یکی از پوھنچون هاباتهم برساند . کنک  
بعد آوری و مطالعه گرد و بین نتیجه رسید پوھنچون بوستون را انتخاب کرد .  
رسنی و برادری باعث پیروزی میگردد .  
ای فلسفه بدرس آغاز نمود .  
مه دوستی را که گاندی بکار ہی بردا بد  
و معنی دوستی یک طفل ، یک عاشق  
مادر و غیره نبود بلکه به عنای احترام  
ت حقوق منوع بود .  
دی بر علیه حکمرانی انگلستان مبارزه  
از دادن تکس به مقامات انگلیس ایاء  
، به ساختن دستگاه لشکری دستی  
تولید یارچه های مورد نیاز مردم خود  
نمود و میخواست هموطنان خود را از  
نگی به تولیدات نساجی بر تائید بی نیاز  
کسب نمود و شاگردان سفید پوست هم در

می وطنداران خویش رایه طرف بحر عدایت  
نامهک جمع کنند و از جار شانرا بر فساد  
بر نهک باشغالگران نشان دهند .  
آشنا شد گورتیا میخواست سر اینده گانسرت  
شود گنگ مجدوب وی شد و گورتیا هم گنگ  
وی محبس روان شد . گاندی هم آثار  
را خوانده بود .

می از ابراز تنفر بر علیه انگلیسها گذارد  
ندی ها از منتبای بی عدالتی کارهای گرفته  
کرد و آنچه باهم نوع خود خطاب هی نمود  
ند آنها نه دست خود را بالا گرد و نه «مدای  
بلند نمود و در مقابل زجرو آزار آنها  
دوستانه داشت و عاقبت پیروز شده  
می رادر سال ۱۹۴۸ بقتل رساندند ولی

کورتیا در سال ۱۹۵۴ از کانسر و انوار فارغ  
شده کنگ هم تمام شرایط لازمه را (باستثنای  
تیزی) داشت. بدست آوردن شهادت‌نامه نکمیا

لین در سال ۱۹۵۱ لیسانس خود را در گرده بود و پیشنهادات کار از طرف گلیسا  
لبان بدست آورد. بلندترین جایزه هاو بوهتون ها برایش میرسید در جمله این  
کنپ و عم چنان پروگرام فلورشی  
کروز د برای دو سال بتوی تعلق گرفت  
یافت بد لخواه خود دوره دوسال مذکور  
و سمت عای استادی شامل بود.  
بنیه در صفحه ۵۰

حائزه ای نمود . همچنان در مکتب تاریخ دیگر مطالعه می نمود و همیشه در جستجوی کلیسا، حیات و کارنامه های پیامبران، روحیات افکار و عقاید نک بزرگ و فلسفه بودو میخواست با استفاده از عقاید و افکار آنها به مذهب مسیح و اخلاقیات می آموخت .

جنگ علیه بعدها نبود و تفکر محمود نبود. ساگردان به شوخي هاي بين هم مي برداختند و زمينه را برای اين هزاره آماده سازد. کنگ آثار (قارو)، نویسنده فرن (۱۹) را مطالعه از جمله شوخي هاي يكين اين بود که ساگردان

در غیاب هم صنفی هادرات اق آنها داخل و تمام کرده بود (تارو) عقیده داشت که عرب‌گرس نباید در تیپر موجود در اتاق را سر چه میکردند از قوانین غیر عادلانه طرفداری و حمایت کند در گروپ حمله آوران باتاق ها کاهگاهی کنگ یعنی وقتی یک شخص واقعاً احساس کند که بیک

فاتون غیر عادلانه در جامعه تدوین شده است  
هم حصه هیکرات .  
روزی گروهی باناق یکی از معلمین گ، از آن نباید اطاعت نمود و افراد در شکستن  
آنک را بعضی اوقات «سیاه گل» صدا میکرد آن باید خطر اتنی را قبول دار سود .

برده بودند صاحب اناق وقتی فرنیجر وقتی فوانین غیر عالانه دریات جمجمه تدوین  
دی خودرا در هم ویر هم یافت مستقیماً نزد میگردد بهترین هاوا برای افراد صالح محبس

نحوه رفت و آورده می‌بایست . از نگاه هارتن گفتار (تارو) در مورد قانون  
سندوک است . تصادفاً کنک در گروپ حمله آوران تجربه صدق میکرد چه این قانون نه تنها غیر  
باناق شامل نبود و موضوع که به شاگرد

عصبانی اظهار نموده بود شاگرد مذکور حرف عادلانه بود . بلکه بر خد فانون اساسی آن های اورا باور نکرد و کنگ را با نگاه تپید گشورد هم بود .  
نمود . موضوع به حکمت شاگردان گذاشتند مذکوره مقاومت و علم تشدد (مهقت منفی)

سند کنگ باین امر حاضر نه سند و مساله (تارو) هفکوره خوبتری به شمار می آمد . همارتین  
فراموش گردید .  
به مطالعه آثار فلسفی ادایه میداد و در صدد  
چندی بعد متعلم مذکور به حقیقت موضوع بود اساسات برادری و دوستی را به حیث یک

بی برد و در پیش همه از هاتین معدودت خواست. عامل عمده بر خدمت بعدها لی بکار بیند .  
گنگ درین مکتب ساگرد همانز بود . وی به گنگ با جانسون رئیس بوهنتون (عواود)  
حیث اول نمود صنف خود به صنف دستبل که در حیث با این داده تبعیض نداشت از این

اعتدادیه محصلین مکتب انتخاب شد. کنگره دوستی و برادری هزاره میکردو از هندوستان بانیه های جالب ابراد میکرد و روز بروز یه بر گشته بود نیز «لاقان و دیدار گرده بوده محبوسیت او افزوده هر سه دهه

کنگ در پهلوی دروس مکتب یک تعداد  
کورس های فلسفه رادر بوعتنون پنساوانیا  
تعالیب میگرد کتاب های فلسفی را یکن بعد  
حیث یک وسیله هوتر از آن کار گرفته شده  
بود به جشم سر مشاهده گرده بود . جانسن

A black and white photograph showing a person's hand holding a small object, possibly a piece of debris or a tool, against a background of foliage and a building with columns.

卷之三

卷之三

1000

داغتر اوتر گینگ، اطفال را همیشه مورد نوازش قرار نهاد و هیگفت اینها حق بسیار برها دارد.

# پرایش ماید آن دیگه ایم:

هر هفته یک داستان از ادبیات جهان  
این هفته از ادبیات یوگوسلاوی

## فیل در دوسيه

### از: برانسیلا و نوشیج

شدن دکان‌ها در سرا سر شهر  
شایع شد که شب گذشته صاحب  
کرد و متوجه شد با اینکه هر  
معترم «سیرک باشکوه جهانی!»  
تماشا گریک گروش با بت حق  
ورود برداخته است، در آمدش  
از دو صد و ده گروش تجاوزی  
و شادی را نیز با خود برده و بقیه  
چیزها یعنی قرون، خرس،  
فیل، پرند و رو باه را برای  
اهالی شهر به جای گذاشت  
است.

گرچه تمام مردم از این خبر  
میتوانست گردیدند اما ساواهی بقال  
و نیجکوی صابون پز واقع‌الز صمیم  
قلب متاثر و غمگین بودند:  
آقا یا یا که موظف شده بود  
لست اشیای باقی مانده را راتریب  
و گزارش کند فو را به باغ و حش  
رفت و فهرستی را به این شرح به  
میز  
لشتن آورد:

۱- فیل بزرگ یک راس.  
۲- دمباخی پاره یک جفت  
۳- رو باه بدون گوش، درون نه  
و شر  
قفس یک راس.  
۴- جورا ب مردانه کاملا پاره را  
یک لنه.

۵- پرنده بی با دم رنگ شده  
شبیه اردک یک عدد.  
۶- میز شکسته یک عدد

۷- خرس با پوست مستعمل

درون قفس یک راس

۸- معین معمولی نیم کیلو.

۹- سطل دسته دار دو عدد.

۱۰- دایره زنکدار مستعمل

یک عدد

صاحب سیرک مداخلش را محاسبه  
کرد و متوجه شد با اینکه هر  
معترم «سیرک باشکوه جهانی!»  
تماشا گریک گروش با بت حق  
ورود برداخته است، در آمدش  
از دو صد و ده گروش تجاوزی  
و شادی را نیز با خود برده و بقیه  
چیزها یعنی قرون، خرس،  
فیل، پرند و رو باه را برای  
اهالی شهر به جای گذاشت  
است.

نیجکوی صابون پز چند روز بی  
هم گوشت نسیبه به او میفرمود  
ولی بعد از یک هفته و قتن متوجه  
گردید که صاحب سیرک خیال  
داد نطلب او را ندارد به وی مراجعه  
کرد و گفت:  
رسید بتویس!  
با کمال میل.

وصاحب سیرک با گفتن این  
سخن رسیدی به مبلغ پنجصد و  
هتجده گروش توشت و به دست  
نیجکوی صابون پز داد.

عصر روز نهم و قتن صاحب  
سیرک متوجه گردید که قرون  
به میزان پنج برابر سر یعنی از  
در آمدش، افزایشی می‌یابد،  
همسرش را صد ازد.

آنها دونفری نشستند، یک بوتل

مشروب روی میز نهادند و به طور

جدی در باره خود، حیوانات خود

و اینکه نمیتوان به این ترتیب به

زندگی ادامه داد، بحث کردند.

صبح روز بعد همزمان با باز یک عدد

دو بازار، بود کمدر این اوخر یک  
باغ و حش نیز به آن افزوده شده بود.  
با آنکه آقای «با یا» شخصیت  
ورود برداخته است، در آمدش  
از دو صد و ده گروش تجاوزی  
کند.

در این حال در مدت هشت روز  
میزان قرض ارباب محترم با غ  
وحش با بت قیمت گوشت به  
بنجصد و هجده گروش رسیده  
است.

باورود سیرک به شهر «ساواهی»  
بقال مقداری تخته و میخ نسیبه به  
صاحب آن فروخت «نیجکو» ی  
صابون پز هم مقداری گوشت برای  
حیوانات او قرض داد و به این  
ترتیب سیرک کجی مهر باز موفق  
گردید در مدت یکروز خیمه اش  
را بر پا دارد و سحر گاه روز بعد  
هم دایره زنگدارش را به دست

گیرد و به جاز زدن این موضوع  
که سیرک باشکوه جهانی برای  
نمایش آماده است مردم را به  
است.

فیل در دوسيه، یکی از آثار

طنز آمیز اوست که به وسیله

«سزا» به دری بر گردان شده

و ما با مقداری تزیید و تصرف

یک پرنده عادی خانگی، یک

شا دی یک سمور و یک رو باه بود

که تماشا گر به مشکل میتوانست

به هویت آنان بی برد.

اعالی شهر به تماشای باع

و حش رفته، امایس از آنکه همه

آنها از برابر قفسه ها گذشتند

بر انسیلا و نوشیج از نو -  
یستندگان به شهر رسیده اواخر  
قرن نزد هم یو گوسلا و یا است که  
قصه هایش بیشتر رنگی از طنز  
نبودن این با غو حش باز دانه  
به اندازه کافی حیوان دارد بار  
هم متصدی سیرک سیار حیوانات  
ناچار بود برای ترتیب نمایش به  
شهر بیاید زیرا در غیر آن  
حتی یک بول هم برای ادا مسافر  
انسانی بیرو کرا تیک فشرده  
شده و به علت جویی نیز برداخته  
نمیتوانند، آدمها و کرکت‌های  
این نویسنده که آثار شن  
به بیشتر زبان‌های زندگانی  
جا پ رسیده است نمو نه واقعی  
از انسان‌های جامعه بی میباشد که  
در آن همه چیز در بیهودگی  
غرق است، او اعماق جامعه را  
میکارد و با دیدی رُزوف و عمیق  
به خلق تیپ‌ها بی می برد از داده  
همه خصوصیت‌های عینی جامعه  
در وجود آنان انعکاس یا فتنه  
نمایش آماده است مردم را به

خرید تک دعوت کند.

سیرک مجموعاً دارای شش  
حیوان نبود که شامل یک خرس  
لاغر و مرد نی، یک فیل پیر و تنبیل  
یک پرنده عادی خانگی، یک

شا دی یک سمور و یک رو باه بود

شهر دارای یکهزار و هشتصد

نفر جمعیت، شش کوچه، سه

کشیش، هفت کافی، یک

شاروال، دو میمانخانه، هفده

زن بیوه، سه معلم، دو معلم

زن بیوه، سه معلم، دو معلم

# فیل در گروش



باطنی غیر عادی اجازه داد که به وقتی تماشا گران قیمت آنرا به لیلام گذاشتند شود، اما وقتی شو خی و مسخر گی تا دو صد و نشست مردم می خندیدند و فریاد اعلام گردید که قیمت آن دو صد میکشیدند و نیچکو را مسخر هم کردند که پولیس ریسمان فیل را به دست او داد. و فیل نیز با اطمینان اینکه نیچکوی صابون پز باید آدم خوبی باشد دنبال او به راه افتاد.

نیچکو مانند اشخاص لئ خورده در کوچه ها سر گردان بود و در افکار آزار دهنده بی فرو رفتند بود:

زن من «سویکا» که سه ماه است اجازه نمیدهد کلاه نو بی برایم بخرم چه خواهد گفت؟

باقیه در صفحه ۴۳

باطنی غیر عادی اجازه داد که به وقتی تماشا گران قیمت آنرا به لیلام گذاشتند شود، اما وقتی شو خی و مسخر گی تا دو صد و نشست مردم می خندیدند و فریاد اعلام گردید که قیمت آن دو صد شش گروش بالا بردن نیچکویک گروش به آن علاوه کرد، کسی گروش تعیین شده است غرور ش از میان جمعیت دو گروش بعد یکنفر جریحه دار شد و بایک حرکت تند خرطوم، ضربتی به سر آقا بیا وارد آورد که تا مدتی او را گیج صدو ده گروش رسید، طبل لیلام مرتب صدا میکرد نیچکو یک بالا خرمه لیلام شروع شد، نیچکوی صابون پز بیش از هر کس ساکت شدند ما مور لیلام صدا کرد دیگری به جریان لیلام علاوه نمیکرد زیرا او عمدت ترین طلبکار فراری باع و حشی به شمار می آمد و میگشت: کوشید هرشیشی حتی نیم گروش هم که بشود گران تر به فروش رود، در مورد فیل هم او همین کار را کرد و فیل با خونسردی ظاهری و

- ۱۱-کتاب معجم ایک یار چه.
- ۱۲-پرد ه سرخ معجم ایک یک سنت.
- ۱۳-بوتل بزرگ که معلوم می شود محتوی شراب بوده یک د.
- ۱۴-چوب دراز یک اصله.
- ۱۵-تسمه ای سو راخ دار یک د.

۱۶-جراغ مستعمل یک عدد.

۱۷-تابلو باتو شته «سیر ک با گره چهانی» یک عدد.

۱۸-بس از تنظیم فهرست، با غشن را میبرو هم کردند، اما بوانا ت معصوم با مشاهده اینکه با به هیچ صورت در نظر ارد شمشکشان را سیر گندختان به بی سر دادند که اشک در چشم به تماشا گران حلقه زد، فیل تند بیو ه ز نی که در هر سه یاد د مرگ شو هر ش بگرید، می بست اما خرس از شدت گرسنگی در لاغر شد بود که مانند ری جیر جیر میکرد و لی طبیعی است که آقا ای پایا حق نداشت ساسات خود را بروز دهد زیرا در انجام دادن و ظایف اداری

تا فهرست آقا ای پایا تنظیم دید، تا در باره آن تصمیم گرفته و مورد اجرا قرار گرفت.

نقریبا تمام اها لی شهر در مراسم تم که یکی از جالب ترین ها در حد عمر آنان بود کت داشتند، همه می خندیدند هم چشمک میزدند و در این نآقا ای پایا معلم از شرایقت س و وقار با تکبر تمام به امور تم رسید گی میکرد.

میز آبی رنگ به هفت گروش کیلو مینخ به سی «پارا» قطعه گک کتابن به نزدیک گروش و هه های سرخ نگ به سه گروش به فروش رسید، لنه را ب مردانه را به دور انداختند چو ها با پر داخت چهل و نو وش دایر ه ز نکدار را خردند، بلو بی را که «سیر ک باشکو ه بانی» روی آن نوشته شده بود ای بقال به هشت گروش فروخته بعد از لیلام این اشیا آقای انکشتش را روی فهرست اشت و بالحن بسیار جدی و می گفت: فیل را بیاو رید!

شده اند . »

مادر عزیزم !

زنان افغانستان با چیره هایی از زنان مبارزه اگاه و درود هند آشنا می شویم که در فس مبارزه را تا مردم آخوند که نگذاشته اند. به دشوار است . ناخود آگاه همه خاطرات را بروز می کند و شبادت رفته اند اما از شرافت انسان زنده می گردد و بهترین آنها درد فرسایی را بیار می اورد . درین روزها من ناکنیز م تا بخود بگویم . « با شبنا سبب باش به زانو درینیا . » مادر جان ! شجاع زنان سراسر جهان در آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین صفات خود را فشرده اند در راه به دست آوردن حقوق خود بیشتر بسیج شده اند . خواتنه باقی همانی های زنان مبارزه جهان مبارزات پیکر و دوامدار شان ، شبادت باران شد .

عزیزم میمه !

مادرت برای همیشه از نزد میرود در آخرین داییق زندگی در عالم خبر با توست . دختر نازین و بی نهایت دو داشتنی ام تلاش کن دختر خوب باشی هایت توجه کنی و از هاما هایت همیشه فر بردار باشی آنان را مانند من دوست د باش ! من به آرامی میروم به عمه در وزدیکان مایکو که هرآبه خاطر گناه بزر مصیبته که برایشان بیار آورده ام بعثت تو باید گردید کنی . من چیزگاه برایت ننگ نبوده ام . وقتی که بزرگ شدی چیز را خواهی شدید یکانه خواهشی از اینست که خوب درس بخوانی ، روحیم با تو خواهد بود .

مادر بدبخت تو « گاریکی میر او به سن ۲۸ سالگی به تاریخ اول نوی ۱۹۴۴ در ایتالیا بدار آویخته شد .

مادر جان ، مادر !

عن غریب لحظه ای فرام رسید که باز برای همیشه و داع می گویم . قد راسیون از حقوق زنان صرف کرده اند . قد راسیون چهانی زنان اکنون به سازمان بر قدرتی در سراسر جهان مبدل شده است که با قاعده ای از خاطر شنیدن از صلح ، آزادی و عدالت اجتماعی دفعه ای نمایند . همچنان این بخش کتاب با تصویر ها و عکس هایی از برگزاری سو میں کنگره زنان منعقد کو پنهان کن ، کنگره مسکو که دو آن بیش از دو هزار نماینده از یکصد و سیزده کشور استرالیا و وزدیکه بودند ، گرد هم آیی بزرگی که تحت شعار صلح ، مساوات و انتشار مطالعه ای که توهم تو ای این طور باش جهان همانطور که تو ای ای ای ای همه رنجها و معنویت را برای زندگی و ایشانگی تعامل نمایی . مادر را عای زندگی و ایشانگی تعامل نمایی . مادر را درست نیست مادر جان ؟ حقوق

مادر ، مادر یکانه ام ؟ عشق بزرگی تو باقی

همواره در حلقة خواهد داشت . بپمان همین یه دستور دو زنونی بروزی افلاطونی چهانی تغیر شده اند ، شکنجه دیده و از ابتدای - ترین حقوق انسانی و مدنی بی ببره گشته اند . درین اثر نشان داده می شود که زنان مانند زنان علیه استبداد و بیداد قاتم ای فرا خته زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های اجتماعی تاراجک و بیداد گر نرفته اند . زن جنبش بین المللی زنان « نام سو میں مقاله ای رساله است که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

این رساله است که آغاز چنین دارد : « صلح نیاز مندی همه خلق هاست . و لی زنان به آن بیش از هر کسی نیاز دارد ». تغیر چیره سیاسی جهان یعنی ایجاد سیستم سلطنتی راکه در زبان کرده است . در نخستین ژنانی است که بدست و حشیان عیتلی نابود

زنان افغانستان با چیره هایی از زنان مبارزه اگاه و درود هند آشنا می شویم که در فس مبارزه را تا مردم آخوند که نگذاشته اند. به دشوار است . ناخود آگاه همه خاطرات را بروز می کند و شبادت رفته اند اما از شرافت انسان زنده می گردد و بهترین آنها درد فرسایی را بیار می اورد . درین روزها من ناکنیز م تا بخود بگویم . « با شبنا سبب

باش به زانو درینیا . » مادر جان ! شجاع

زنان سراسر جهان در آسیا ، افریقا ، امریکای

لاتین صفات خود را فشرده اند در

راه به دست آوردن حقوق خود بیشتر

شده اند . خواتنه باقی همانی های زنان مبارزه

جهان مبارزات پیکر و دوامدار شان ، شبادت

های بی نظیر شان آشنا می شود . درین بخش

نمایانده می شود زنان چه قدر همانی هایی در

ویتنام ، فلسطین و افریقا و الجزایر نشان داده

اند . باریغعن خون های گرم خویش همچنان

در رابطه پایین مقاله عکس هایی از او زنی

کوتون شخصیت بر جسته اجتماعی فرانسه و

اولین رئیس فداراسیون دو گرانیک بین

المللی زنان ، تصویری از نخستین کنگره

تاریخن زنان که بتأثیر ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵

در پاریس کشایش یافت . عکس از هیر آن

کوس نین شخصیت بوجسته فنلاند و دویس

رئیس قد راسیون دو گرانیک بین المللی زنان

و فریده براون سو میں رئیس قد راسیون

دو گرانیک بین المللی زنان که تا اکنون

رباست قد راسیون را به عنده دارد نشر شده

است که برای خواننده علا قمند جالب است

و با قیافه های سر شناس جهانی آشنا می شود

که همه نیروی خود را در راه رزمی و دفاع

از حقوق زنان صرف کرده اند . قد راسیون

جهانی زنان اکنون به سازمان بر قدرتی در

سراسر جهان مبدل شده است که با قاعده

تعام از صلح ، آزادی و عدالت اجتماعی دفعه

ای نمایند . همچنان این بخش کتاب با تصویر

ها و عکس هایی از برگزاری سو میں کنگره

زنان منعقد کو پنهان کن ، کنگره مسکو که دو آن

بیش از دو هزار نماینده از یکصد و سیزده

کشور استرالیا و وزدیکه بودند ، گرد هم آیی

برلین که تحت شعار صلح ، مساوات و انتشار

برگزار گردیده بود د آرسته گشته است .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در

مرحله کنونی رساله ای است دارای (۱۱۴)

صفحه که اخیرا از طرف سازمان دو گرانیک بین المللی زنان

تحقيقی است و به معرفی گستردگی قد راسیون

این کتاب در نوع خود می تواند نخستین

درو گرانیک بین المللی زنان می بردازد .

انری باشد که به زبان دری دوکشورها چاپ شده

مبارز چکونه برخلاف عمه تلاش ها و کوشش

است . درین مجھو عهی کوچک مطالبی جالب

عای لجاجت آمیز جنک افروزان . پاسداران

وقابل استفاده جای گرفته است که بسراي

نظام های ارتعاشی و بیداد گر به هما روزات

خواننده علاوه اند می توانند جالب و آهونزند ه

باشد در پیشگفتار این رساله دکتور انعیتا

را تبزاد رئیس سازمان دو گرانیک زنان

و شور انقلابی دفعه می نمایند . زنان در روند

محفویات این کتاب را مسایل هیرم و دو

دستور دو زنونی بروزی افلاطونی چهانی

تحقیر شده اند ، شکنجه دیده و از ابتدای

ترین حقوق انسانی و مدنی بی ببره گشته اند .

درین اثر نشان داده می شود که زنان مانند

هردان علیه استبداد و بیداد قاتم ای فرا خته

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

باوجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

زیر بار نا هنگاری و ذوق گویی نظام های

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

جنیش دو گرانیک بین المللی زنان در جنبش

ارتعاشی تاراجک و بیداد گر نرفته اند .

با وجودی که هو رد تحقیر و شکنجه قرار دارد :

</div

نهام آن منحيت عنصر فعال در حیات بین‌المللی که سابق تحت استعمار بود تحقق یافته است انداخته است.

این عملیات معمولاً به تعقیب برخورد های میانجی گیری ها و قوت های حفظ صلح در کنترول نبودن یا پایان بخشیدن به برخورد سلاحه بین مختصهین و در خواست ملل متحد واختلافات درین کشور های عضو در بسا تقاطع برای آتش بس برآه اتفاده اند و هدف عملیات حفظ صلح بطور عمومی شامل دعا و نظرات از عدم آشنا بآن و با دلایل سیاسی مراجعته گرفته اند. اتفاق واقع بینانه و مازنده برای هوایت هر یک از موسسات با سنتناسبت سی و ششمین سالگرد یک امر لازم است، مگر اتفاق عینی بر اطلاعات تاریخی نه بحال موسسه ملل متحد باشند.

تشکیل قوای اضطراری ملل متحد در سال ۱۹۷۳ برای ثبوت مغایرین این میانجی از رعایت مقررات او رند، جلو گیری از ملل متحد در سال ۱۹۷۶ ناکاره گردیده و شامل تربیتی غرض رسیده گی به شکایات و عدول از موافقین ملل متحد عمال خوبیست در عالم اکتوبر آنسال باز هم بین مصر و اسرائیل تصادم واقع گردید. حقوق پسری هی باشد. در جوکات ملل متحد و سازمان های مرتبط شمول قوای بزرگ را درین برخورد بین آن گتوانی های زیاد دیگری که تحت آن گشود را فانوتا متعبد می‌سازد. این میانجی از حقوق پسری هی باشد. در جوکات ملل متحد و سازمان های مرتبط آورده. تشکیل قوای اضطراری ملل متحد توسعه سورای امنیت بتاریخ ۲۵ اکتوبر ۱۹۷۳ به اهدا رسیده است. مثلاً گتوانی های قتل نوع، حقوق سیاسی زنان، برده گیری و برده فروشی، کار اجری، حینیت مهاجرین، از بنین بردن تبعیض نژادی و غیره.

در ساحة اقتصاد و مسائل بشری و اجتماعی موقوفیت عای میم ملل متحد قابل ملاحظه اند. تحت یک عملیاتی که از طرف موسسه امنیت و چنین عملیات بایستی به اصل توافق مبنی باشد. چنین عملیات صرف بمعافه شورای امنیت (وازن و بمهما فقه قوای بزرگ) که در سورای امنیت از حق ویتو برخورد دارد، برای انداخته شده میتواند. با این دلیل ملل متحد توانست در بعضی از برخورد ها جون چنگ و بتنام دخالت نماید، همچنان بدلیل اینکه ملل متحد مجبور است از اعمال قوه اجتناب نماید واز تشویق و ترغیب کار بکرید، عساکر ملل متحد جز در موقع دفاع از خود به چنگ مباردت ورزیده نمی تواند.

عملیات حفظ صلح ملل متحد هنگام هوای واقع متعبد همکاری نیز میشوند. اگر این معمولاً این همکاری وجود داشته است زیرا جوانب ذی‌دخل با قبول دخالت ملل متحد در واقع متعبد همکاری نیز میشوند. اگر این همکاری باز هم صبورت نکرید از برخورد جلوگیری شده نمیتواند حساده بستان شاهد این مدعای است.

اکثر عملیات ملل متحد پس از اجرای مأموریت آن خاتمه می‌یابد غلام علاوه‌ازدو هیات مشاورین سه مأموریت حفظ صلح در قبرس، ارتقاءات جولان، و جنوب لبان در جریان است و وضع در قبرس و ارتقاءات جولان پس از یکسلسله برخورد های از این است و دلیل عدم آن حضور قوای حفظ صلح ملل متحد درین نقاط میباشد. در جنون لبان شنج وجود داشته و برخورد های سلاحه کارا بوقوع می‌پیوند و لی قوای ملل متعبد از شعله و گردیدن تصادمات وسیع که احتمالاً بسرعت از کنترول خارج خواهد شد جلو گیری نموده است.

بقیه در صفحه ۵۲

نهام آن منحيت عنصر فعال در حیات بین‌المللی که سابق تحت استعمار بود تحقق یافته است انداخته است.

این عملیات معمولاً به تعقیب برخورد های مراجعته گرفته شده، در بعضی از این اتفاقات سؤنیت مضر نبوده، ولی برخی از عدم آشنا بآن و با دلایل سیاسی مراجعته گرفته اند. اتفاق واقع بینانه و مازنده برای هوایت هر یک از موسسات با سنتناسبت سی و ششمین سالگرد یک امر لازم است، مگر اتفاق عینی بر اطلاعات تاریخی نه بحال موسسه ملل متحد باشند.

این است و نه به جامعه جهانی.

ملل متحد در تغییر او صاع جهانی

چه گرده میتواند؟

دنیا امروز دستخوش اختلاف شد و تردید است، شعله های اخلاقی منطقی در سرمه، سیاست، قبرس و بسیاری از نقاط افریقا و هند و چین باز هم زبانه می‌کشد، هزارف تسلیحاتی باز هم بلنده رو دو مسابقه تسلیحاتی باز هم لجام زده شده است. در همزدگی نظام اقتصاد بین‌المللی اداده دارد و شگاف بین غنی و نادر به وسعت همیشگی خود باقی است، تبعیض نژادی ملیون ها انسان را در افریقای جنوبی از حقوق ذاتی خود محروم می‌سازد و حقوق اساسی تعداد بیشمار مردم در اکناف جهان به ذراع مختلف بامال می‌گردد ملیون ها نفر دیگر در بینجه آفات سماوی و تعذیب سیاسی در جستجوی منزل ملجم اند در عین حال با پروبلم های جدید وجودی دیگری چون خلاف معدن زیست انسانی، تامین نیرو و ضروریات جهانی که نفوس آن تایايان خرن قریب دو برابر خواهد شد هواج من باشیم و آنست از همه هیولای هستوی همچنان بر سرمهایه می‌افکند.

بسیاری از مردم، ملل متحد را مسؤول فسادوری ملکی موافقیت بعمل آمد و محفوظ وفع کتونی جهان هی دانند ولی چنانچه فلا تر گردیده است. در تطبیق تقریباً هشت تذکار یافت، ملل متحد حکومت جهانی نیست هزار بروزه اکتشافی از طریق بروگرام اکتشافی و صرف در صورتی هی تواند دست بکاری بزند ملل متحد معاونت بعمل می‌آید، معاونت به یک کشور های عضو در مورد تصمیم بگیرند یعنی اندکان از طریق کمشتر عالی ملل متحد یعنی اندکان از طریق کار تسبیت گردیده شرایط موسسه بین‌المللی کار تسبیت گردیده شرایط سیاسی برای عمل، بول، کار مند و مواد و جهت می‌دهند در صورت فقدان هر یک از این حیات را برای ملیون ها کارگر در اطراف و عنابر ملل متحد نه تواند با مشکلات موقوفانه اکناف جهان بستر و محفوظ تر ساخته است. پنجه نرم گند، البته از کشور های توقع برده آبدان کران بیها جون عبادابوس معیل در مصر شده نه تواند که با همراهی کامل و مدام و اکروبوس در یونان به کمک موسسه تعلیمی کار گند.

ملل متحد در گذشته چه کارهایی حفظ می‌گردد.

را انجام داده است؟

در ۳۶ سال گذشته ملل متحد کار های زیادی در می‌خورد با تغییرات هنفی نقش داشته در این میزان اعضا سازمان ملل متحد گهدر را انجام داده است، بعضی از موقوفیت های آن در مطبوعات بخط درست منتکس گردیده هر اینکه ترین چنگ تاریخ پسر توسط هرگز کار عای آن تبلیغ شده است. زمانیکه هشود ملل متعبد اهدا گردید خود را کلیه ارتباطات انسانی را احتوا دارد که در این سال ها موسسه ملل متعبد روش زنده هی شان یک هدف بود، ملل متعبد اند که فشار حوات آنده مگر نقش هایی این هدف را در مقابل وجود جهان تکبد است. قبرس، در کشمیر در جمهوریت دومنکا، و د کا تکو (فلاز ایز) براه

# حقایقی

## حد

## مل

## محد

# سروابق

## تاریخی

### سیستان

واز هاورای سیجون به سفید یانه سرازیر  
گردیدند اولین موج این مهاجرتها توسط  
اسکانی‌ها به هاورا نهر فرو ریخته و متعاقباً

بایبور از چیجون ایالات باختر را فرا گرفت  
و قنی این موج راه غرب دادر پیش گرفت  
باسدی از قدرت اسکانی یاریا تصادم نمود  
بنایار بطرف جنوب سرازیر گردید و سیستان

و قندهار را ملاعماً نمود . از همین اوان

بود که در اینکانی قدیم بنام اسکانی‌ها

(سا کستان) خوانده شد . مو رخین عرب

ازین اسم (سجستان ساخته) که نام موجوده

سیستان از آن مشتق گردیده است . اسکانی

ها نیز بتدیری از سیستان و قندهار تا حوزه

ستند پیشرفتند . انتشار اسکانی‌های داخلی

و حملات دولت اسکانی یاریا سبب شد که

مرکز یک دولت یونانو باختری در ۱۳۵-۱۴۰ م.

از شمال به جنوب هندو کش انتقال باید و در

اوخر قرن اول قبل از میلاد بکلی منقرض گردید .

پاریا و اسکانی ها از اوخر قرن اول میلادی

از میلاد ۱۳۰ سق سه تا اوخر قرن اول میلادی

یا یونانی شماره میرفت .

فرهنگ آن‌زمان شماره میرفت .

در دوره غزنیان نیز این حوزه اهیب

را ازدست نداد . سبکتکن پدر محمود

جغرافیای آنرا درک نموده و بان توجه

داشت . محمود غزنوی سیستان را بعیت

گاه خود تعیین گرد تا این جایه سبب

وقت کم قوای خود را به سیستان -

فتحات هند سوق دهد . علاوه بر این

تکبداری فیل‌ها و اسب‌ها که در

عهمترین قوه نقلیه بشمار می‌آمد نیز

بسیار مناسبی بود . پس از وفات

پرسن مسعود تاسیسات خود را در پس

بخشید و قصر باشکوهی برای خود ایجاد

که به کشک سلطانی معروف است .

قلب کشور و یا یونان دوم امیر افروز

محسوب می‌گردید پس از مسعود

غزنوی رو به شفعت گذاشت و سرنوشت

هم آهسته آهسته دگر گون شد .

اولین حمله مغول در سیستان در

میلادی چینیکه تولی خان مصروف ت-

خراسان از قبیل - نیشاپور و هرات بود

گرفت در چین این جنگکا یک عدد از مغل

سیستان متوجه و مرکز آنرا که هر

نصرت الدین بن بیرام شاه حرب بود به

کشیدند ولی موفقیت بدست نیاورده

گردند و ملک نصرت الدین درین جنگ

شد .

از آن بعد اعراب برای هدیت - هم از سیستان

مالیه - باج و خراج پیگرفتند و هم از آن

حوالی اراضی غریبی است که از دامنه های  
نواحی کوهستانی غور شروع شده بطور  
نشیب بطرف جنوب امتداد یافته است طول  
امظمه سیستان تقریباً (۱۰۰) میل و عرض آن  
از (۷۰) تا (۱۰۰) میل بوده و مساحت آن دد  
حدود (۷۰۰۶) میل هریم میباشد .

قبل از آمدن اسکانیان در سیستان افسر  
جیزیان (شاخه از ساکنه های قدیمی) در  
سیستان متوطن بودند . صورت آمدن وقت  
ورود آنها در این حوزه بدرستی معلوم نیست  
سیستان باستان حصه بی از جنوب غربی  
افغانستان و قسمتی از حاشیه شرقی ایران

یاد میشند جاچ پرتیت در یباره میتواند  
زری نام بسیار قدیم سیستان خواهد بود  
که مورخین یونانی و هولنیان لاتیش از آن  
در انجیانا ساخته اند . این نام توسط هودخیان

که سفرنامه های اسکندر را نوشته اند به  
غرب راه یافته است اعراب هم در وقت فتح  
سیستان بنام زری برخورد ندو آنرا زرنج  
خوانندند . اکنون هم کلمه زیره یک ناحیه  
فرموده را تبیز در بر میگرفت ابتدا به یقین

نمیتوان گفت که در دوره های مختلف گدام  
نواحی هربوطة به سیستان بوداما این واضح است  
که در سایق یک ساحه وسیعتر را نسبت به امروز

اده احتوا میگرد .

بالتی را که ساکنه ها در او اخر قرن دوم

قبل از میلاد انسقل گردند و به تعقب به نام

ایشان (ساکستان) نامیده شد . تقریباً علمتند

و سطی را تبیز در بر میگرفت ابتدا به یقین

یا فرد رفته زیره می‌نامند اثلاط میگردند

این نام وقتی محقق شد که کتبه مشبور

داریوش زرنه بعیث نام قدیمی سیستان کشف

گردید .

در حوالی ۱۷۵ قبل از میلاد دو عبد (ایو کراتید)

یادشاه یونان و اختری مهاجرتی قبائل

(سیستان) یا ساکنه ها از شمال شرقی آغاز شده

را در بر میگرد . این ساحه را از طرف جنوب

دامنه های شمالی کوه سلطان و کوه گوهواز

سمت‌غرب نشیب‌هایی تپه‌های پلشگان و بندان

احاطه نموده استواز جانب شمال نواحی

حاصل‌غیر قلعه گاخ فراه و سبز وار (شین‌دنده)

امروزه، آنرا از حوزه حاصل خیزه راه مجرزا

می‌سازد . از طرف شرق سیستان محدود به

قدرت در سیستان بحسب خوانین محلی افتاده  
واز جانب دیگر حوزه مذکور موضوع منقصه  
بین اهالی هرات و فندهار گردید . در ضمون  
این مذاکرات علیخان یکی از سرداران سرباندی  
در سیستان با حکومت فارس متعدد گردیده  
زیرا چم دولت فارس را بر فراز قلعه خویش  
در سده کوهه بر افراشت . علیخان تسلط دولت  
فارس را در آنجا قبول نمود و در ۱۸۵۳ پیش  
خود را نیز بعثت گرو کان به مشهد فرستاد  
و این حکمرانی علیخان در آن منطقه طرف نفرت  
سیستانیها فرار گرفته و علیخان طی یک حمله  
در ۱۸۵۸- در قلعه خود کشته شد . خانمش  
نیز درین حادثه زخمی گردید تاج محمد خان  
پسر سر دار محمد رضاخان برادرزاده علیخان  
که در واقعه قتل هم دست داشت بعای علیخان  
در طول این مدت در افغانستان خانه جنگی  
اعزام گردیدند .  
در طول این مدت در افغانستان خانه جنگی

حمله دوم با هرا و کنای بقیادت دو نفر منصبدار او (منکده چربی و سعدی چربی) در سیستان صورت گرفت درین حمله مغلبها نبر سیستان را با برج و باره آن هنله و بیشتر نفوس شهر را گشتندو خود بر گشتند . درین وقت ملک رکن الدین محمود بن حرب جانشین ملک نصرت الدین بود که فهمن این حمله با تهمام خاندانش از بین رفت .

در سال ۱۲۲۷ م بار دیگر قشون مغل به سیستان سر از پر شدند - نیا لکین در اونگ سیستان محصور گردید و یکسال و هفتاه بایسیاه مغل چنگید . نیاللکین درین چنگ زخمی - اسیر و بعداً کشته شد قلعه مذکور را سپاه مغل فتح گرده تمام مدافعين را گشتند و آبادی های سیستانی را جانیکه توائستند و ایران کرده از آنجا رجعت نمودند .



خاص دولت فارس به تهران برده شد.  
اما در چهت بر طرف آج محمد خان باوصی  
که دروغعه قتل مظنون واقع شده بود اقدامی  
بعدل نیامد تاج محمد خان برای هدیه بدون  
ارتباط با دولت فارس بصورت مستقل حکمرانی  
مود مگر در ۱۸۶۲ م از پیشرفت امیر دوست  
محمد خان امیر افغانستان به صوب هرات بخوب  
افتاده و تابعیت خود را بدولت فارس اعلام نمود.  
امیر دوست محمد خان در ۱۸۶۳ م مرد و به  
جاگش امیر شیر علیخان بقدرت رسید در همین  
وقت بن تاج محمدخان والسرانی که حکومت  
فارس بانجا اعزام کرده بود اختلاف واقع شد و  
این امر باعث گردید که تاج محمد خان به  
افغانستان متحابیل شود ولی شیر علیخان که  
بصروف امور داخلی بود به هرم سیستان

نهاید .  
شواهد چنین میرساند که در قرن ۱۷ ۱۸۹ باین حوزه کمتر توجه شده ساکنین سیستان  
توانسته اند از هجوم و انتقال ریگ که توسط  
باد های ۱۲۰ روزه از سمت شمال غرب به  
جنوب شرق بسرعت متوسط ۵۰ کیلو متر  
فی ساعت منتقل میشود جلو گیری نمایند .  
باین ترتیب بعضی از شبکه های آبیاری  
که پس از تخریب تیمور لشکر دوباره اعماد  
گردیده بود توسعه ریگ مسند شده و یکنوع  
خاموشی برآ کثر حصص سیستان حکمران  
گردیده است که تا هنوز ادامه دارد .  
از لابلای و قایع تاریخی چنین معلوم میشود که ولایت  
سیستان در گذشته معمولاً جزء امپراتوری  
کیانی از باز ماندگان بهرام توسط سراندیها  
تا انکه در ۱۸۳۸ م چلال آباد آخرین حکمران  
هیارزه بین سرداران قبایل سر باندی و  
سلسله کیانی اعاده گردید .  
کیانی از باز ماندگان بهرام توسط سراندیها  
تسبره کی بلوج و سلسله کیانی ادامه پیدا کرد  
هیارزه بین سرداران قبایل سر باندی و  
الغاني در لاس وجودین برای ملک بهرام از  
حکمرانی سیستان تحت اداره و کنترول حکمرانان  
قدرت را از سلسله کیانی سلب گرده و به  
خوانین شهر کی بددهد بعد از هرگز تیمور شاه  
هزاریت گردید نایاب لآخره تیمور شاه درانی  
با این حوزه کمتر توجه شده ساکنین سیستان  
شواهد چنین میرساند که در قرن ۱۷ ۱۸۹

## تشدید بیکاری در آلمان فدرال

در کشور های غربی، به خصوص در آلمان فدرال روز بروز تنگتر شده می‌رود. کار فرمايان و صاحبان فاابریکه ها به عنوان مختلف بیچاره کارگران را با عالمی از ما یوسی و نو میدی سبکدوش می‌سازند و همچو اتفاقات بیشتر در قسمت آنانی است که خواهان حقوق مسلم خود اند و نمی‌خواهند استثمار شوند.

به اساس یک گزارش ((ادیت و موسیوی و یزی لیبرت )) جوان بیست و نه علی‌ساله آلمانی با وصف آنکه عایدش تقابل زیاد چشمگیر نبوده و به مشکل دارد کفاف زندگی شبا روزی نامبرده‌تر فی را مینمود . در اوآخر می‌سالجواری موص از کار جواب داده شد . ورزد . «المته لیبرت» به عنوان اینکه هر یا وی به حزب مترقبی آلمان فدرال مستشار بستگی دارد ، از کار رانده شد . رخلاف هفته بعد آن زنش ((ادیت ویزی-پرمن لیبرت)) نیز به جهت همکاری با سریعه یکی از احزاب متقدی ، حقوق کارش در فابریکه از وی سلب گردید . این سه و به وی تاکید گردید که منبع داداشتند کار گردند را در هیچ مر جمعی ولیسر ندارد . حتی کارهای بسیار خردوری ریزه از نزد آنانیکه اند یشة متقدی بانو نداشتند و طرفدار تامین حق و عدالت پری و دموکراسی اند ، گرفته قابل هی شود تا باشد که جلو بیداری مدارن انسان را به سهلة انسان از طرف

سرمایه‌داران کما فی السابق دوا م  
پیدا کند چنانچه ((بیتر۱)) جوان  
بیست ساله ای که به سمت باغبان  
در پورش گلها در یو نیور سنتی  
((علوم)) مصر و فیت داشت به  
خاطر علاقمندی اش در یک کنفرانس  
نمایندگی پسندان اشتراک  
ورزیده بود ، از اینtro حتى حق  
نگهداری گلها را برایش قایل  
نشدند . هر گاه دیده شود که مشلا  
شخصی طرفدار خلع سلاح و ختم  
مسابقات تسليحاً تی میباشد ،  
سخت مورد نکوهش و اذیت مقامات  
دولتی آلمان فدرال قرار میگیرد.  
یکتن: از استادان بنام ((جنس -

راه مبارزه بر حق مردمان نا میبیند  
خود را سهیم میدانند و متیقنتند  
که مبارزه مردم نامیبینا به خاطر  
قامین آزادی ، پیروزی حتمی و  
زود رس در قبال دارد و شکست  
قطعی خواهد بود به سیاست تراویح  
برستانه متوجه و زین امیر بالیستی  
و حامیان او شبان .

اشتراک کنندگان کنفرانس از نماینده مبارزین افریقا ی جنوبی باگر می استقبال به عمل آور دند موصوف طی سخنرانی خویش گفت: مابه خاطر حقوق سیاسی و اقتصادی خویش مبارزه میتما بیم تابا شد که مردم ما از فقر و تنگ دستی نجات ییدا کنند. همچنان رئیس کنگره سملی افریقا گفت: ۱) اک سیاست محملا نه نهادهای

(( افر سیاست معمیده بیر رسانی  
امیریا لیستی و حما یت انحصارات  
بین المللی ارزشاد پرستان افريقيایي  
نمیبود افريقيایي جنو بي بسان تمام  
قاره ها میتوانست آزاد باشد .

مردم نا میبینا به طور قاطعاً نه  
مستحق حاکمیت و آزادی اندو  
سر کوبی و ترور نمی توانند در راه  
مبازله بر حق آنان سد واقع گردد.  
نماینده سیوا بو اتحاد نشکن نزد  
پرستانه فریقاً جنو بی و  
واشنگتن را یک سیاست نشکن  
و بیشتر ما نه خواند. کار چهار

پاکستانی



## از هفت آفتاب

## تنظيم و ترجمه از : میر حسا مالدین برومند

## مساعی هر دم زا می بینا با خاطر دست یابی

## حکومیت و آزادی حتمی است

بدین تازه گی ها کنفرا نس بین - رخنه وارد آورد . آشکار است امریکا  
الملی به مقصد همبستگی با مردم بادنباله روی از سیاست ستمکرانه  
هیمارز جنو ب افریقا در نیویا را دایر گردیده بود که در آن نما یند -  
کان محافل اجتماعی ، اتحاد یه های صنفی ، سازمان های مدد هبی  
ایالات متحده امریکا ، موسسه ملل متحده ، هیئت کنکرس ملی افریقایی  
افریقای جنوبی ، سازمان مردمی جنوب غرب افریقا یعنی «سوا یسو»  
و بعلاوه فرستندگان بسیاری دول جهان اشتراک گرده بودند .  
اشتراک کنندگان در مورداهیمیت  
کنفرانس گفتند :



گوشه‌یی از مبارزات مردم نامیسیا بخاطر دستیابی به آزادی و حاکمیت ملی

کمیسیون کنفرانس در مورد امور سیاسی، اقتصادی، نظامی و (سپورتی و کلتوری) میان این مطلب را ((ای. دی. فی. گربر)) نهاده دایمی انگولا در ملل متحد ضمیمه سخنرا نی درین کنفرانس بیان داشته علاوه کرد: امپریا - ایالات متحده امریکا و جمهوریت آفریقا ی جتو بی آغاز گردیده است. وظیفه کنفرانس از جمله انشاء ائتلاف واشنگتن با (بریتانیا) نیز میباشد. علاوه طی میتینگ های متعدد سیاست نا پکارا نه ریگن بشدت تقدیم گردید.

بدین تازگی ها بی جمیت و به طور  
بی رحمانه از وظایف شان بر طرف  
شده اند ، بعلاوه از فعا لیست نازی  
حقوق بشری ، صدای اعتراضات  
ها در زیر نقاب پولیس در آلمان  
رسانتر شده است . کمیته های برای  
نامیمن حقوق انسانی و دموکراسی  
فدرال ، روشنی انداخت . گزارش  
حاکیست که اخیرا در هفده کشور  
ازربایجانی کمیته هایی به خاطر  
آغاز کرده اند ، چه امروز در آلمان  
در آلمان فدرال تلاش بیکاری نهاد  
از جانشینی کمیته هایی به خاطر  
احتجاج علیه رشد بیکاری و تشدید  
فدرال مردم تمیتوانند به طور عملی  
در باره دموکراسی و حقوق انسانی  
مبارزات به خاطر بر طرف این  
معضله به راه افتتده است در گذشته ای-

# تجالیل ازد و صد و بیست و پنجمین روز تولد موزارت

بیشماری از آثار وی نمایش داده شد ، از ((ابولو)) و ((ایاستنوز)) آثار موزارت که در بیان ده سالگی آنریده بود تا آثار هنری کاملا پخته و استادانه او در کمپنیا لی چون ((تیتوز)) که نمایش اینهمه آثار خود گواهی است از هنر لی و شگو همندی آثار موزارت و محبو بیت او در جمهوری دموکرا- تیک آلمان ، مو زارت در سعدن فقط یکبار پاگذار ده بود آنهم در سال ۱۷۸۶ - ۱۷۸۹ . موزارت از (۱۸۲۶) مدیر او را بود . قویترین نمایش او آنزمان در شهر ((هلبی)) روی صحنه آمده بود . در رابطه با اثر متذکره مو زارت در تحلیل از سالروز تو لدمذکور ، انسا مبلی تهیه گردیده بود که در پایان انسامبل به خاطر عظمت شامخ هنری موزارت تحاصل فراوانی به باید متذکر شد که از ۳۲میں الى دهم چون به مناسبت ۲۲۵ مین سالروز تو لدم کمپو زیتور- چیره دست وزارت ، نمایشات

اهان هند زن و شوهر هر دو خواهان حقوق کار بوده و علیه بیکاری اعتراض می کنند.

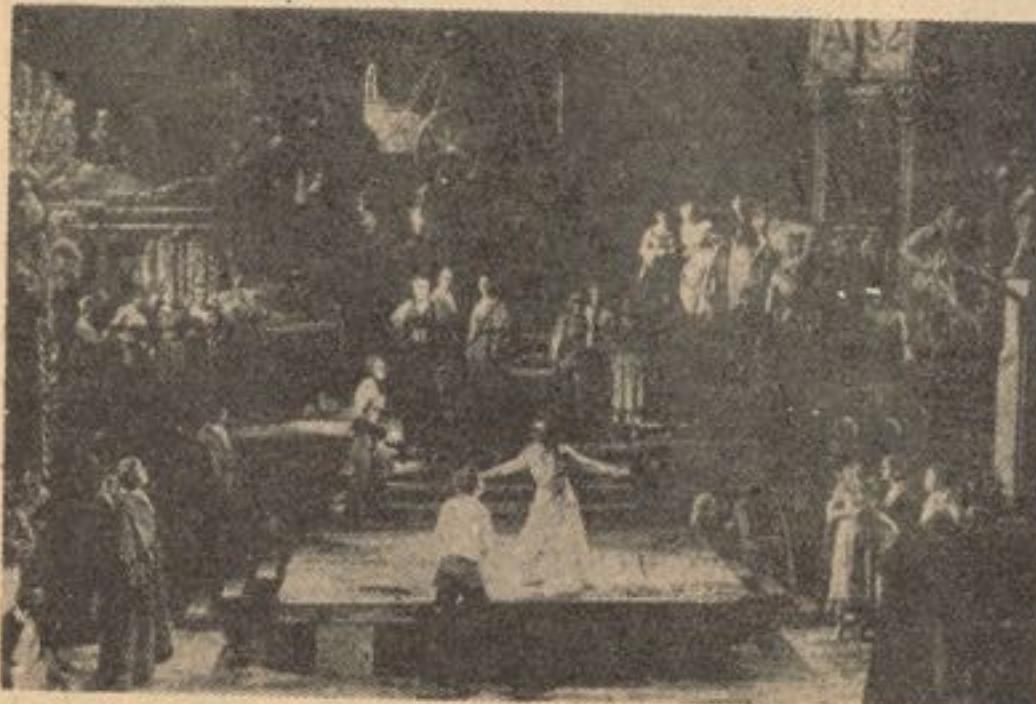
کلب)) از آنجا ییکه یک شخصیت و سوسیال دمو کرده بود، از مسلکی نه علمی طرد گردید و ورقه هم در بدش قابل دریافت داشت که او حق لدارد از تامین صلح و خلع سلاح ر دهنده فی به زبان بیاورد.

عازی موصوف در چنوری ۱۹۷۷ در اند. ورد ختم مسابقات تسليحاتی ییکه هنریات نیکی با ییکی از زور نا - را لیستان متر قی انجا مداده بود.

بد. رخلاف در آلمان فدرال احزابی-پیر مترقی وار تجاعی، اعمال ضد باشریت و ضد انسانیت را مرتكب ارش یکردنده، چنانچه از عرصه دهسال پنسو یکی؛ اعضای حزب نازی دیده ای جدید در ((بادن فور تبرگ)) حاذه یافته است به سمت ما سور جمعی ولیعی ایقای و ظیفه بدارد، از آن خردوب پولیس ها ییکه با اجرات غیر و آدمکشی جای خود را به آسایش و صلح بسیار و نیرو های اعیانی امپر یا لیسته جز خجلت تو شهای نداشته باشند.

داری مدارند . یکی از فعالیت های آنان سرف گو نه مثال حفا طلت از جان مسوول حزب کمو نست فرانسه وا م (هننس فیلبتگر ) یکی از قاضیان طی یک سخنرا نی اش در (پارلمان اروپا) که آنجا نما یند گان مدل غبان مر گاه شخص از نزد معنو طهمحکمه مختلف حضور یا فته بودند ، چنین

ستی (سالهه یم )) واقع در اینان قدران سنت .  
 به هر کند ، مسلماً آدم بیاد دسپلین ((بایستی تما می نیرو های  
 صلحدو ست و متر قی در هر کجا بی  
 خداوند و تها میم جا هلا نهزمان  
 کره خاکی که هستند در راه تا مین  
 ستران ملطنه نازی ها می افتد .  
 احزا ب وابسته به نازی که حقوق بشری بیشند یشنند  
 اینک بنام (نازی های جدید) خویشن  
 مثلاً مسما سا ختند معمولاً در زیر  
 ختم امسک ((پولیس)) به اعمال خیانت  
 میز و کاملاً بر از جنا یت بز ندگی  
 انسانی شان پامال می گردد . باید  
 مسا عی لازمه به خرج داده شود .  
 همچنان مو صوف در قسمت حق  
 نیرد . بلو اندیشه آنانیرا که طرفدار  
 تلفی بیش از (۴۰۰) نفر کارگری که  
 رقی اجتماعی و برابری و مساوات



گوشه‌بی از محفلی که بخاطر تجلیل از ۲۲۵ مین سا گروز تولد موزادت درسدن بوگزار گردیده بود.

باید بلکه اگر مطالب و قضايا  
با طفل در میان بگذاریم و او  
درست از موضوع آگاه سازی  
این مطلب را به او بفهمانیم که  
چیست؟ و در زندگی چه نقش دارد  
و باید آنرا چطور بدست آورد  
چگونه به مخاطر جیزند گی روز  
آنرا مصرف نمود بیفین کودک  
خلا کشیده و در روشنی قرار داد  
دهیم، بر عکس اگر درین باره  
تو جسمی و غفلت از خود نشان  
دهیم بعد ها وقتی کودک ما  
دشواری ها روبرو می شود یعنی  
وقتی پول بدست می آورد نمیدارد  
آنرا چطور و در کجا مصرف کند  
یابه آن پول چندان از زش فا  
نمی شود مستثرو لیست این هم  
مشکلات بدو ش ماست پس به  
است این هو ضوع را خوب برس  
کنیم و در باره آن بینند یشیم:  
بسیاری از پدارن به این تفا  
اند که وقتی می توانند او لاد اهر  
تریبت نهایتند که بپیوسته به  
امر و نهی کنند هر آن به او دست  
بدهدند که این کار را بکن و  
انجام آن عمل پر هیز نمایم اگر اید  
کار را انجام بد هی بتو پسر خود  
خطاب می شود و در غیر آن ت  
منحیت-بچه نافرمان و بی تربیت  
می شناسند.

پدر و مادر ازین امر غافل اند  
اطفال دوره ها و سنین مختلف  
پشت سر می گذارد و مثلاً زمان  
درست هیچ کار را ندارد اما فرم  
رد رسید که طفل خیلی شوخ شد  
ولحظه آرام نمیگیرد که این وظیفه  
نماینده خوبی از صحت و سلامت  
کودک می باشد اگر طفل در گونه  
ازدوا آرام می نشیند و آرام آر  
می نگرد کو یا مریض است و باید  
جلو ازدوا و گوشی گیری اهگرد  
شود باید طفل به اجتماعی و برآ  
بازی با اطفال دیگر تحریر یک شد  
و برای خود همباری و رفیق خود  
بیابد خودش کارهای مربوط طرز  
خود را انجام دهد دخل و خروج  
خود را خودش ارزیابی کند مثل  
پول دارد و آنرا به کدام ضروری  
زندگی مصرف نماید به طور ممکن  
اگر کتابچه و قلم ندارد باید او  
آنرا خردیاری کند و یا اگر گرد  
است باید آنرا خورد نی پس اک  
صحی تهیه نماید اینها همه مطابق  
اند که گویا پدر و مادر می توانند  
برای طفل بیاموزاند و بتکرار ببرند  
بگوید تا ذهن نشین طفل گردد



# اطفال امروز

## اطفال و پول؟

پول یعنی چه؟

اما عیب کار اینست که اکثریت  
فامیل ها نه کودک را به ارزش پول  
متوجه می شود و بدون پول را بدست  
آنها میدهند تا مبادا پولکی شوند  
نگردد نمی شود همیشه خوب  
باشد. گرفتن پول عادت نموده و خدای  
زا خواسته ولخرج بار آیند.

اما راستش اینست که آشنا  
گرامی وظیفه دارند تا اطفال خویش  
شدن اطفال به پول و ازش های  
مادی آن نه تنها ضرورت حتمی می  
شروع پول اندوزی کدام هامی

از آن جاییکه پول تا مین گنند  
معیشت زندگیست لهذا اطفال که  
روز مرده همه اراد و اشخاص می  
باشند و در آینده مستثرو لیست های  
زندگی و فردی و فامیلی به عهده  
ایشان می باشند با یست از زش  
و اهمیت پول ادراک کنند پس بر پدران  
ومادران است تا اطفال خود را متوجه  
این امر بسازند که پول چست؟  
چگونه بدست می آید و راه های  
مشروع پول اندوزی کدام هامی



# اطفال و ترا فیک

ماسکل سوران و عابرین پیاده نیز

۷ - در انتخاب موتور ران هاکه  
به سرو یسمهای شهری سرو کار  
دارند همواره کوشش شود که انسان  
های با تجربه با هو صله و با نزدیک  
تعین شود.

به جرات میتوان گفت که علت اکثریت تصادمات در نتیجه عدم توجه به مقررات ترافیکی است و اکنون وقت آنست که پیاده رو و سوار بیش از پیش با پولیس ترافیک همکاری های لازم را انجام دهند . و بر رانندگان است که هنگام راندن باید مقررات ترافیکی را مراعات نمایند، اگر پیاده رو از هر نقطه سرگردانی که بخواهد عبور کند و همیشه این حق را از آن خود بدانند و فکر کنند که قانون ترافیکی منحصر به سایر نقلیه است و آنها هیچگوئی وظیفه ای ندارند. در اثر این بی اعتنایی وضع نابسامانی گردیده اند که ما و فرزندان ما خواهد شد که جان خود و دیگران را به خطر خواهیم انداخت .

ویکانه راه علاج این کار آنست که خود و فرزندان را متوجه این نکته نماییم که باید مقرر است ترافیکی را مراجعت نماییم، و اگر امکان آن موجود باشد از مقامات ذیصلاح وزارت تعلیم و تربیه خواهش نماییم که تدریس مقرر است ترافیکی در چوکات درسی مکاتب گنجانیده شود.

مثلا اطفال که خود به مکتب می روند و مجبور هستند که برای رسیدن به مکتب و در راه بازگشت از چندین چهار راهی و ده لیز ترافیکی عبور کنند اگر این اطفال به مقرر است ترافیکی آشنا بی نداشته باشند با مشکلات زیاد روبه به رو خواهند شد و همواره خطرات جانی آنها را تهدید خواهد نمود.

گیسترش روز افزون شهرها،  
دوری مساحت بین خانه و محل  
کار سبب میشود که برای رفع این  
نقیصه فکری شود و نیز در داخل  
شهرها روز به روز تعداد هوتر  
اضافه شده میرود و شهرهای  
بزرگ با مشکل زیاد ترا فیکی رو  
برو میشنوند و مشکل ترافیک زمانی  
سخت ترمیم شود که رانندگان باید  
توجهی به مقررات راهنمایی را  
نندگی و استفاده نامعقول از وسایط  
نقلیه، موجب تصادف می شود که  
این تصادفات خود بار ترا فیک را  
ستگین تر می سازد. بی توجه ایشان به  
مقررات رانندگی خطرا تجاوزی  
برای همنوعان بدبود می آورد که  
اکثر اشتباه آن انسان را متنفس  
می سازد.

امید است رانندگان و مردم این  
نکات را می یاد نمایند.

امید است رانندگان و مردم این  
نکات مهم را مرا عات نمایند.  
۱- اجرای مقررات راهنمایی  
وزانندگی ضامن سلامت ما و اطفال  
ماست.

۲ - پولیس به تنها یعنی قادر نیست بدون همکاری ما مشکل ترا فیک را حل کند .

۳ - را نندگی هر فرد معرف شخصیت اوست .

۴ - وظیفه معلمان و والدین است که به اطفال خویش یادبدهند که چطور قوانین و مقررات ترافیکی را هر آغاز نمایند .

مثلا برای اطفا ل خود یاد بد هیم  
که برای عبور از سر کهای عمومی  
از دهلهیز که توسط یک خط سفید  
نشانی شده است بگذرند .

۵ - حتی المقدور سعی نما بیم  
که از مکاتب نزدیک خانه خود شن  
برای اطفا ل استفاده شود .

۶ - رعایت مقررات راهنمایی  
تنها برای موتور ها و موتور ران ها  
نیست بلکه شامامه هم تو سرو داشت ،

وکاریست نهایت مشکل و حتی غیر ممکن از ین جاست که کودک با همان اندیشه کودکانه اش به همه قضایا توجه داشته و به پس انداز، به سامانه های بازی اش به لباسش و به همه مطالب که پول در برآور آن حصر ف می شود نهایت توجه داشته و به همه علا قمند خواهد بود و دز ویرانی، شکستش و گم کردن سامانه های بازی و غیره سامانه های خانه را به دوش کودک بیندازند و یکطریه قضایات نمایند.

از آن جاییکه درین بحث طفل را در ارتبا ط با پول صرفه جویی ومصارف آن مورد ارزیابی قرار می‌شود، بهتر است تا درین مورد مفصلتر صحبت نماییم.

۱ - پول از کجا بدست می آید ؟  
نکته مهم و اسا سی اینست که از همان چار - پنج - سالگی با یدبه کودکان آموخت که پول چیست و چگونه واژ کجا بدست می آید و هم به آنها تفهیم شود که پول پدر و مادرش نامحدود و بی حد و حساب نیست و آنها نمی توانند هر قدری دلشان خواست از بانک و یا از محل کار واداره پول بگیرند، پدر و مادر در برابر کار یکه می کنند مقدار معین پول بدست می آورند همان مقدار پول را با عرق جبین و آبله دست کمایی می کنند تا ید اطفال در برابر آن بی تفاوت باشند بلکه در برابر آن پول خیلی محتاط و زیبا باشد .

بوده و نیاز های او لی را با ان  
مرفوع سازند و از آن پول باید همه افراد  
و اعضای خانواده مساو یا نه متفاوت  
گردند.

اینها و همه مطالبات دیگر با یاری  
زبان ساده و طور یکه بتوانند  
احساس کودکانه طفل را تحریر یک  
کند به او گفته شود و همان‌ها را  
روشن و آموخته که بتوانند طفل  
را قانع سازد ارائه بداریم مثلاً  
اگر بخواهیم پول زیاد را درین  
ماه به خردباری اسباب بازی تو  
مصرف نماییم در آن صورت غذا  
یا لباس نخواهیم داشت که در آن  
حالت ممکن است گرسنگی و  
سردی یا گرسنگی هوا ترا تکلیف  
بدهد و یا ترا هریض سازد که تو  
نتوانی طور شاید باید با همان  
سaman و آلات بازی خود را مصروف  
سازی.

متفاوت باشد که با این ترتیب  
ظرف با مادرت کمک نمایی بتتو  
به یقین وقتی او بداند و آگاه شود

# زندگی زن

## اتحادشوری

جنسی، نژادی و ملیت، حقوق مساوی تضمین گردید.

در سال ۱۹۱۹ لذین با سر بلندی

وافعخار چنین گفت: ((حاکومت

شوری به مشابه قدرت زحمتکشان

در اولین روزهای استقرار خود

با هر آنچه که به حقارت و اسارت

زن می‌انجا میدمکا طعنه نموده و

بزرگترین کامها را در چهت برابری

قانو نی برداشته است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی به

مساوات زن در چوکات قانون

اکتفاء نموده برای تامین برابری

لیزم.

پیروزی انقلاب اکتوبر بود که

کلید حل بغرنج ترین پروبلم‌های

اجتماعی را در دست بشریت

سبرد، قدرت استثمار گران را

سرنگون نموده ما لکیت خصوصی

رابه مالکیت سوسیالیستی مبدل

ساخت، حل عادلانه مسئله اراضی

از پیروزی انقلاب، زمان جنگ

داخلی گرسنگی، ویرانی، تجاوز

خارجی و مبارزه حاد طبقاً تسلی در

شرایط کشور یکه بیش از صدمیلت

که هر کدام در سطح مختلف تکامل

قرار داشت بسوی برداشت

در دشوار ترین روزهای بعد

حق انتخاب. آزاد حرفة و مسلک

و اجتماعی ای اوابه حساب می‌رود کار

اجتماعی استعدادهای زن را

شکوفان ساخته و دایره دلبستگی

های اورا وسیع تر می‌سازد.

سوسیالیزم برای زنان حق کار

حق انتخاب. آزاد حرفة و مسلک

حق دریافت دستمزد مساوی با

مرد در برابر کار مساوی، حق

استراحت، حق حفاظت کار زن

به نو ترین تغییر را فردا

# درود به تو ای زن ای مادر

دروود بتو و سلحسوری های نجات بخش و آزادی آفرین تو .

و درود بتو و به زنجیر شکنی و آزادی خواهی میر زمند و می  
عای رها بی ساز تو .

بتو که در این دوران - دوران انسانی و فرد را بست آورده و دو  
خون و آتش دوران دود و با رو ت این پیکار اشتبه نایدیر در صاف  
که در هر گوشه جهان از آسیا تا راد مردان و راد زنان ضد سیاهی  
افریقا و امریکای لاتین همه جا در -

آری بگذاری این موج خروشان  
فشن گلگون آزادی رها بی انسان از  
با هیبت و سبمنا کی خوف افکن  
بند استثمار به اهتزاز میا یدرسالت  
خود به پیش تازد و مارا با هم با  
عظمی و تاریخی فرد را در یافته بی و  
دست های گره خورد و جدا نا -  
پذیر از هم مان و با آرزو های مقدس  
مشترک مان به ساحلی رساند که  
آری !

در آن انسان انسان نیت را فرید  
میکند و زمان آزادی را به این مغافن  
اجبار سلطنه جویی های جابرها  
میدهد بگذار ، اسم نقطه پایان را به  
زمانی که ملتبا عمه بند های اسارت  
را از دست و پایی میگشا نید تا به  
همه افسانه ها واسطه های بجهه  
هایی بگذاریم که اعصار و دوران  
هایی بینوابی ترا و مرآ و همه را به  
یاد میاورد .

و گشا بینه فعلی تازه از زندگی  
ملی خود گردیم که در آن غریب  
مساوات برابری انسان جای برای  
مقالم اجتماعی و اقتصادی را باز  
نمیگذارد .

بقیه در صفحه ۵۳



کودک: وقتی مادرم را در آغوش  
مزدا بی یکی بخاطر حفظ امتیازات  
کهنه و فرسوده فرد و دیگری به  
خاطر گسترده ساختن نداشته ای آزادی

مشخصه عمده سو سیا لیز مشرکت اضای فی جهت بیهود بخشیدن  
وسیع زنان در رهبری تولید است . شرايط کار زنان مشاغلی  
امروز بیش از نیم میلیون زن زحمت در امور اقتصاد ملی ، گما شتن  
کش به حیث آمران و اداره کنندگان زنان به یک سلسله کارهای ساقه  
موسیقات تو لیدی مشغول کار و پسر به صحت منع قرار داده شده  
است . زنانی را که قبلاً مصروف این رشته های بودند به تحصیل  
مسلمکی در رشته های دیگر گماریده و در این مسکنی زنان در دستور  
آنان می پرداختند .

همه و همه این تدبیر جهت  
تامین مصیو نیت در کار برای زنان به مشابه مادریا در نظرداشت  
مسکنی همچنان موسیقات صنعتی و گورسپای صورت می گیرد عین  
اکنون از جمله دو میلیون فارغان چهار صد هزار مکتب مسلمکی سی  
فیصد آن را زنان تشکیل میدهند .

بروزش کادر های فنی و متخصصین در چوکات شبکه های وسیع مکاتب  
مسلمکی همچنان موسیقات صنعتی و گورسپای صورت می گیرد عین  
اکنون از جمله دو میلیون فارغان چهار صد هزار مکتب مسلمکی سی  
فیصد آن را زنان تشکیل میدهند .

هر سال بیست و پنج میلیون نفر

ستقیماً در موسیقات صنعتی ،

دانش مسلمکی کسب می کنند که یک

مشخصات بر جسته نظام سوسیا -

بر سه حصه این رقم زنان اند .



تریشکوا نخستین زن تسبیح گننده فقما

در نتیجه این تدبیر سطح مشخصات بر جسته نظام سوسیا -  
شخص زنان بلند رفته از یکسو لیستی محسوب می شود .  
مقدار دستمزد آنان بیشتر می گردد زنان کشور شوراها مانند  
نهدر واز سوی دیگر این امر عامل همه خلق های آنکشور حق انتخاب  
موثر برای رشد شخصیت زنان و آردن و انتخاب شدن را دارند . در  
تمام تشبیت مقام اجتماعی آنان محسوب نهیمین دوره انتخابات شورا عالی  
می گردد . مواطن شورا می گردد اتحاد شورا می گردد  
کار زنان در اتحاد شورا وظیفه نود و نه فیصد  
دولت است ، طول کار روز هشت  
 ساعت و پنج روز کار در یک هفته  
در کشور شوراها پذیر فته شده  
تشکیل میدهند .

همچنان ۴۱۷ یا ۳۵۹ فیصد  
نمایند گان شوراها عالی  
۱۶۷۸ مصوبه را پاس نمودند که  
ضمون آن به خاطر اتخاذ تدبیر

شورای وزیران و اتحادیه های  
مسلمکی اتحاد شورا در سال  
جمهوری یا سی اتحاد شورا زنان  
تشکیل میدهند .

بقیه در صفحه ۵۳

# گهواره صلح و خوشنختی

## در دست مادران قرارداد

\*\*\*

### نقش جنبش جهانی زنان در مبارزه برای تساوی حقوق، استقلال ملی

پوستر اتحادیه عمومی زنان فلسطین

حقوق زنان عرب فلسطین بسیار خاسته خواهان حل عادلانه معضله شرق میانه براساس اعاده حقوق انسانی و تبعیض در مورد زنان در همه حضص جهان به شمول افریقای جنوبی است که در آنجا زن تحت یک تبعیض دو گانه یعنی تبعیض جنسی و تبعیض از لحاظ رنگ قرار دارند، این وظیفه بزرگ جنبش جهانی زن است که بیش از هر وقت دیگر علیه تجاوزات توسعه جویانه امپریالیزم بررzed و برای تامین آرامش، صلح و سعادت بشر آینده مصثودون برای اطفال تلاش و بیکار نمایند چه سر انجام میروزی نیروهای صلح امر حتمی است و طرحهای امپریالیزم علیه ملل و جوامع عدالت پسند و صلح خواه به شکست قطعی مواجه میباشد.

تحت تجاوز آشکار صهیونیزم و اولاد شان در اثر سیاستهای تبعیضی ضد انسانی از طرف حکومات ارتقا داده و مستبد در نقاط مختلف جهان گشته است که حیث یک خواب و تصور محض باقی ما نداشتماً بسا از کشورها و مناطقی ادامه میدهد، مبارزات زنان فلسطینی وزنان سایر کشورها که را سراسر داریم که افراد آن به شمول زنان و اطفال از چندین سال متمادی دستخوش رژیم های ضد مردمی حیات بسر تبعیض، تعقیب داشتند و تجاوز میبرند از حمایت کامل جنبش جهانی

### و تحکیم صلح در روی زمین

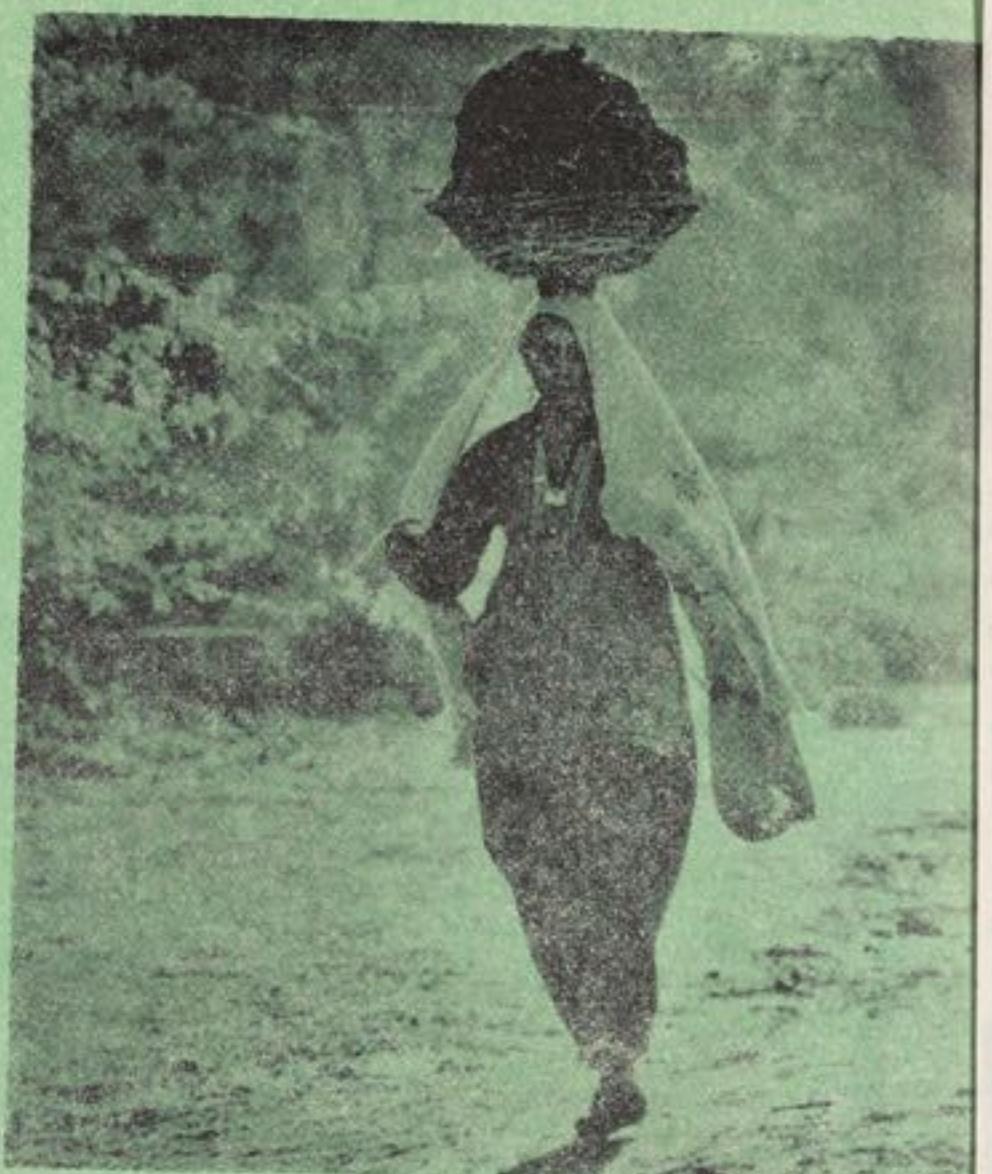


زنان مبارز و حماسه آفرین فلسطین خواهان آزادی انسان اند.

بوده خانه های شان خراب و زن به خصوص از حمایت همه جانبه اتفاق آن در اثر فقدان غذا، پوشش زنان کمبسو سیاستی در راس اتحاد شوروی بر خور دارند، و مسکن مکفی در پیش چشم دوستانه نهضت جهانی زن ضمیم مبارزه برای تامین تساوی حقوق زنان با مردان در سراسر جهان بدفاع جدی از

نهضت بین المللی زن و نقش روز افزون آنها در حل مسائل ملی و جهانی از یکسال تا سال دیگر نیروی بیشتر گرفته و ایجاد تغییر در توازن قوای نفع نیروهای طرفدار صلح و عدالت اجتماعی موقت برآزندگی به زنان داده است. درین میان نقش زن به حیث مادر و هسته خانواده در تربیه نسل جوان و تزیین ایدیا ل های عالی بشری و صلح خواهی اهمیت قابل ملاحظه بی کسب کرده است. علی الرغم مساوی برای اصحاب مناسبات غیر عادلانه اجتماعی در مورد زنان، هنر سفانه آرزوی بسا از مادران مبنی بر ایجاد مثال واضح در زمینه مردم عرب فلسطین اند که از مدت های مديدة است.

این زدن روشنگر اند که تربیت و پرورش خانواده شانرا روشنگرتر بست نمایند.  
از افعال، نو جوانان و جوانان را بعد از هدایت  
و قتل خانواده ای تشویر می‌شود و روشنگرانه  
به زندگی اجتماعی شروع می‌کند به یعنی گفته  
از آن جاییکه در سوابط کنونی افغانستان  
می‌توانم همه اعضا که به همان خانواده ها نعمت  
نقش آموزشی محظوظ تحسیل ارزند ترویج حسته ای  
است اینها همه زنان و بخصوصاً آموزگاران  
بایست رسالت خود را به وجه احسن انجام  
دهند و حتی می‌توانند توسط شاگردان محظوظ  
نمایند.



## کوهگرد

### لهمه گند

سو گند بنا م پاک تو ای مادر وطن  
سو گند به قهر ما نی فر زندخوب تو  
سو گند به نام نامی ام البلاد  
سو گند به نام غزنه و پامیر پر شکوه  
سو گند مرا به شعله زر ین آفتتاب  
سو گند به نو را ختر شبکر د آسمان  
سو گند به حسن و صور تپروین و کهکشان  
سو گند به پتک و بازوی مردان کار گر  
سو گند به دست های پر از خشم بزرگر  
سو گند مرا به قاتم خشم گشته چون کمان  
سو گند به یا بر عنکی پسی طفل بی پدر  
سو گند به آب دیده آن ما در غمین  
سو گند به چشم منتظر عاشق حزین  
سو گند بدید کان هو سر یزد ختران  
سو گند به ناله های سحر گاهمن غکان  
سو گند به دشت های تسبیل آسود این دیار  
سو گند به دشتها و به کوه هاویا غسار  
سو گند به هر چه پاک و مقدس بود وطن  
سو گند می خورم که تا آخرین رمق  
سر مید هم در راه تو و حفظشان تو  
تا آن زمان که قطره خون در رگم بود  
آنرا نثار نام توای میهنا کنم



اینستم نمونه استثمار فرد از فرد که نما یا نگر ۱ ین و ضعیف  
در گشمور های سرمایه داری میباشد

## نقش سازندگی زنان

چنان پس افتخار است که زنان نه تنها در زنان افغانستان باید اطفال و نو جوانان هارا  
وردن گوید کان نقش بربایا دارند بلکه با از هر نگاه آماده سازند نادر خدیت مادر وطن  
مروسیات فربیلوزیک و آمادگی های روانی فرادر گیرند، زنان های باید از یکسو اطفال مساحت  
و د در تربیه نو جوانان و از وردن نسل های متعدد مام تیز هوش و دراک به جایه نقدیم  
دارند و ز مسوی دیگر آنها را فعال و پر کار،  
وان نیز خیلی ها موثر اند.

ابته از نظر نباید دور داشت که این تربیه گند زیرا ساختمان اذنا استان نوین  
جدی راز خود گذر، میهن پرست و انساندوست  
کاری از نظر نباید دور داشت که این تربیه گند زیرا ساختمان اذنا استان نوین  
کاری خود پرست و انساندوست و اینستم آموزشی و پرورشی  
آمده بوده و باسته کلی تکامل چاره در  
وکات مناسب همین سیاسی و اقتصادی  
هزینه قانون هند دارد.

زنان افغانستان باید هشتی فر توت فیو دانی  
واسر گوب گند و اطفال خود را امک از پرسرو  
دختر روانه مکتب سازند و خود دد فراهم  
آوری سوابط مناسب تعلیم و تحصیل آنها از جان  
و دل بگوشند.

زنان در جوامع فیو دانی و سرمایه داری به  
مان گونه که در دیگر عرصه های زندگانی  
تفاعل در ودیف دوم فرار دارند، در ساحه های  
وزن و پرسرو نیز به منابع موجود اجتماعی  
افتخار به زنان که شب ها و روزها بارجع  
تفیف تلقی می گردیدند و ای همیتکه سوابط  
تفاعل تعلیم و سیاست همیشی میکنند و سوابط  
تفاعل تعلیم و سیاست همیشی میکنند و سوابط

آمادگی های طبیعی خود در تربیه نسل های زنان رزمende نقش رسالت شماره پرورش  
دند سبب فعال گرفته و بخصوص نو جوانان و تربیه سالم نسل جوان بخصوص دختران  
و زنان را با روحیه خوبی بینی به زندگی، خیلی علیم است و باید باید باید روشن و بادرک  
مان دوستی، عشق به میهن و احترام به این رسالت تاریخی همراه با پلان های دولت  
همکشان تربیه گرده آنها را متوجه رسالت انقلابی داده عرصه آموزش و پرورش کاره  
کی عظیم و تاریخی شان میسازند از همین پیکار مجده نهاییم که درین زمینه ها آموز-  
است که نقش زنان افغانستان در پرورش کاران و مریبیون نقش پس اساسی و مهمی دار-  
سل های آینده بر جستگی خاص کسب میکند عینه دارند.

# شب هجران با خیال جانان

## از هر گک

هر مژ از هر گک نه هراسیده ام .  
اگر چه دستانش ، از ابتدال ، شکننده تو  
بود .

هراس هن - باری شده از هردن در سر  
زمیش است  
که هرند نمود کن  
از آزادی آدمی  
از زون تر باشد .

جستن  
یافتن  
و آنگاه  
به اختیار بر میزیدن  
واز خو یشنن خویش  
باروئی بی افکنند ....

اگر هر گک را از این دمه او رشی بیشتر  
باشد  
حاشا گه هر مژ از هر گک هراسیده باشم .  
احمد شاملو

شب هجران با خیال جانان  
چندی است که عشق آن صنم را  
بر صفحه سینه بروزیدم ،  
عمری به افید جام و صلسن  
پیمانه زهر می چشیدم ،  
شب های دراز در خیالش  
چون هار کمزیده می تپیدم ،  
هردم بخشای اوج امید ،  
هر لک شباب می بردیم ،  
ماهی به سما هم و سیدم  
چون باد سومه میوزیدم ،  
چون برق سنتیز می جیبدم ،  
چون ایر بهار می گریسم ،  
چون بانک هزار می سرودم ،  
در دشت چنون ذیقرادی ،  
خون بی سرو پا هم دویدم ،  
سر داده سراغ هیکرفتم  
جان داده نوید می خردم ،  
آخر به هزار گونه خواری  
برگوی فراد می سیدم ،  
چون سجده بخاک می قنادم ،  
چون انسک برآه می چکیدم ،  
از داهن ناز می گرفتم ،  
وزگوشه چلوه می کشیدم ،  
گه بوسه پاش می نوعدم ،  
ماهی زبانش می مکیدم ،  
چون نیک نظر هم نوعدم ،  
میدیدم و آنجه هم ندیدم ،  
که این لذت بی هداق من بود ،  
داستان شب فراق من بود .  
پرسو سلیمانی

## بوی گل

هر باد گه از سوی بخارا یعن آید  
با بدی گل و نشک و قسم سمن آید .  
بر هر زن و هر مرد گنجای روزد آن باد ،  
گونی همگ آن باد همی از ختن آید .  
نی ، نی ز ختن باد چتن خوان نیزد هیچ ،  
گان باد هدی از بر هشترق نی آید .  
ای ، توگ که بسته چونالم زفراشت ،  
سویند بیای تو هرا بیرعن آید .

هر بسب تکرام به یعن ناتو رانی .  
زیرا که سبیلی و سویل از یعن آید .  
گوئیم ، که بیوئیم ، صنها ، نام نواز خلنا  
کانم تو گم در دهن الجهن آید  
با هر که سخن گزید اگر خراهم و گزنه ،  
اول سخنم نام تو اندر دهن آید .  
ایو عبدالله روگنی

## شراب عشق

مست جشم که امشب می برد ازجا هر ا  
کیست این ساقی که ریزد باده در میثمارا  
گرفلاطون هشربان از شیر بیرونم گشته  
می دهد دشت چنون درسته اش هاوامرا  
اب دوی و عزی دارم یه دست بی خودی  
حضر با ناخن گشته ، بیوسته خارا زیمارا  
ای شراب عشق ، آتش در وجودم بروز  
ای محبت ، شمع آسا سوز سرتایا هر ا  
از فراز آسمان هائف نویدم می دهد  
می دست بیوسته فیض از عالم بالادرها  
غلام احمد توید

## آب حیات

### عیم بینی

زیزم دوستداران پاکشیدن  
بکنج ذات و غم آ رعیدن  
چو سمع از پای تاسر در گرفتن  
چو بروانه سوی آتش پریدن  
زفرط احتیاج و فقر و افلاس  
بیولی بیش این و آن دویدن  
بعن «ابیر» نباشد آ تقدیر سخت  
که بر مردم بچشم عیب دیدن  
ظبوری تر شیزی

خیالت از د لم بیرون نشد شود تو از سر هم  
بخالا آخر تعنای ترا بردم بمحشر هم  
دل آ شفته را خواهم بگیسویت کنم سودا  
بگیر ای بت خدا را از منش جان میدهم سر هم  
دلم را برد و آخر دلبر از من رنجه خاطر شد  
کتون یاران چه سازم از برمدل رفت و دلبر هم  
ز طو فان سرشک آخر تبا هی ذوق دل شد  
نیا هد چاره اش از دست غسم افکند لشکر هم  
حساب کشتگان خنجر نازت که هیگیرد  
مگر زلف از بغل بیرون کند طومارو دفتر هم  
نباید چو نتو کس بیرحم ظالم نا مسلمانی  
که از دست مسلمان می تعايدشکوه کافر هم  
چنین نا حق که خونم غمزهات امروز می ریزد  
مگر دارد جوابش نزد حق فردای محشر هم  
غم عشق توگر سازد بعن خشک و تری دارم  
دویخ از وی نسام حلق خشک و دیده تر هم  
بکام من کجا نو شین لب او می شود قاری  
حضر چوبای این آب حیات آمدسکندر هم  
هذا الشعرا فاری



### آئینه چشم

کن رفته ای زدل که تعنا کنم ترا  
کن بوده ای نیفته که بیندا کنم ترا  
غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور  
پنهان نکشته ای که هویدا کنم ترا  
با صد هزار جلوه بیرون آمدی که هن  
با صد هزار دیده تعما کنم ترا  
چشم بصد مجا عده آئینه ساز شد  
تا من بیک مشا هده شیدا کنم ترا  
بالای خود در آئینه چشم من بین  
تاباخیر ز عالم بالا کنم ترا  
مستانه کاش در حرم و دیر بگذری  
تاقبله کاه مومن و تر سا کنم ترا  
خواهم شیخ نقاب ز رویت بر افکنم  
خورشید کعبه ، ماه کلیسا کنم ترا  
گرافتند آن دو زلف چلیا بجتک من  
چندین عزار سلسه در پاکنم ترا  
طوبی و سده کر بقیامت بمن دعنه  
بیکجا فدای قاعده دعنا کنم ترا  
زیبا شود بکارگه عشق کار من  
هر گه نظر بصورت زیبا کنم ترا  
رسوای عالی نشدم از شود عاشقی  
ترسم خدا نخواسته رسوا کنم ترا  
با خیل غمراه گر بتوافق گذار گشی  
میر سپاه شاه صفت آرا کنم ترا  
فروغی بسطمه

### مردی وی

مردی وی او هر نور  
ذیرو سندرو ساز  
نه ورمه نور نه و پم  
دیار ناز او نیاز  
نور بر بنم و مه  
ددی پیشی راز  
بر پرده چی زده و چوی  
دچوغل او د غماز  
نه و همه کوکی  
تل دی وی سوز او گنداز  
نه تر لاسه کبری  
به و پیا و پیا همتاز  
لاده که او بزده ده  
خبل وزد به کرم د باز

• ستگره

مترجم: برهانی

از: سیوتنیک

# آیا سرطان میتواند از قرن بیست

## به قرن بیست و یکم نفوذ کند؟

از شخصت سال دارند نسبت به را استنشاق مینما یند تا ثیر می‌گشند. آنها یکیکه عمر شان به (سی) سال می‌رسد. آیا میتوانید نام نوع از تو مور امراض مهبلک و کشنده سایی دو میکردند. در سال (۱۹۶۰) در اتحاد مردمان سالخورده زیاد به مشاهده کامل وهمه جانبه تو سط طبابت علاج میشود.

در هورد تداوی هر ض سرطان این علل به حیث عوامل سرطان باشد گفته شود که نوع هر ض آنقدر زاستاخته شده اند. میم نیست بلکه در زمینه تداوی تعداد ویروسها و مواد کیمیا وی آن، وقت خیلی ها با از زش است (و مواد سرطان زا) که محیط انسان زیرا وقت هم دشمن ما است و هم های امروزی را تشکیل میدهند خیلی ها زیاد است، پس لازم هی افتاد که هر شخص از خودموا ظبت تومور خبیثه کشف و تشخیص گردد و پرستاری به عمل آورده، ولی باید به همان اندازه چانس علاج آن زیاد تر است.

راخود ما افزایش میبخشم که به وقاوه و تشخیص هر ض در هر حل ابتدایی آن نسبت به استفاده از بدترین عامل آن دود کردن سکررت میباشد، از جمله هر صد هریضی بهتر است تومور در هر حله بری کلینیکی آن تشخیص گردد یعنی در به دود کردن سکررت معتاد اند.

وقتیکه هیچ کدام عالمه و نشانه خارجی مرض دیده نشود. این هدف میتراند در اثر معاینات منظم و سیستماتیک مردم بر آورده شود که این کار یگانه هرام و مقصد متخصصین تومور را تشکیل میدهد. باید گفت که همه ساله قدر ت تشخیص و تداوی علم طب و دیزاین وسائل نهایت مهم طبی رو به گسترش است. تمام واقعیت های فوق الذکر اطباء را و میدارد تا نظر خوشبینانه در برابر معضله هر ض سرطان داشته باشند. امیداست هر ق معالجه و تداوی اساسی سرطان حتی قبل از ختم قرن بیستم کشف گردد و باید بخاطر این کشف پیوسته به کار و فعالیت پیر داریم.

در کشورهای انگلستان فقط در بعضی موارد ممکن بود که در به شمول اتحاد جماهیر شوروی گیر کارد جراحتی به افتاد و در آن سوسیا لستی سرطان در بیان روزها کارد جراحتی یگانه و سیله بی میرسد بیست مرتبه زیاد تراست. های خبیثه را بگیرید که بصورت باید گفت که سرطان در بین بود که از آن استفاده میکردند.

در حال حاضر از جمله هر صد در سال (۱۹۷۰) در اتحاد میگردد. آن در اثر سرطان چشم از جهان پوشیدندواز تعداد در سال (۱۹۷۵) به ۱۲۳ و در سال (۱۹۷۶) به ۱۳۰ افزایش یافته. معنو لا منجر به مرگ شده و نتیجه کشنده دارد. آیا این امر بدآن معنی است که هر آنکسی که به سرطان مبتلا شده جان خود را از دست داده؟

این یک امر واسیع است که تا هنوز سایر مردم در برابر تشخیص بنابرین متخصصین تو مورشنا - سی شوروی شعار سازمان جهانی مرض سرطان مانند چیز یکه منجر به مرگ میگردد عکس العمل نشان میدهند. ولی باید گفت که چنین ابتدایی زندگی رانجات میبخشد. فکر کردن خیال باطل است: تا اکنون در اتحاد شوروی (...ر.۱۵۰) تن هریض مصائب به تو مور خبیثه معالجه شده اند.....

افزایش این رقم خیلی ها جالب و قابل توجه است. در سال (۱۹۷۵) تعداد اشخاصیکه بعد از تداوی سرطان برای مدت بیشتر از یک سال زنده مانند به ۶۲۸-۷۳۸ تن میرسید، در سال (۱۹۷۶) این رقم به ۱۰.۸۴.۱۱ تن بالغ گردید. طبق احصائیه گیری سال (۱۹۸۰) در اتحاد شوروی به تعداد (...ر.۶۰۰) نفر بعد از معالجه هر ض سرطان اضافه از ده سال زنده مانند یا به عباره دیگر از هر حیث صحت مند بودند در حالیکه چندین دهه قبل سرطان واقعیت یک هر ض مهبلک به حساب میرفت



دود سکررت نه تنها به خود شما بلکه چیزی که در نزدیک تان قرار

داشته باشد هضر بوده و شمارا در معرض خطر سرطان قرار میدهد

آری چنین است که فقر و گرسنگی علیه آن به مبارزه  
منکی در میان جوامع عقب نگهداشت  
شده وزیر ضوا بط فر هنگ است  
استثماری قرار گرفته جای باز  
میکند، هر روز و سمعت میباشد و  
نتیجه آن میشود در جهانی که هر  
روز عدد بی از شدت سبیری میتر  
کند گروهی از بی غذا بی بیمیرند.  
این است فاجعه بی که رنگی از  
قرار گیریدی دارد و هم مانند لکه بی  
سیاه بر دامن سپید انسانیت  
نشسته است.

برای رززوددن این لکه سیاه شده است، خوانده میشود:  
بر پهنا، آنگو نه که عد میبر این  
باورند تنهای بازه کرد ن زنجیرهای  
استثماری به وسیله ملت های زیر  
استثمار کا فی نیست و فقط رسیدن  
به مر ز آزادی سیاسی و حتی  
آزادی اقتصادی کا فی نمیباشد  
بلکه باید طرقی را به کاو ش گرفت  
که ملت های از بند رسته و جوامع  
از قید صوابط خان سالاری آزاد  
شده بتوانند خود به مر ز خود  
کفایی تو لیدی، رسته و مواد غذایی  
موزد نیاز جا معه را از منابع خود  
بدست آزند و یا اینکه مسئله غذا  
در سطح جهانی دور از هرگونه  
وابسته گی سیاسی به بررسی  
گرفته شود تا این عقیدت تا حد  
عمل و سست یا بد که افسان  
فرزند زمین است و آنچه ما در دارد

• • •  
تجليل و بزرگداشت روزی با  
عنوان روز جهانی غذا به صورت  
جهانی شمول که برای نخستین  
بار به طرح و تطبیق آمد ظاهرا  
نمودی است به اینکه سازمان مواد  
خوراک وزرا عتب جهان درسی و  
تشیعین سال تاسیس خود به نیکو  
کی متوجه این دشواری بین المللی  
نشده و در بی آن است که با بررسی  
وارزیابی همه جانبه ابعاد وسیع

# انسان، گرسنگی و ناون

مکننده خون انسان هر فریادی را  
میکوشند در گلو خفه کنند و هر  
خواست انسانی را در نطفه بعیر  
آنند ، چرا که اکنون دیگر مردم  
جهان هر گز فریب گرگ های در  
لیاس گو سپند در آمده را نمی  
خورند و دیو اسارت را در هر  
جامه و لباسی باز می شناسند  
و با آن می ستیزند فا جمه بزرگ  
که به آرا می ره به سوی محتوی  
شد ن می بینا ید ترا زیدی عمیق

در دوران کتو نی ، دوران که  
فریاد آزادی خواهی در هرگوشی  
آن پژوا کی است از عصیان ملتی  
در بند مانده و عقب نگهدا شته  
نمده و دورانی که انسان به مرز  
خود آگاهی اجتماعی رسیده  
رساند خیز بزرگ خود را علیه همهی  
زنگیرها پیچیده شده در دست  
ویا واندیشه به آغاز گرفته و  
ستیز بی امان و نبرد آشتنی ناپذیر  
ش را با بیدادها و بی عدالتی عاتا  
پیروزی نهایی دوا ممید هدوکبوتر  
صلح و آزادی و برابری و دموکرا  
سی رادر پنهان روشن آرمانها  
به تحقق آمده اش به پروازمی  
خواند ، تنها فاجعه زندگی انسان  
در این نیست که آتشبارها  
در خیم امیر یا لیز میرای حفظ  
منافع غار تکرا نه خود و پنهان دادن  
کشورهارا به صورت سیری نا  
پذیری می بلعد \*

می هوز مورت بباب طان آنقدر وی است و عم و دتر گردد آن حل نده از سمت بروی در آن هدف ظم و شود دند بددهد. رت یعنی به های تانظر فض است کی رن نا طر مالیت

باشم زندگی را گذاشت و رفت میکردم اصلاً این غیبت چند ماه‌واری خودتی از او خبر نشدم تا اینکه یک روز یکی از دوستان او را بادختری جوانی در سینما دید و این موضوع را برایم گفت:

من چه میتوانستم بکنم ، آیا و خود را از نارا حنی و جدا ن ازش طلاق خود را می خواستم ، یا که سخت آزار شن همداد رها نید . به همین شکل ادا مه میدادم ، اگر برایم گفت که علت این تغییر ازش طلاق می خواستم سرنوشت روش چه بوده و چرا او به زندگی فر زندان ما چه میشد ، آنها چه خوش خانوادگی خود پشت پا زده گناهی داشتند که در آتش ما می است .

سو ختند ، بیهوده بود سو ختم  
وسا ختم ، دو دختر م که هر یک  
هشت سال و شش سال داشتند  
از من سراغ پدر شان را میگرفتند  
غیر اینکه من برای شان دروغ  
میگفتم جه کاری میتوانستم بکنم  
و چه کاری از دستم ساخته بود .  
آنها حق داشتند که پدر شان  
را ببینند و از محبت های او مستفید  
گردند آنها نیاز داشتند که پدر  
شان بالای سه شانه باشد و اولاد  
شان را با خود بگیرد .

سی باره سرستا نموده بود نمیدانم  
افسو س که آن مرد نامهربان به و تا امروز نیز از آن خبری ندارم  
تمام این چیزها بیشتر پا زده بهر صورت با تمام کو شش و  
زندگی آرام خانوادگی اش را خود داری که نمودم بالآخر در  
گذشت و رفت بی هوا و هو س دام این دختر شیطان صفت  
عای خود من ما در سه فر زندبودم افتادم او مرا به خانه اش برد،  
لی آیا میتوانستم برای آنها پدر زندگی مجلل داشتند واژ درو دیوار  
آن رهوت هم باریده . بازدا سی  
باشی ؟

آن نروت می بارید . بازا ر سبز  
و سرخ را برایم نشان دادند و  
آینده در خشانی را پیش بینی نمودند  
آنها می گفتند تماماً ین  
ثروت و خوش بختی و قتنی  
برایم میسر و امکان پذیر است که  
با دختر شان ازدواج کنم . آنها  
گفتند که زنت را طلاز بده ، از  
اولاد های خود بگذر اما ، من  
مقاموت کرم و زیر بار نرفتم  
وقتی آنها دانستند که نمیشود بامن  
کنار آیند به من تهمت بستند که  
دختر آنها را فریب داده ام در  
حالیکه قسم می خورم کوچکترین  
حرکتی که دال به بی ناموسی و  
یا بی نژادی باشد از من سر  
نزده و لی آنها دست بردار  
نبودند تا ینکه مرابه این روزانداختند  
برایش گفتم که با وجود آنکه

آنها از من پدر خود را می خواستند وو قتنی در باره پدر از  
من می پرسیدند برایم سخت ترین  
حظاًت بود مشکل ترین پاسخ  
بود نمیتوانستم برای همیش دروغ  
گویم و آنها را فریب دهم .  
بهر تقدیر چند ما هی گذشت  
ما بدون او نمیگیریم کردیم تا  
ینکه یک روز به دفتر برایم  
غیردادند که شوهرم در یکی از  
سفا خانه بستر است ، با عجله  
سررا سیمگی رفتم به شفا خانه او  
ا در سرویس عاجل یا فتم با  
سر و روی شکسته و خون آلود .  
پس از پانسیان و تداوی به  
خانه آورد میشیم ، به پرستاری  
ی پرداختم بالاخره پس از یک  
هفته توانستم که روی پاهایش  
ملند شود .

ز ن و او ل ا د داشتی چ را گذ ا شتی  
که آنها به تو تهمت ناروارابیندند  
و چه مجبور یت داشتی که با آنها  
رفت و آمد نمایی ، آیانمی دانستی  
که از خود ز ن و او ل ا د داری ؟ بین  
اشتباه من نیز در همین بود که  
فریب خوردم ، انسان با تم ام  
شیمان بود و من نیز کو شش  
بیلی او دو بار ه به خانه اش  
زند گیش ، به زندگی خانوادگی  
ش باز گشت و لی آ یا دیگر آن  
عتماد و محبتی که در او ل بین ما  
نکمفر ما بود باز هم و جودخواهد  
اشت با اینکه از کرد ه خود سخت  
هو شیاری که دارد . گا هم فریب



یاقی از شماره گذشته

## جو انان ور وا بطا خانو ا د گی

وقا میل ام نیز به این امر راضی  
شدن برایش گفتم که موافق  
زندگی ما گذشت و ما صاحب سه  
وهفته بعد آنها به خانه ماخواستکار  
فرزند شدیم که دوی آن دختر و  
آخرین فرزند ما ن که یکسال قبل  
بدنیا آمد پسر است.

پسرم هنوز یکساله نشده  
بود که او یک روز با خلق  
و خوی تنگ و با عصباتیت به من  
گفت که دیگر تحمل این زندگی را  
ندارد، بهتر این است که از هم  
جدا شویم زیرا زندگی برایم  
غیر قابل تحمل شده و دیگر نمی  
توانم با این شرایط زندگی کنم.  
برایش گفتم که چه شده، کدام  
موضوع باعث شده که از زندگی  
از زن و از اولاد خود صرف نظر  
نمایی و به تمام مسوولیت های  
پدری خویش پشت پا زنی آیا  
فکر نمی کنی که با این تصمیم  
زندگی خود و خانواده خود را  
تباه می کنی و شیر از هزندگی را که  
ده سال تمام با خوب و بد آن  
ساخته بی از هم می پاشانی؟

هر قدر التماس کردم، زادی  
نمودم، خواهش کدم و حتی  
به پا هایش افتادم، که این کار  
رانکنند به زن و فرزندان خود  
رحم نماید و لی او کمتر شنید یک  
روز بدون اینکه من اطلاع داشته  
باشد، بهر حال با تمام

این ها ساختم و ده سال از  
زندگی ما گذشت و ما صاحب سه  
وهفته بعد آنها به خانه ماخواستکار  
فرستادند بعد از تشریفات که در  
بسیاری از فاصله ها و خانواده  
ها معمول است ما با هم نامزد  
شدم و سه ماه بعد از نامزدی  
ازدواج کردیم، سالهای اول  
زندگی خیلی خوشبخت بودیم.  
ولی پس از سه سال آرام آرام  
شو هر م تغییر کرد نمیدانم علت  
این تغییر روشن چه بود او که در  
ابتدا مرد با رنسیپ وو قوت  
شناس بود در سال های اخیر  
اصلا وقت و زمان معنی خویش را  
برایش از دست داده بود اگر  
میگفت که ساعت شش بخانه می  
آید، و تا نیمه های شب  
به منزل بر نمی گشت، این بسی  
برو گرامی وو عدد خلافی تنهادر  
محیط خانه محدود نماند بلکه در  
دفتر و با دوستان و آشنا یان  
نیز از این و عدد خلافی ها زیاد  
بنمود انسان زود رنج، بهانه گیر  
و بد خلق شده بود نه در  
خانه آرام داشت و نه در شعبه  
از هر کس دوری می جست و  
کوشش میکرد که کمتر تماس  
داشته باشد، بهر حال با تمام



جوانان سا ساعت تعطیل را به مردم  
می گذرانند

کرده اندو یا از روایا تی که نسل  
با نسل از عاشق و معمشوق برای ما  
بجا مانده است و خوانده و شنیدایم  
که همه اش جز وقت را به درسپری  
کردن چیز دیگری نیست ولی طوری که  
گفته مساله ازدواج امری است  
طبیعی و گردن نه نهادن به آن سر-  
بیچی از رسم طبیعت است و این  
چیزی است که کمتر اتفاق می افتاد  
اما راه درست و معقول آنست که هر  
جوان آرزو مند که با شخص اید یا  
خود که توافق روحی داشته باشد  
ازدواج نماید زندگی سعادتباری  
در قبال شان خواهد آمد و لی  
عشق بوطن، عشق به مردم، عشق  
به انسان و انسانیت بالاترین و  
الاترین عشقهاست که هر جوان  
باید بوطن، جامعه و مردم خود  
عشق بورزد.

همانطوری که امروز ما بادیروز  
فرق زیادی دارد فردای ما به مراتب  
از امروز بهتر و شگوفا نتر خواهد  
بود و این نو آوری واز خوب بخوبی  
شناختن، کار انسانی پویا  
است و جوانان بالنه که در زمینه  
نقش حساستری دارند و باید هر  
جوان دانش آموخت، هر نوجوان  
روستا یی که بکارهای تو لیدی  
مصطفروف است و هر جوان دیگر که  
شغل رسمی دارد و یا خصوصی  
مصطفروفیت های سازنده ای را در  
ساعات بیکاری و ایام تعطیل برای  
خود پیدا کند و از راه یا فتن اندیشه  
های مضره و کارهای نا متوجه به  
فکر و دماغ خویش، باید نمودن  
مصطفروفیت هاو مشغولیت های  
مثبت، جلوگیری نماید همیشه با  
اعصابی آرام، درنشاط و خوشی  
حیات بسر برد.

بیشتر اوقات در افکار پوج و واهمی  
غرق می شوند و در بستر خواب که  
باید بخوابند و تجدید انرژی ازدست  
رفته را باز یابند با نهم چرت می زنند  
وزندگی آینده را که هنوز نیامده در  
خيال از نظر می گذرانند بعضی از  
جوانان و نو جوانان اگر دختران اند  
و یا پسران، آنقدر با صطلح چرتی  
می شوند و در رویاها غرق می گردند  
که از مسیر اصلی زندگی جوانی به  
بی راه سوق می شوند و حتی دست  
باعتیاد میزنند و کارهای بی ثمر  
دیگری را در بیش می گیرند که چنین  
جوانان باید محتاط باشند تا معتقد  
بکارهای نادرست و زیان آور  
نکرند.

دلبره و نکرانی و ساعاتی را  
در وهم و خیالات بسر رسانیدن به  
همان اندازه برای جوانان زیان بار  
است گه جبرانشی کار ساده ای نیست  
پس برای اینکه جوانان در آغاز  
جوانی، زندگی شان زیان نبینند و راه  
رفتن شان بسوی افقهای روشان،  
دست خوش بیچ و خم هایی نگردد  
باید هر جوان در اوقات درس و در  
ساعات کار فقط متوجه آنچه باشد  
که می آموزد و یا انجام می دهد، در  
ساعات بعداز کار و ایام تعطیل باید  
جوانان مصروفیت های سازنده و  
کارهای مثبتی را دنبال کنند و طبق  
تقسیم اوقات و برنامه مطربه کار  
های خود را انجام دهند.

اگر جوانان بعداز وقت درس و یا  
در ساعات و روزهای تعطیل مطالعه  
نمایند، ورزش کنند و بالا خر  
محل تردید نیست که آینده بدست

و برای تمام جوانان که از خود  
زن و فرزندی و زندگی خوش  
خانوادگی دارند پیام دارم و این  
اینکه ازت می خواهم که دیگر بیش  
از این باعث سر افکنندی می  
شوند ازت معدتر و بورزن می-  
خانوادگی خویش را تباہ نسازند  
و فریب ظواهر را نخورند.

## مصور و فیلم بکارهای سازنده، از بیو اهه رفتن جوانان حمله گیری نمیکند



علاقة بکار عشق بوطن و همنوع است

کامل بر خوردار باشند، بدون  
تردید آنچه را که در آینده بعده  
ایشان گذاشته می شود و یا قرار  
می گیرد، بدرسی انجام داده می  
توانند.

جوانان و نو جوانان اگر شاگرد  
اند و یا محصل و اگر در روستاها  
بکارهای تو لیدی اشتغال دارند و یا  
در عقب فابریکات بزرگ و کوچک  
بعضًا حداکثر اوقات بیکاری و حتی  
دقایقی از ساعات کارشان را در رویا  
ها سپری می کنند و صحنه های  
زندگی آینده و مسائلی از قبیل  
مساله ازدواج، پیدا کردن شریک  
زندگی جدید و دهه ها مسائل دیگر  
که در آینده با آنها رو برو می شوند،  
ورزش جوانان را از بسیاری کار در  
فکر و اندیشه شان خطرور می کند  
که حتی برخی از جوانان آهسته آهسته

جوانان و نو جوانان قشر سازنده  
فعال جامعه اند، هرگاه این قشر  
فعال و نیروی سازنده در خدمت  
سینما و جامعه باشد بدون تردید  
آنکه نوین از نیروی بزرگی بر-  
خوردان است که هیچ نیروی یعنی  
تحراف دهنده و اغواگر سد راه آن  
که جامعه شده نمی تواند.

آنها محل تردید نیست که آینده بدست  
جوانان و نو جوانان می افتد، آینده  
یکه از امروز با چهره نوینش فرق  
نمایندی دارد و این جوانان و نو جوانان  
بامن که باشند که گردانند چرخهای  
اقتصادی و اجتماعی جامعه بعده  
دراشان قرار می گیرد. پس به هر  
لدازه که جوانان امروز از نیروی  
کار سازنده و لیاقت و کفايت



از اینکه اینها باز می‌دارند  
که حتی برخی از جوانان آهسته آهسته



پدرجان : اگر مادرم هم در بین آنها میبود شما هم می توانستید با آنها صحبت کنید

## کهمانده بود برنده شوم

در جریان یک تمرین بر تاب فراشوت از طیاره یکی از چهار بازان از بخت بد روی یک درخت بالoot نتومند فرود آمد و من شاخه های انبوه آن گیر آمد . بعدتر برای رها یی خود دست و پا زده چون نتیجه ای نگرفت دهقان نی را که در آن نزدیکی بود صدا کرده او کمک خواست .

دهقان از شنیدن صدا ، زیردرخت آمد و چون اورا بالای درد دید با تعجب گفت :

- او مرد ! در آن بالا چه کارمی کنی ؟  
جتر باز از آن بالا جواب داد :

- بد شا نسی آوردم . چیزی نمانده بود که در مسا بهه برند شوم :

دهقان فکری کرد و گفت :  
- حالا هم برنده شدی ، چون این طور که من می بینم تو او لینه هستی که بدون اینکه از درختی بالا رفته باشی میخواهی از پایین بیایی !



مثل اینکه زلزله شد .  
- نی بابا پسر همسایه ما جازمیزند ؟

## خنده خنده خنده

### برای شما انتخاب کرد ۱۵۰ ایم

#### امیدواری ما همیگیر

مردی کبی خا موش در لب رودخانه ای نشسته و توری ماهیگیری خود را در آب انداخته بود و ساعتی بعدین ترتیب گذشت زنش سراغ او آمد و گفت :

- عزیزم تاحال چند تا گرفته ای ؟

مرد سری تکان داد و گفت :

- اگر این یکی را که فعلا دور تور میچر خد بگیرم و بعد یکی دیگر میتوسد دو تا !



علم صاحب بخدا راست میگوییم این زاغ دروغ میگوید من به خانه هیچگسی را آزار نداده ام

## خواندن آن سخت است

ریل به سرعت در حرکت بود . در یکی از اطاق های کوچک ریل دو مرد در گنار هم نشسته بودند که یکی از آنها سخت سر گرفت خواندن روزنامه بود . بعد از مدتی دو من به طرف او برگشت و گفت :

- معذرت میخواهیم که چنین سوالی می کنم !  
شما من خواهید روزنامه بخواهید ؟

- پلی . خودتان می بینید .

باز هم معذرت میخواهیم که بی احترامی میکنم اما مثل اینکه روزنامه را معکوس گرفته اید .

- درست است . و اگر بدآ نیدچقدر خواند نش سخت است .



عزیزم عید تو هم مبارک !!

## احتیاج به تأمل فدارد

چنانکه می دانید مردم جز بیوه کرسی در اروپا به تبلی شیرت دارند و این حکایتی در این زمینه است . دونفر دوست در آفتاب لمیده بودند و در باره کار کردند و کار نکردند صحبت می کردند در این بین مردی که بسیار راهنمایی و آرام قدم بر میداشت از مقابله با شان گذشت یکی از آنها او را صدای گرد و گفت :

- می خواستم سوالی از تو بکنم حاضر هستی در بندر گاه کار کنی؟ مرد فکری کرد و گفت :  
چه کاری؟ شاید تخلیه کشتی ها ، ابداً حاضر نیستم چنین کاری بکنم شاید عقل خود را از دستداده باشی؟  
ولی اجرت خوبی میدهند . روزی پنجاه فرانک .  
- حاضر نیستم .  
- اگر روزی صد فرانک بدهند چطور؟  
باز هم حاضر نیستم . نمیخواهم به این زودی جوانمرگ

شوم .  
- خوب ، با روزی پنجاه فرانک چطور؟  
مرد چند لحظه به فکر فرمود و گفت این پیشنهاد احتیاج بقدری تأمل دارد . باشد . برای چند روز یا این اجرت حاضرم .  
آنوقت مردی که این پیشنهاد را گرفته بود به طرف دوستش بر گشت و گفت :  
دیدی؟ بخلاف آنچه می گویند مردم کرسی آدمهای تبلی نیستند فقط کسی دستمزد دریافت به آنها نمی دهد .



بدون شرح



واه پیراهن من بهجان آن ....

## فکر پدر را فه

هربی و رزشی با یکی از دوستات  
نش درد دل میکرد  
بلی ، واقعاً بد روز گاری شده  
است .

روز بر روز زندگی کرد نسخت  
ترمیشود برای اینکه پسر مبتوازد  
در زندگی از خودش دفاع کند  
هفته دو بار به او تعلیم بو کس می  
دهم .

دوستش گفت :  
فکر نمی کنم کار درستی باشد  
واگر با یک نفر قوی تر از خودش  
روبرو شد .  
- فکر این را هم گردد ام . هفته  
ای دوبار هم به او تعلیم دو صدمتر  
دویدن را هم میدهم .



وقتیکه وزن بردار سرمهشود



عجیب روزگاری شده هاتمام سکی  
خود را گرفته حالا دیده می شود که  
بهار شده است

## در وقت تنهجه‌گی از آب جوی مینوشید

دهقانی که تازه گاو ماده ای خریداری کرده بود یک روز صبح متوجه شد که حال گاو شوخ ب نیست . پیو را بیطار را آورد و او بعد از معاینه گفت :

چیز مهمی نیست . من دوایی می نویسم که گاو شما باید روزی دو قاشق سو بخوری از آن بخورد .  
کشاورز با پریشا نی گفت :  
- ولی گاوها قاشق سو بخوری ندارد . هر وقت تشنگ باشد از سو حوض آب میخورد .



اوہ فن: برای تو قول می دهم  
که هرگزی برای تو گفته غلط است  
زیرا من سکرتر ندارم

## وقت آنرا خودم تعیین میکنم

مردی را به اتهام قتلی محاکمه و به اعداً محکوم کردند .  
وقتی روز اجرای حکم فرار سید واردا برای تیرباران برداشت مطا - بقی معمول به او گفتند .  
- آخرین تقاضای خود را بگوید این لحظه آخر چیزی نمیخواهی؟  
- چرا . دلم میخواهد یک گیلاس شامپاین بنوشم .  
بسیار خوب انجام این کار بسیار آسان است .  
بلی . اما میخواهم تاریخ تعیین آن را هم خودم انتخاب کنم .

# بیانات های شرمنا

# جواز

سلام علیکم خوانندگان و همکاران شماره اورد . برای هزینه اطلاع به شعره عزیز :  
به امید سلامتی عزیزان ، شروع میکنم به «شعر نجوای انسان به انسان» را بخوانید و مضمون را جال کرد .  
واین را نیز بگویم که وضع قواعد شعری کشود ، مجله محبوب ویگانه تشریف هفتگی پاسخ ناده ها .  
تصویرت جامع تعریفی از شعر و ادب ارائه شده به خودی خود عذر خواهانه بی نیست . ذوقی خواندنی مردم ماست که مطابق معمول دوست عزیز حسنه آزاد هش است .

میتوان با تعریف و گفتم شاعرانه «شکل زاده طلبگاریم .  
مجله زوندون ، با داشتن سایه زیاددر

«واین را نیز بگویم که وضع قواعد شعری کشود ، مجله محبوب ویگانه تشریف هفتگی پاسخ ناده ها .  
تصویرت جامع تعریفی از شعر و ادب ارائه شده به خودی خود عذر خواهانه بی نیست . ذوقی خواندنی مردم ماست که مطابق معمول دوست عزیز حسنه آزاد هش است .

و حالا همیشه به تختیت شعر گوی زبان ذوقمندان ازرا ورق میزند و مطالب آزرا از همکار همیزان ها مینویسد : «اولتر از همه

سلام بر حوارتم را به گار گنان مجله زوندون باب شعر سخنان با ارزش هایا گوشکردا ، بزیدن هرچه را میداند که گوینده عمان شعر

گاهی پناهگاهی و حصول آگاهی از اینکه در جهان افسوسی چه میگذرد ، از علم

و دستور آن چه خبری است ، در جهان بی

بسیار ادبیات ، هنر ، سیاست ، اقتصاد و

دانش اینها چه های میگذرد و چه گل های سکنه

و گدام از مقام های بی بدل برای انسان این

فرن ، انسان بیش رو و گوش دیگر و دار

های خود را کنند اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی

و تغییکی بیش کش میکند ، بایست مجله را

بر داشت و عور کرد .

مطلوب منتشره مجله زوندون آگاهی دهنده

رسان گرم کنندگ است ، تازه است و در زمینه

های مختلف ، اما با از هم زدن قابل یاد آوری

است که که گاه آگاه مضمون و مطلبی تکرار

است و اقتباس ناجائز .

تکراری و اقتباس ناجائز بدان جای است که از

نشریه های دیگر با اندک تغییر در کلمات و جملات

از طرف نویسنده چهاره دست در فرن (آبدل و

نفس) کلمات باز نویسی میگردد و بیچاره

مضمون که مغز و گفتم اصلی را از دست میگیرد ،

وهم گاهی روح و جانش در زیر فشاره های

قلم نویسنده و یا بهتر بگویم نقل کنندگ چرم

دست از دست رفته ، بازیه حلیه طبع از اسسه

گشته و بخود خوانندگان داده میشود که

وای بحال سان .

با کمال تأسف و تالم باید گفت که چنین

انسخاصل هیچ زحمتی بخود روانداشته بلکه

چسته جسته مطالب ، بروگراف ها و حتی

صفحات کتب و نشریه ها را بیرون نویس

مینمایند و بیون کدام تضمین و تذکری بشکل

با سلام عرض شود که نامه بی تاریخ گرفتیم

وقاله در میاورند و با پر رویی که خاصه شان

و بر خوانندیم ، قصه عمان قصه معروف . آذی

است ، نامبارگشان ادار حاشیه آن باخط دوست

مال و احوال دنگری را در بود است منشی با این

مینگارند . نا آگاه از اینکه «بارجع بمنزل

تفاوت که آفتابه دزدی نکرده ، بلکه نوشته . نویسندگان

دزدی گرده است و این چه بد کاری است . قابل تذکار است که اینکه نویسندگان

دزدیدن احوال فرهنگی کسی . هایا و در نداده . و یا بهتر بگویم دو باره نویسان و یاقلم

که همکار ارجمند های حیرا ، دست به چنین بستان خوش خط ، بدو گونه اند :

مختلف کار ادین را بپلو به بپلو قرار

سرقشی دراز نموده باشد . دعا من گفتم که

یکی اینکه میدانند که میگشند و چه عملی را

میدند بجای استلال های عرفانی درباره شعر

نام شریف همکار های دروازه نادیخ سرت

هر تکب میشوند ، آنها با وجودیکه نویسندگان

به گمک این وسیله میتوان به مسله تزدیک ادبی نقش نکردد . آمین . بخوانید نوشته

شاعر . هنرمند و غیره اند ؟ بازنگی و چاگی

بیشکی و طبیعت است از جنس نثر نایاب

شدو گفت که اکنون زمان آن رسیده است که

تاریخ و باسخن را از حیرا نکبت دستگیر

بینظیر نشریه های خارجی ، بخصوص نشرات

فارسی را جویده و تقالیف آن ابروی کاغذ می دیزند .

زوندون

شماره اورد . برای هزینه اطلاع به شعره عزیز :

به امید سلامتی عزیزان ، شروع میکنم به «شعر نجوای انسان به انسان» را بخوانید و مضمون را جال کرد .

واین را نیز بگویم که وضع قواعد شعری

کشود ، مجله محبوب ویگانه تشریف هفتگی

پاسخ ناده ها .

تصویرت جامع تعریفی از شعر و ادب ارائه شده

به خودی خود عذر خواهانه بی نیست . ذوقی خواندنی مردم ماست که مطابق معمول

دوست عزیز حسنه آزاد هش است .

اما از زونون بر همه بی انصافی است اگر در دری . قدیمترین نظام بای شاعر زبان دری .

باب شعر سخنان با ارزش هایا گوشکردا ، بزیدن هرچه را میداند که گوینده عمان شعر

معروف است که به غالب کمان آنرا خوانندگ است :

«کار آموزی در کار شعر آن نیست که باد اید :

بگیرم چگونه نوونه شخص و بحدودی از

آنار شعری تدارک بیشتم بلکه مطالعه و

بررسی وسائل همه جایه کار شاعری است .

و سهی رو سید است .

نارخ سرودن این شعر را به سال یتجاه

ویک هجری نسبت میدهد .

\* \* \*

اما در باب شاعر سدن تان ؟ استعداد قابل

شاعر زبان دری را معرفی دارید و بگویید در

کدام قرن میزیست ؟ به نظر شاعر اعظم کدام

کتاب ها به شعر سرایی ام کمال میگند؟»

شعر و ادب را برای تعریف گنید و آنگاه اولین

باشگاه از زبان دری را معرفی دارید و بگویید در

شود که تعریف های گونانوئی در باب شعر

است . ابوعلی سینا میگوید : «شعر سخن

باشد به سبکری بهای غیر علاقه ای شاعری

پایان داد باید وقتی قلم بدست بگیریم

که چیز شعر و سیله تبین و تشریح دیگری

است خیال انتگری که از اقوال هوزون و مساوی

ساخته شده باشد . خواجه نصیر طوسی

میگوید : «صنعت شعری بلکه ای باشد ...

و اطلق اسم شعر در عرف قدما بر معنی دیگر

بوده است و در عرف متاخران بر معنی دیگر

است : ... و آن این است که گوینده شعر

را باید در مرکز واقعی و

رویداد ها باشد .

کلام است مدخل .

\*\*\* در عرف متاخران کلام هوزون ملقن (در نظر

باید فرضیه اقتصادی بداند ، زندگی واقعی

اشنا الله دست می گیرد و موضعی تاریخ نفوذ کند .

را بشناسد . در دید علمی تاریخ نفوذ کند .

اینها برای شاعر ، خواه آن سخن

بر هانی باشد و خواه خطا بی ، و خواه صادق

میهتر از کتابهای حقیر قرون وسطای اساتید

و خواه کاذب \*\*\* آنرا شعر خوانندگ اگر

خیال است که افکارگذرنگ ابدیت

از وزن و فایده خالی بود و اگر چه مغایل بود

آن را شعر نخواند و اما قدما شعر کلام مغایل

را گفته اند و اگر چه هوزون حقیقی نبوده است

وجیز اجراء شود باید بیشتران طبقه خود بود ،

باید با این طبقه بود و در همه جهات جنگید .

باید افسانه هنری انتسابه سیاست داریزیزیز کرد .

«قضایتی های بینی بر اتفاق و تصادف ، داور

های افراطی ، ابراز سلیقه های بی اساس

عنکبوتی دور دیگه می شود که هنر را از

دید گذاشت و مصنعت بیشتم تبا این دیده انواع

مغایل است . درست به نظر همیزی آید .

نظم شعر ، ارسطور : «اصل شعر را در

معنی و مضمون آن هی جوید و صورت شعر را

که مقدم به وزن و قواعد دیگر نظم است جزو

هایتی آن نمی شمارد و معتقد است که بسیاری

از سخنان منظوم را که موضوع آن هاشی المثل

به گمک این وسیله می توان به مسله تزدیک ادبی نقش نکردد . آمین . بخوانید نوشته

شاعر . هنرمند و غیره اند ؟ بازنگی و چاگی

بیشکی و طبیعت است از جنس نثر نایاب

شدو گفت که اکنون زمان آن رسیده است که

تاریخ و باسخن را از حیرا نکبت دستگیر

بینظیر نشر نایاب

فارسی را جویده و تقالیف آن ابروی کاغذ می دیزند .

\* قصه همان قصه معروف . آد عی مال و اموال دیگری را بوده است ... \*

... این چه بد کاری است دزدیدن اموال فر هنگی کسی ....

\* میز شته از همه ما یه تا سفر در اینجاست که در سرقت علمی با ادبی شریکی نیز برای خود بتراشیم ....

\* ... بار کج به منزل نمی رسید و با گفتن حلو دهن شیرین نهیگردید ...

\* هنم پهلوان سر دیگر آش که قوم پشه را کنم پاش پاش ....

\* — وبالا خره سخن بر سرسر قت است . \*

هر یار هم یک شاید دیگر ، که عنده باید گذشت از همه های تأسف در اینجا است  
بندر خواهند بود که نویسنده « عقد حقارت » که در سرفت علمی یا ادبی شریکی نیز برای  
جیست ؟ زوندون ، داشت آموز رشته روان خود بتراسیم چنانکه در این مقاله با دیواره منت  
روانشناسی پو هنخ تعییم و تربیه پو هنخ شنون نشنسی است .

کابل جناب شده است . زیرا حمیرا دستگیرزاده  
که جزو ها و باد داشت های درسی اس را  
بصورت مقاله ترتیب نموده و یا محترم استاد  
این رشته هی باشد که مقاله هذا از جنگده های  
علمی خویش هم تایید آن دانشکده را زده  
است ، من نمی دانم که دیواره منت دانشکده

با او موافق است یا نه ؟

اگر چنین نیست پس چگونه من توانم بود ؟  
صرف نظر از اینکه این چه ، و آن چه بگذرد ،  
باید یاد آور شوم که دستیازی به چنین اعماق  
شناشایی قبلی ندارم ، ولی اینقدر من دانم که  
نه تنها باعث خرد و خیز شدن هر تکین آن  
این مقالات از تجربه و فراورده های هنری  
نموده بگردید بلکه دست اندازی و بازی است به آب  
و وقار ادب ، علم و فرهنگ کشور و نویسنده  
هاش .

من ببرایه سخن آنکه اگر روزی بشتمه ها  
و تحقیقات چنین و یا اقتباس عای جناب بدمست  
مردمان اهل فهم خارج از کشور بر سر ، قضایت  
آنها در حق ها چه خواهد بود ؟ و برای ها و نسل  
نویسنده کیست و چه مسوولیت های دارد و با  
اینکه دانسته تجا هل عارف نموده اند و یا  
پندانسته که دیگران در خواب مخلص اند و یا  
از این چیز ها نمی فهمند . بعیدی ها اشتباه  
بر سبیل هنال :

ابر مردان علم و ادب و هنر و فرهنگ ،  
مولانای بلخی ، ابن سينا ، سنایی ، غزنوی ،

جامی ، علیشیر نوایی و ...

ولی خواست زمان و تقاضای مردم از داشت  
استان دارد . شاهد صادق و گویا کتابی  
روانشناسی برای همه « نویسنده اندوارداستگر ،  
انست ناعلم و فرهنگ را بازیجه نه اکاریم ،

کنت آبل و جون آبل ، روانشنا سان امریکایی  
و اگر دل ما خواست وذوق نویسنده به سر ما

من باشد که ترجمه مشق عمنانی است . زد ، بایست آثار معتبر را درزیمه های  
کسانیکه با مطبوعات همکاری دارند و یا  
نشرات را تعییب مینمایند ، بگمان غالب بانام  
طبوعاتی صفحه لیشان ، آذراه ۱۲۴۵ ، چایخانه  
و تحقیق ازین قبیل ، خواند و مطالبی از آن  
آفست هر دوی . اصل کتاب در ۳۳۳ صفحه بدن  
پرسته و مقدمه ها از آنکه دیگر مطالعه

پاش ، نه « گلخ بگذار و ازاب بگذر » .

در دل در اینجاست که به اصطلاح نویسنده  
محترم مقاله « عقد حقارت چیست ؟ » مجله  
زوندون مطالب برای صورت پراگته و عقاید صفحه  
دور داشت ها بر روزانه همکنند ، هماید را جمع آوری  
کتاب مذکور را نکرد و بعده آنها ایشان را  
ترتیب نموده و شکل مقاله در آورده است .  
حال ریخته . زیرا اشخاص فیلم و باخیر از علم  
دانش و صاحب مطالعه میدانند که نویسنده

سالها باید که تایلک سنت اصلی ز آفتاب  
لعل گردد در بد خشان یا عقیق اندیمه  
عمر ها باید که تایلک گوکی از روی طبع

عالی گردد نکسو ، یا شاعر شیرین سخن  
سبیل تیجه من توام بگویم که این مفسون  
فصلی از آن کتاب ۳۳۳ صفحه بی است و بعضی  
بدیرش و تایید شده و بس .

و با این نامه یی جنجال بر انگیز ،  
گلیم جواب نامه های این هفت راهم  
ورهنمون و رهنمون طالب العلم گردیده است .  
دستگیر زاده نگاشته میشد نا اینکه نویسنده .

بلی ایشان نه تنها به این عمل و عوایض  
نویسنده من شاعر و ... نعم پهلوان سردیک طرز کارشان متوجه ساخته تمیزمند بلکه  
پادشاهی بنام حق از جمیع دریافت مینمایند که آن - که امروز پیش راکنم پاش باش .

است که نشریه و کتابی نو طبع شده را که زشت و نایسنده نیز میباشد . و درنتیجه نه  
ناهنجوز بدمست دیگران نرسیده بمجرد بدست نویسنده بی میشوند و نه حق و بیزد هشگردی  
اوردن در گاو صندوق محفوظ میدارند و آهسته  
آهسته و اندک اندک از آن برون نویس نموده

در چند نقل ، یکی را به رادیو - تلویزیون از این قهقهه نویسنده اگر زیاد نداریم  
دو دیگر را به مجلات و روزنامه های میفرستند .

بعد ما آنرا در روزنامه یا مجله میخوانیم یا از  
مقاله زیر عنوان باخط درست « عقد حقارت  
لا بلای امواج رادیو - تلویزیون میشنون و  
آنکه شادمانه داده میزیم که جنگده نویسنده بی  
خواست برها . وجه بسیار از این نوع مقالات ها

که خواندم و شنیدم . نویسنده هایش را  
بررسکوی شیرت و هستند عجوبیت تکیه دادیم  
آنها از چنین شیرت دروغین لذت برداشده اند  
نمودند و بیوای چند بنام حق از جمیع به جیب  
اندوختند .

مکر زمانیکه منبع اصلی بدمست دیگران  
و یقیناً استادان چیز فهم و دانشمند دراین  
دیگران میخواستند مشغول تدریس و تعلیم جوانان  
و هی بینیم که آنها بوشالی بوده اند ، درمقابل  
جزی نداشته واز باز هانده های دیگران تقدیمه

نموده اند .

این نیشته از نگاه زبان و نحوه بیان خوب  
و چه بجا ، استاد سخن و ادب سعدی میفرماید:  
ما خدش دار بمنظار میرسد و زمانی هم مقاهم  
نا هر طبق و پراگته است . علت چیست و نفس  
کار در کجاست ؟

کسانیکه با مطبوعات همکاری دارند و یا  
نشرات را تعییب مینمایند ، بگمان غالب بانام  
نویسنده محترم « عقد حقارت چیست ؟ » چندان  
بنطق آدمی بهتر است از دواب

آنکه ندارند واز این چیزهای دیگر مطالعه  
دانشمند ، درگ تکرده اندکه نویسنده گیست ؟

واما گروه دیگر ، کسانیست مبتدی و نوگار  
که نویسنده بودن ، شاعر و محقق شدن آذرنوی  
شان هست و بحق آرزوی نیکی است .

مگر بعلت آنکه مبتدی اند و مایه و اندیخته  
کافی ندارند واز فن نوشتن و تحقیق جنگی  
نمیدانند ، درگ تکرده اندکه نویسنده گیست ؟

وکار محقق بجهونه است ؟ بس بدین علت  
هوینداست غر کتاب و نوشته بی بدمست شان  
رسید ، شست از آن را ویا نسخه ، نسخه  
و هنری ، سمارقی بوجود نیاده اند ، آنها  
میزون نویس مینمایند و یا اینکه جملات و کلمات

از را تغییر میدهند ، بعد آنرا بدلت روزنامه  
و مجله میفرستند تا باشد بحث نویسنده  
شیرت کسب نمایند و حق از جمیع بدمست  
آرند .

## نوایی

بیا گه هاف میخانه ، دوش پنهان گفت  
بعن حکایتی ز سر می ، کسه توان گفت  
چو گشت و اف از این حال ، بیش باده فروش  
هیم به آتشیه دادو بلطف و احسان گفت :  
که ای ، گدای خرا با ، نامیده باش  
خر ، که ها تف غم آنجه باید آن گفت  
از آن ز هان گه د لم ، نشایافت از می عشق  
بغوشتن همه د شوار د هر ، آسان گفت  
براه ، از سخن پیر د یسر افتادم  
که شیخ خانقه این نکته ها ، دگر سان گفت  
از آن ، به لاله خون شده درونم سوخت  
که درد خون دل و رنج داغ هجران گفت  
حدیث بستن ز نار و بت پرسنی من  
بخلق ، عاقبت آن شوخ نامسلمان گفت  
چو دل ، ز زلف وی آشته بود ، از خاکش  
هر آنجه پر سه نمودم ، همه پریشان گفت  
کسی خلاص ز گرداب غم شدای فانی  
که زیر دور فنك ترک اهل دو ران گفت

## حافظ

و

## نوایی

پیرانه سرم عشق جوانی بسرا افتاد  
و آن راز گه در دل بشفتم بدرافتاد  
از راه نظر هرغ د لم گشت هوا پیر  
ای دیده نکه کن گه بدام گادر افتاد  
در دا گه از آن آ هوی مشکین سیه چشم  
جون ناکه بسی خون د لم در چگر افتاد  
از ره گذر خال سر کریشما بود  
هر ناکه گه در دست نیم سحر افتاد  
هز کان تو نایخ چبا تکیر پر آورد  
بس گشته دل ز نده گه بس ریکدیگر افتاد  
بس تعرب گردیم د دین د برمکا فات  
با درد کشان هر گه در افتاد بر افتاد  
مگر جان بد عد سنگ سیه لعل تکرده  
با طینت اصلی چه گندیدگیر افتاد  
حافظه که سر زلف بستان دست گشش بود  
بس طرفه حریفیست کش اکنون بسر افتاد

## حافظ

شنیده ام سخن خوش گه بیرون کنون گفت  
فراق یار نه آن می گند کسه بتوان گفت  
حدیث هول قیامت گه گفت واعظ شیر  
کناییست گه از روز گسرا هجران گفت  
نشان یار سفر گرده از گه پرسمراست  
که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت  
لغان از آن مه گا همیر بان دشمن د و سرت  
گه ترک صحبت یاران خودچه آسان گفت  
من و مقام ر فنا بعد ازین وجود ر قیب  
که دل بدرد تو خو گرد و ترکدار هان گفت  
گره بیاد هزن و د چه بر هر ۱ دوز د  
که این سخن بعثیل باد با سلیمان گفت  
هزن ز چون و چرا دم گه بندی مقبل  
قبول گرد بجان هر سخن کسه جانان گفت  
بمهلتی گه سپریت د هد ز راه هر رو  
ترک گه گفت گه این زال ترک میان گفت  
که گفت حافظه از اندیشه تو باز آمد  
من این تکفته ام آ نکس گه گفت بپیشان گفت

## نوایی

د یکر ز می کهنه ، خا لیم بسر افتاد  
خواهم ز سر نو بخرا بیان در افتاد  
آ لوده شد آن لب ، ز می لعل جگر گون  
ذین د شک ، چه خو نبا کسه هرا در جگر افتاد  
آن نخل ، گه هر لحظه بمن سنگ جفا زد  
هائند د ر ختیست ، گه از وی تهر افتاد  
از عشق تو ، بر هر طرفی بر قبلا جست  
از آتش سو زنده ، بسیر سو شر افتاد  
با کهنه سفال در میخانه نهستی  
کوته نظر آن چشم گه برجام زد افتاد  
در هاله خط روی تو ، رنگین چو شد از می  
زان رو ، چه بلاها ، گه بدور قمر افتاد  
فانی ، زیبا بان فنا سوی عدم درفت  
سو دای د هانت بخیا لش مگرفت افتاد

## حافظ

### نوایی

بیا که لشکر دی : خیل سبزه خارت گرد  
سوی باده ز بیخ ، شو شه هاشارت گرد  
زباده چوی حرارت ، که رفت آن آتش  
بکرم رو بی خود ، د عسوی حرارت گرد  
بریم د فتر و سجاده ، بپرسی سوی د پر  
که سود گرد ، هر آنکس که این تجارت گرد  
خوش آن کسیکه درین فصل ، تو به چون بشکست  
گناه خود بشکست خو دی کفارت گرد  
شراب گشت باما ، باخت خرابی ها  
خداش خیر د هاد ار چه پسرسراحت گرد  
هوای هیگده ، عشرت فراست باده فروش  
مگر ، به آب می این خانه راعمارت گرد  
زلون زهد ریایی ، معا شری شد پاک  
که بپرس سجده ، با بریق می طهارت گرد  
جو سر بکوه و بیان نهی ، دلی در باب  
که یافت حج قبول ، آنکه این زیارت گرد  
ز لطفه بگذرو معنی طلب کن ، ای فنا نی  
که اهل معنی ابا ، ز آفت عبارت گرد

(۱)

آنک رخسار ترا رنگ گل سرین داد  
صبرو آ رام تواند بمن مسکین داد  
و آنک گیسوی ترا رسم تطاول ا هرخت  
هم تواند گر هش داد من غمگین داد  
من همانروز ذ فر هاد طمع بپریدم  
که عنان دل شیدا بلب شیرین داد  
گنجع زد گر نبود گنج قناعت با قیست  
آنک آن داد بشما هان بگدا بیان این داد  
خوش عرض و سیست جیان ازره صورت لیکن  
هر که بپیوست باو عمر خودش کاوین داد  
بعد ازین دست هن و دامن آن سروچمن  
خاصه اکنون که صبا هزاده فروزدین داد  
در کف غصه دو ران دل حافظخون شد  
در فراق رخت ای خواجه قوام اللهین داد

### نوایی

صیخگه ، مفجعه ام ، جام هی رنگین داد  
و انگه هم ، هزاده بیں بردن عقل و دین داد  
در گشیدم ، می رنگین چیز دستش فی الحال  
غیر عشقش ، بیمه رنج د لئم تسکین داد  
جا نفشا ندم ، که د هد جامد گر جانش فدا  
که صدم جان ، ز می لعل لب شیرین داد  
کوس شاهی ، چه عجب گرزنه اند کوین  
زان دو جام ، که چنان حسون پری آین داد  
فارغ از ، جلوه حسن گل و نسرینم گرد  
آنکه رخسار تو را رنگ گل و نسرین داد  
می گلرنگ ، خوش آید ، برح همچو بهار  
خاصه اکنون که ، صبا هزاده فروزدین داد  
داد ها خواست ، ز عیزان دل فانی چه بلاست  
شاه ظالم ، که بگو شش نرسد چند بین داد (۱)

## حافظ

دست در حلقة آن زلف دو ناتوان گرد  
تکیه بر محبد تو و باد صباتوان گرد  
انجه سعیست من اندر طبیت بنشایم  
این قدر هست که تغیر فضا نتوان گرد  
دا من دوست بصد خون دل افتاد بدست  
بغسو سی که گند خصم و هانتوان گرد  
عاد فشن دا بمثل ماه فلک نتوان خواند  
نسبت یار بپرسی سرو بیانتوان گرد  
سر و بالای من آنگه که در آید سماع  
چه محل جامه جانزا که بیانتوان گرد  
من چکویم که ترا ناز کی طبع ملول  
تا بعدیست که آهسته د عانتوان گرد  
غیر تم گشت که محبوب جها نی لیکن  
روزو شب عربده با خلق خداتوان گرد  
نظر پاک تو اند رخ جا نساند بین  
که در آینه نظر جز بصفاتوان گرد  
مشکل عشق نه در هو صلیمانی هاست  
حل این نکته بدین فکر خطاتوان گرد  
جز ابروی تو محراب دل حافظ نیست  
طاعت غیر تو در مذهب مانتوان گرد

## حافظ

بیا که ترک فلک خوان رو زه خارت گرد  
علال عیسی بدور قدح ا شارت گرد  
نواب روزه و حج قبول آنکس بسرد  
که خاک میکند عشق را زیارت گرد  
مقام ا صلی ما گوشه خراب است  
خداس خیر دهاد هر که این عمارت گرد  
نمای د ر خم آن ا بر وان مغاری  
کسی گند که به خو ناب دل طهارت گرد  
بیهای باده چون لعل چیست جوهر عفل  
بیا که سود گسی برد ، گسین تجارت گرد  
فغان که نر گس مغمور شیخ شهر امروز  
نظر بسدرد کشان از سرخوارت گرد  
حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ  
اگر چه صنعت بسیار در عبارت گرد



# فیل در

## دو سیمه

به فرض اینکه سو یکا هم  
تراضی نکند فیل به چه دردش  
خورد؟ اطلاع و باز به خاطر آورده  
ست هم کو چک است و او محلی  
ای تکه داری فیل ندارد، هنوز  
آن را از کله اش بیرون  
نهاده از کله اش کنتر از یک  
رسانید نخواهد بود.

صابون پز که در این افکار غم  
گیز دست و پا میزد به سوی خانه  
من روان بود یاشت سر او فیل که  
کنایی به گردان داشت مو قرا نهاد

یکروز نیز فیل مقداری فراوان  
آب را در خر طوش جمع کرد و  
آن را از راه بینجره به درون اتاق  
همسا یه ریخت طوری که همه تر  
شدند و خساراتی زیاد به پار آمد

و همسا یه نیز به اداره پولیس  
شکایت کرد. نیچکوی بیچاره دائم به سر  
میکو فت و خانم سویکا که به  
وظایف همسری خود آگاهی کامل

داشت در این کار به او کمک میکرد  
یعنی او هم با مشت به سر شوهرش  
میکوشت.

فیل را چه کند بفرموده، کسی  
برگشته خبر نداشت و در منزل  
ما ختار او را میکشید، خر طوش  
نمیکند نمیداد نیچکوی بیچاره  
جور میشود در برابر همهی مردم  
لش فیل را بازی کند اما او با  
گلوستفاده از فرستاد منا سب با  
اکسله به زنش تو ضمیح داد که از

فیل گرانبها ترین صابون هارا  
کند و همین کار را هم کرد اما  
داستان به همینجا خاتمه نیافت  
چند ساعت بعد از ورود او به خانه  
به شدت در ب منزل را گویند و  
چون نیچکو آنرا باز کرد پولیس را  
دید در حالیکه طناب فیل را به  
دور بسیار جدی خود را گرفتار  
داشت دارد و فیل نیز در عقب  
او با نگاه ملامت گشته اش او را  
دشوار قرار گرفته بود:

ها ندانش . در شهر او را نیچکوی  
فیل لقب داده بودند و به مناسبت  
حماقت و بدینختی اش هزارا نپرده  
وداستان شا خدار برایش ساخته  
بودند ، در خانه هم سو یکا که  
نیچکو بالا خره مجبور شده بود به  
وی اعتراض کند که از بیه فیل همچ  
نوع صابونی تهیه نمیشود روحش  
را سو هان میزد.

واما فیل مثل همهی فیل ها بود  
یعنی کاری به کار مشا جراحت خا  
نوادگی نداشت و مرتب خساراتی  
را به ارباب وارد میساخت :

آنچه را که به چشممش میخورد  
می بلعید . تمام محوطه هویلی را  
اشغال کرده بود به طوری که  
جایی برای عبور وجود نداشت  
برگهای درخت توت را کند و  
آنرا به شکل مرغ پر کند و بی در  
آورده بود . نیچکو معمولاً صابونهای  
خود را پشت بام کوتاه خانه اش خشک  
میکرد فیل این صابون هزارا تکه تکه  
بر میداشت و آن را به سر بچه هایی  
میکو بید که از روی پام هادیت شد  
میکردند .

یکروز نیز فیل مقداری فراوان  
بیست گروش از نیچکو حق الوکاله  
گرفت و بعد به او مشوره داد که  
اموالش را هر چه زودتر بشه  
همسرش منتقل کند و بعد سویکا  
فیل را از خانه خارج ساخته و  
خود نیز به شهر دیگری سفر  
کند .

را هنما بی مدبرانه بی بود و  
نیچکو نیز به آن عمل کرد .  
بعد از ظهر هفت فقره اخطرار یه  
کوتاه به او رسید که همه هم  
فوریت داشت و او را متوطف  
میساخت که ساعت هشت صباح

فر داعازم اداره پولیس گردد .  
اما بنا بر تو صیه و کیل  
مداعع به منظور ایجاد پیچیدگی  
بیشتر ، نیچکو به همراهی فیل  
غازم اداره پولیس گردید ، در  
و شیرینی بکند .

ایستای پایا می اند یشید :  
«قو ما ندانی کار مندان زیادی  
دارد و تا دو سیمه دست به دست  
بگردد به امید خدا پیوست شماره  
دوم خواهد مرد ». و اکنون همهی این دو سیمه در  
بست به ایستای پولیس محول  
شده بود ، پس از حل این مشکل  
آقا پایا نیز موفق شد مانند  
نیچکوی صابون پز خواب راحت  
و شیرینی بکند .

ایستای پایا که ما مور رسیدگی  
گرفت و حمل میکرد بنا بر این  
لازم بود برای حل مسأله دشواری  
که به وی محول شده بود به طور  
عازم سفر شد . آقا پایا که ما مور رسیدگی  
به شکایات شاکیان از صابون  
پز و فیل او شده بود اگرچه  
چون نیچکو آنرا باز کرد پولیس را  
دید در حالیکه طناب فیل را به  
دور بسیار جدی خود را گرفتار  
داشت دارد و فیل نیز در عقب  
یافت ، در برابر مسأله بی جدید  
جدی چاره بی بیندیشید .

فیل را چه کند؟ فرض کنیم صابون پز را تو قیف  
کند ، اما فیل را چکند ، آیا او را  
هم تو قیف کند؟ اما این غیر ممکن است ، اولاً به  
اندازه کافی پولیس ندارد و دو  
ماه برای تو قیف فیل مجو زقانوی  
در دست نیست .

آن شب نیچکوی صابون پز  
با آنکه تو قیف بود خواب را حتی  
کرد اما با یا نتوانست لحظه بی  
بخواهد ، تماش سب را می  
اندیشید خوب بالا خره با فیل  
چه کند ، چطور است آنرا به عنوان  
پیوست دو سیمهی نیچکوی صابون  
پز به محکمه بفرستد ، اما مگر فیل  
را میتوان ضمیمه دو سیمه نامید ،  
از طرف دیگر چکو نه با کنی باید  
یافت که فیل با او راق مربوط در آن  
جای گیرد؟ بالاخره صبح راه حل  
اساسی را یافت و دست به کار  
اجرای آن شد :

او با زیر کی صورت مجلسی  
تنظيم کرد و دو فقره پیوست  
ضمیمهی آن نمود ، پیوست  
شماره یک شا مل هفت فقره شکایت  
علیه صابون پز و پیوست  
دو میک راس فیل بود ، آقا پایا  
با حیله گری و موذی گردید که  
یاد داشت خود متذکر گردید که  
اداره قو ما ندانی دارای بیطه  
است و به این ترتیب این بارگران  
را از خود رفع کرده و آنرا به  
گردن قو ما ندانی می انداشت .

آقا پایا می اند یشید :  
«قو ما ندانی کار مندان زیادی  
دارد و تا دو سیمه دست به دست  
بگردد به امید خدا پیوست شماره  
دوم خواهد مرد ». و اکنون همهی این دو سیمه در  
بست به ایستای پولیس محول  
شده بود ، پس از حل این مشکل  
آقا پایا نیز موفق شد مانند  
نیچکوی صابون پز خواب راحت  
و شیرینی بکند .

ایستای پایا می اند یشید :  
و ضمایم آنرا زیر بغلش حمل  
میکرد ، اما این دفعه چنانچه  
میکو شید با فیل نیز همین کار را  
بکند ، ضمیمه خود او را بغل می  
گرفت و حمل میکرد بنا بر این  
لازم بود برای حل مسأله دشواری  
که به وی محول شده بود به طور  
عازم سفر شد . آقا پایا که ما مور رسیدگی  
به شکایات شاکیان از صابون  
پز و فیل او شده بود اگرچه  
چون نیچکو آنرا باز کرد پولیس را  
دید در حالیکه طناب فیل را به  
دور بسیار جدی خود را گرفتار  
داشت دارد و فیل نیز در عقب  
یافت ، در برابر مسأله بی جدید  
جدی چاره بی بیندیشید .

باقیه در صفحه ۵۰

# از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت



## شاعر بزرگی ۲۳ سال در زندان

مسعود سعد سلمان که در زمان سلاطین غزنوی میزیست از جمله بزرگترین شعرای محبوب کشتو رماس است که اهل قلم و شمشیر برو چنانکه علاوه بر آنکه بقول مولف «مجموع الفصحاء» در شعر و شاعر کمتر کسی باید او رسیده لشکر کشیها نیز نموده و در هندوستان فتوحات عمد و نصیبیش گردیده است. گویند وی راسه دیور بود بزبان فارسی و عربی و هندی و دیوان فارسی او مشتمل بر هیج هزار بیت است.

سلطان ابراهیم غزنوی نسبت بود سوژن پیدا نمود و در سن ۵۷۱ او را در حصار نای محبوس ساخت و دوازده سال تمام در زندان بود تا سلطان وفات یافت و وی از نوروز آزادی دید ولی افسوس که این آزادی دولت مستعجل بود و باز چندی بعد دو باره آن بینوارا زندان انداختند. و این مرتبه بیست سال تمام در حبس ماند که رویه مردم سی و دو سال در زندان بوده است. نباید تصور نمود که چون شخد مشهور و بزرگی بوده در زندان با او باحترام رفتار مینموده اند حاشا که چنین باشد و چنانکه خودش گفته است در گوشة زندان قلعه نای در بندو زنجیر بوده و مدام چندتن بر او باستان بوده اند. در همین باب گفته:

\* در حبس و بند نیز ندارم است — وار

تا گرد من نیا شد ده تن نگاهبان  
هر ده نشسته بر درو دیوار سماج من  
با یکدیگر دمادم گویند هر زمان  
هین بر جهید زود که حلیت گری است او  
کز آفتاب پل کند از سایه نردهان

در هیچ وقت بی شفقت نیست کوتول  
هر شب کندزیاد به من برد و پاسبان  
تا هر را که حلقه بند است برد و سای  
هست ین دودیده از خون گویی دو ناودان  
بندم چه باید آهن کامروز مر مر  
بسته شود و دویای بیک تار رسماً

این شاعر بیچاره در حبس اشعار زیاد گفته و شاید دلنشیں تر یار آن اشعار همانا قطعاتی باشد که در شنکایت از روز گار و در شرح عالم‌طلبی رقت آمیز خود گفته است و از آن جمله این ابیات است که از قطف مفصلی نقل میکردد:

از گرده خویشتن پشیمان جز تو به ره د گر نمیدان عی  
تا زاده ام ای شکفت محبوس تا هرگ مکر که وقف زندان تارد  
بر مفر من ای سپه ره ساعت چندین چه زنی که من نه سندان  
گوری است سیاه رنگ دهیزم خوکی است کریه روی دریان  
از همه بدتر آنکه این شاعر بیچاره چنانکه از سخنان خودش استنباط میشود آدم خوشگو و خوشخو و خوشگذرانی هم بود خودش میگوید: «من اهل مزاج و ضحکه زیچم مرد سفر و عصا و ابانم» ولی نکته غریب اینکه با اینهمه بدینخنی و مصیبت که در واقع زندان

## شرح انظریه‌های برو فیسور انسیشنیون در چند کلمه

برو فیسور انسیشنیون عالم مشهور محتاج به معرفی نیست. همه می‌دانند که کشفیات او در زمینه علم اساس بسیاری از معلوماتی را متزلزل ساخته است. قصه شیرینی از او نقل می‌کنند که واقعه شنیدنی است: جمعی از خانم‌ها بواسطه کثیر انتشارات عجیبی که از احوال و اطوار انسیشنیون شنیده بودند خیلی مایل بودند که باوی هم صحبت بشوند و مساله بفرنچ «نسبیت» را از خود او تو ضمیح بکیرند. یکروز خانم‌ها ازوی سوال کردند آقا! برو فیسور ما را از حقیقت کار خود بطوط مختصر مستفیدسازید و تو ضمیح بدھید که بعد چهارم چه فضایی دارد که ما آن را نمی‌فهمیم.

وی در جواب گفت:

«دونفر گدا روزی در خیابان با هم دیگر قدم میزدند که یکی از آنها کور و دیگری بینا بود. گدای بینا بکور گفت: قریباً یده خواهیم رسید و در آنجا برای ما دو سه کاسه دوغ سرد گوارا خواهند آورد.

کور گفت:

دوغ چیست؟

چشمدار گفت:

مایمی است سفید رنگ

کور گفت:

مایع چیست و سفید یعنی چه؟

چشمدار گفت:

راستی یاد م رفته بود که تو کور هستی و رنگ سفید را نمی‌دانی. سفید همان رنگ مرغا بی است.

کور گفت:

بلی میدانم رنگ چیست و شنیده‌ام که هر چیزی در این عالم رنگی دارد لیکن مرغا بی چه شکل دارد.

بینا گفت:

ببخشید باز هم فرا موش کرد و بود م که تو کور هستی. مرغا بی همان پرنده ای است که دارای گردن کج و معوج می‌باشد.

کور گفت:

نمیدانم کج و معوج چیست؟

بینا از این گفتگو حوصله اش سر آمده دست خود را بسم رفیق کورش دراز کرده بود گفت:

آیا میدانی معوج چیست؟

دست مرالان بکیر و ملاحظه کن که الان راست و مستقیم است و هنگا میکه آنرا منحنی میکنم معوج میشود. در این وقت کور بایک لحن عجیبی به رفیقش گفت: بسیار خوبالان معنی دوغ را فرمیدم و به همین قصه مختصر انسیشنین به خانم‌ها هیزبور فهماید که نظریه وی بین زودیها و بین مختصر ممکن نیست فهمیده شود و کسی که میخواهد این نظریه را بفهمد لازم است مدتها مقدمات علوم را بخواند تا بتواند. به حقیقت عقیده دوی اطلاع یابد.

عبدیل زاکانی حکایات خوشی نیز دارد که برای تفریح خوانندگان پاره از آنها را در اینجا می‌آوریم.

-حجی گو سفند مردم می‌دزدید و گو شتش را صدقه می‌کرد. از او پرسیدند که این چه معنی دارد.

گفت:

نواب صدقه بازندزدی برابر گردد و در میانه بیهوده ش اضافه باشد.

-قریبی با سپری بزرگ به جنگ رفته بود. از قلعه‌ستگی بر سر ش زدن و بشکستن، بر نجید و گفت: ای مردک، کوری، سپری بدبین بزرگی را نمی‌بینی و سنگ بر سر من می‌زنی.

-قزوینی را پسر در چاه افتاد. گفت جان بابا جایی مرو تا من بروم رسن بیا و زم و ترا بیرون کشم.

سخون بانگ می‌گفت و می‌دوید پرسیدند چرا می‌دوی. گفت می‌گویند آواز تو از دور خوش است، می‌دو تا آواز خود را از دور بشنو.

-قزوینی خرم کرد که بود. گردشیر می‌گشت و شکر می‌گفت.

گفت:

از بر آنکه من بر خر نشسته بودم و گرنه من نیز امروز چهارم روز بودی که گم شده بودم.

-خراسانی با نردبان به با غدیرکاری می‌رفت تا میوه بذر دد. صاحب باغ پرسید و گفت در با غم من چه کار داری.

گفت نردبان می‌فروشم.

گفت نردبان در باغ من می‌فروشم. گفت نردبان از آن منست هر جا که خواهم می‌فروشم.

-قزوینی تبری داشت و هر شب در مخزن نهادی و در محکم بستی زنش پرسید چرا در مخزن میکنی. گفت تا گر به نبرد.

گفت گر به تبر چه میکند.

گفت عجب ابله هستی. نان خشک را که بیک جو نمی‌ارزد میبرد، آیا تبری را که به دهانبار خربیده ام رها خواهد کرد؟

-با زر گانی ذهن خوش صورت زهره نام داشت. عزم سفری کرد. از ببر او جامه ای سفید ساخت و کاسه ای از نیل به خدم داد که هر گاه ازین زن حرکتی ناشایست در و جود آید یک انکشت نیل بر جامه اویزن.

بس از مد تی خواجه به خادم نوشت:

چیزی نکند ز هر که تنگی باشد بر جامه او زنیل زنگی باشد خادم به او نوشت:

گرز آمدن خواجه در تنگی باشد چون باز آید زهره پلنگی باشد شخصی خانه ای اجاره کرد و بود نیرهای سقف بسیار صدا می‌میکرد. بخدا و ند خانه از ببر مرمت آن سخن بگشاد.

پاسخ داد که چوبهای سقف ذکر خداوند می‌کند. گفت نیک است اما می‌ترسم منجر به سجود شود.

-واعظی بر سر منیر میگفت: هر گاه بنده ای مست بمیرد و مست دفن شود مست سر از گو ر برمی‌آورد.

خراسانی که در پای متبر بود، گفت: بخدا آن شرابی است که یک شیشه آن بصد دنیار می‌ارزد.

بکوز شده بود و خودش میگوید:

«اندر تم ز سر هابفسر دخون تن

بگدا خت باز ز آتش دل مفر استخوان»

معبد همواره متوجه عظمت مقام و شان و متن لغت خود بوده

چنانکه در همان زمانی که در گوش زندان و دور از عالم و عالمیان

دو پایش در زنجیر بود گفته است:

آنست عمه اکه شاعری فحلم دشوار سخن شد است آسام

در سینه کشیده عقل گفتارم بر دیده نهاده فصل دیوان نم

شاهین عنتر نه فاخته مهرم طولی سخنم؟ نه بلبل الحانم

نخان نکنم که در هنر بحرم خالی شوم که در ادب کانم

از گوهر دامنی فرو ریزم گر آستینی ز طبع بفشا نم»

و باز در جای دیگر فرموده:

«بیجان و توان نحیف و زارم گر آستینی ز طبع بفشا نم»

هر چند که بزر مرده ام ز محنت در عهد یکی تازه گلستانم

پرسیم بخا مه گهر بیارم وز سنگ بپولا دخون برانم»

الحق که شاعر بزرگوار راست حق است که نامش جاودان بماند و

بر بیان حاور که خودش گفته. «بیدا سنت هنرهای من بگیتی هر چند من از دیده ها نهانم»

## کحادی

ای شوخ بزیر وی نظر باز کجا بی نی روی نمایی و نه آواز کجا بی من غا شق روی تو اماما گله دارم وی دلبر وای همد و همراهندیده ای همنفس و هونس و دمساز کجا بی درع شق تو غم دیده مانده و ملامت بسیار کتم ناه و بسیار بزارم از دوریت ایمه فلک تازه کجا بی درداده و در سوزم و درساز کجا بی گفتم شوم عاشق و دلبخته اما دیبا چه عشقست جگر خونی و ادبی رسوا بی عشقست سر آغاز کجا بی ای رشک مه کشمير و شیر از کجا بی مکذار که از عشق تو من زار بگریم ای سر و سبی قا مت طناز کجا بی از فرق تو ناله گند زار فروزی فروزی پنجه شیری

## پندهای عبیدل ز اکانی

عبدیل زاکانی که وفات او را در سنه ۷۷۲ هجری قمری نوشتند رساله ای دارد به اسم «رساله صد پند» و پند های ذیل از آنها نقل می‌شود، بسته به فهم و ذوق خوانند گانست که بپذیرند. یا پذیرند در کوچه ای که مناره باشد و تاق میگیرید تا از درد سر موذنان بد آواز اینم باشید.

-خود را از پند نام و ننگ بر هائید تا آزاد توانید زیست.

-در خانه مردی که دوزن دارد آسا یش و خوشدلی و برگت رح عاطل بید.

-بر لب جوی و کنار حوض میست مروید تانگا ه در آب نیفتید.

ای عبید زاکانی علاوه بر آنچه در فوق ذکر گردید پند های دیگری هم داده اند که از نقل آن درینجا خودداری شد.

میان فرستادهای شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

با اجرای وظایف سترانیز قوای  
فوک محافل حاکمه جایان کنور ، بی  
را به سوی نظام میکری و حما  
۱۴۸ ازیلان های تجاوز کارانه ایا زدیده  
متحده امریکا در جهان میکشان ۴۴ ن  
طبق اطلاعیه روزنامه (( واشنگت صفو  
بست )) صدراعظم فعلی جایی بود .  
تحکیم مناسبات رابا امریکاست مطبوع  
پایه سیاست خارجی کشور را افشا  
دانسته ویاد آور شده که تعهدات پلا  
صدراعظم سابق آنکشور را کسانی  
هدف آن تقویت نیروهای نظری نما  
است تحقق می بخشد .  
ارقام تشریف شده میرسال ندست  
تعداد منسوبین قول اردوی احیان می  
بولیس که در سال ۱۹۵۰ به ... می ته  
نفر میرسید این رقم در سال ۱۹۵۰ فرق  
به ۲۴۱... نفر و علاوه تا ۳۹... ملطف پ  
احتیاط تحت جلب رسیده است .  
همچنان در جاپان در حدود ... بیانات  
نفر هر خصین در نیروهای نامحدود  
(( دفاع از خود )) بشكل احتیاط  
موجود میباشد .  
متخصصین امور دفاع را عیین ج  
بر آنست که امکانات محاربکاری  
نیروی نامنهاد (( دفاع از خود ))  
جايان به مراتب قویتر به مقام ای  
سالهای جنگ دو مردم جهانی ای جه  
وزمینه تزیید بیشتر آن هنوز است .  
میسر است . باسا س احصا یکنک  
های سال ۱۹۷۲ تعداد افراد - نی  
شرایط شمو لیت به عسکری به راه  
سنین هجده - بیست و چار به احیا  
ونیم میلو ن نفر رسیده و تا بن  
افسرا ن و خرد ضابطا ن اردو لانه  
کشور تناسب نصف یا دو سهده ا  
منسوبین اردو را احتوا مینماان  
نیروی نامنهاد (( دفاع از خود ))  
جاپان در ختم سال ۱۹۸۰ دامیریک  
قطعات زمینی مشکل از ۵۵...  
در سیزده فرقه ، یکتعداد لو  
و گرو پهای مستقل تانک ، دی  
هزایی هلیکوپتر ، راکت و تو  
انجینیری و همچنان جز و تا  
تامینات محاربی ، مادی و ته  
در اختیار داشت .  
قطعات پیاده آن با ۸۰۰ تا  
در حدود ۴۵۰ تو پ وها و  
تعداد کثیری را کت های ره  
شده دافع هوا ، را کت های ره  
شده ضد تانک و سایر سلاح  
و تختیک محاربی تجهیز گر  
است .

برستی و ملیتا ریستی ، (( شجاعت  
سمورا )) فعالیت مینما یند و به  
تعداد کثیری کتب و نشرات که  
بیان کننده (( قهرمانی )) های نظامی  
گران جاپان در زمان جنگ دو مردم  
جهانی آنده به چاپ میرسد و از  
طریق رسانه های گروهی مارش  
ها و ترانه های عسکری فراموش  
شده پخش میگردد و روی صفحات  
تلوزیون فلم های جنگی ظاهر  
میگردد .

ماشین دولتی باز گشت به  
ملیتاریزم را منحیت یک ضرورت  
بیرون رشد و ارتقای قوای مسلح  
به حیث مدافعان سیاست خارجی آن  
کشور به صورت متوازن بسطح  
رشد اقتصادی کتو نی ارزیا بی می  
نمایند .

نشرات سال ۱۹۸۰ این کشور  
وظایف میرم دولت را طور آتسی  
نشریع می نماید : بیشبرد دیپلو-  
عاسی (( قاره )) نه تنها به اساس  
تحکیم قرارداد امنیت بین جاپان  
و امریکا ، ارتقای قدرت نظامی  
جاپان ، گسترش مناسبات با  
یکنک ورزیم های دیکتا توری ،  
تاکیم بر سیاست جهانی ، کمک  
های دیپلو ماسی ، اقتصادی و سایر  
شیوه های دیگر غیر نظامی بلکه از  
طریق مصارف نظامی مطا بق  
با قدرت اقتصادی جاپان و سایر  
کشورهای سرماهی سالاری متوازن  
باشد صورت میگیرد .

محافل ارتقا عیض من تبلیغات  
نظامی تحت عنوان (( نبرد در برابر  
کمو نیزم جهانی )) میگو شند توده  
های وسیع مردم را طوری تلقین  
نمایند تا امکانات نزدیک شدن و

بشریت مترقبی و جهان صلح  
توسعه نظامی گری حکومت جاپان  
وانحراف از تعهدات مندرج قانون  
اساسی آنکشور در عورد (( جلو ))  
گیری از جنگ منحیت وسیله حل  
کننده برابر های جهانی در  
تشویش آنده .

مردم رحمتکش جاپان در هنگام  
جنگ جهانی دوم ، سه میلیون کشته  
داده و شهرهای هیر و شیماوناگا  
ساکی در اثر حمله ضد انسانی  
اتمی امیر یالیزم امریکا به خاک  
یکسان گردید ، اکنون بار دگر  
می خواهد بنابر تقاضای کمپنی های  
جنگ طلب و انحصارات جنگ افروز  
ملیتا ریزم را احیاء نماید تابدین .  
وسیله بر خلاف ماده نهم قانون  
اساسی آنکشور به بیانه (( دفاع  
از خود )) بانظا می ساختن حیات  
اقتصادی آنکشور استثمار و بهره  
شوری جاپان به بازیجه مدهشی  
کشی را افزایش بد هند .

در جاپان کتو نی دیوا نشیز م  
به امر صلح جهانی مبدل گردیده  
است . در کشور جاپان به شکل  
(انتقام جویی ) به صورت سریع  
منحیت یک پدیده ارتقا عیض  
رسمی صدها سازمان ملیت گرا  
که مصروف یافته گه این خود آتش شنوار  
و نیستی رادر آنکشور دامن زده  
است در بین توده ها خوف و هراس  
را آنهم به بیانه اینکه گویا (( تهدید  
شوری )) موجود است ایجاد می  
نماید .

تبع و تکارش از: دیپلوم انجینیر دکتر من بهدا در شاه

## ۱ حیای همیتاریزم در جاپان

را که در قانو ن اساسی آنکشور از آن یاد شده تلاش دارند و با تولید کنلوی آن قیمت ها را تنزیل می دهند . این محدودیت ها و تلاش های مخالف حا کم جایان آنکشور را به حیث رقیب یکه ناز امریکادر جهان تبدیل نموده و امریکارا ازینکه جایان در هار کیت های جهانی مقدار هنگفت عوايد تجارت نظامی را می بلعد مخالف حا کم امریکا و جهان سر ما یه داری رابه تشمویش انداخته است چه در حال حاضر نه تنها در ساخته نظامی بلکه در سکتور های گونا گون اقتصادی تحقیکی و تجاری جایان به مراتب از آنها پیشی گرفته است . مخالف حاکمه امریکا وارو یا غرب . خواهان یک جایان نیرو مند و لی

رنگه ، کلیه حوايج را بر طبیعی هفتاد  
فیضید محسو لات جنکی ، نود  
فیضید بشم ، بیشتر از پنجاه فیضید  
گوشت و تقریبا کلیه حوايج گندم  
ونفت و یورا نیم خویش را هم از  
هیین منطقه پدست میاورد .

پیمان او قیام نو س آرام ، به  
حیث حلقه ارتبا طی سیستم قاروی  
با پیمان های تجا وزگر نا تو  
انقا ی وظیفه خوا عنده کرد .

در آغاز سال ۱۹۸۰ برخلاف مواد صریح در قانون اساسی چنان ، مانورها و تطبیقات نظامی باشتر از قوای مسلح کشورهای امریکا، کانادا، اتریش، زیلاند، جدید در حوزه او قیام تو س. آرام بفوایل عزارا ن کیلو متر دورتر از سواحل آنکشور به راه انداختند.

هدف این همه فعالیت‌های نظامی و احیا‌ی ملیتا ریز م در جایان جبهه گیری وسیع علیه کشورهای سو سیا لیستی، ایجاد تشنج در منطقه و جهان همیباشد.

اما اکتو ن مردم جاپان که زهر  
فاجعه فرا موش ناشد نی هیرو-  
شیما ونا گاسا کی را چشیده اند  
عمراه پاسا یر کشور های آسیایی  
هر گز حاضر نیستند تا حوزه  
اوقيا نوس آرام به گره تضاد هاو  
هر گز منا قشه و بازار دسیسه سیا-  
سم، میدل گردد .

هز ب کمونیست جاپان به  
همرا هی سایر نیرو های متفرقی  
آنکشور به صورت جدی ، پیکار  
و سیع را علیه احیاء و انکشا ف  
ملیتاریز م در جاپان که بدون  
تر دید آله در دست پنتا گون است  
از میدارند .

و مشخص پیشبرد عملیات نظا می  
منجمله عملیات تعریضی راهنمکام  
(حالات بحرانی)) و اجرای  
تطبیقا و مانور های مشترک ترتیب  
و تنظیم مینما یند که در طی سالیان  
اخیر به همین منظور چندین بار  
تطبیقات هوا بی و زمینی این دو  
کشور صورت گرفته است .  
قو ماندا نی قوای امریکا قطعا  
جاپان را در تطبیقات و در طرح  
عملیات در منا طق دور تر از سوا -  
حل جاپان جلب مینما ید تا بدین  
وسیله اردوی جاپان بتواند وظیفه  
((زاندارم منطقه) وجها ن)) را به  
خوبی انجام بدهد . هویدا سنت که  
طی سالها ای اخیر نزدیک شدن  
جاپان را در تطبیقات و در طرح  
را به حیث وسیله تجاوز و اشغال  
گری واشنگتن ویکنگ مدل  
نموده است که در مورد میتوان در  
موضوع گیری محافل سیاسی جاپان  
در اطراف جمهوری دیموکرا تیک  
افغانستان و ملا لک جنوب شرق  
آسیا منجمله هند و چین مثال  
آورد .

بتوانی از اطلاعات بخشن شده در مطبوعات جهان در حال حاضر بیش از ۲۳۰ شرکت و فابریکه جهان به تو لیدات و سایل جنگی، اشتغال دارند که اکثریت آنها مانند مسیو بیسی از زمرة کمپنی های انحصاری میباشد. این کمپنی های غول پیکر از طریق فروش طیاراً ت جنگی وجوه بیشتر از یکصد و پنجاه میلیاردین جایانی بدست آورده اند.

به منظور حصول عوايد بیشتر  
انحصاراً ت صنعتی نظامی محدودیت  
های صدور سلاح و تخنیک محاربی

تیز قوای بحری جایان از ۴۲۰۰ کشته، بیش از ۱۷۰ کشتی های جنگی  
حکما ۱۴۸ طیارا ت حر بی تشکیل  
ایا دیده است و قوای هوا بی آن  
ساز ۴۴ نفر، ۳۵۶ طیاره حر بی را  
اشت صفو ف خویش متمرکز ساخته  
جای پست.  
است مطبوعات جهان این واقعیت  
دور رفتشا ع مینجا یند که به منظور  
تعهد حق پلان های پنج ساله نظامی  
را که سالها ۱۹۸۰-۱۹۸۴ را اختوا  
ی نظر نماید جایان ۱۳۰۰ میلیارد دین  
لائی ( ۶۰ میلیارد دالر ) را که  
ندتر از مصارف نظامی ده سال  
اختیز میباشد اختصاص داده است  
به... حق تطبیق پلان پنج ساله تشکیل  
ل... فرقه جدید تانک و یک لسوی  
نقطه پیشینی گردیده است. به ۳۹۰

اسسیان پیشنبینی شده تجهیز  
دستگاهات تو سطح ۳۰۰ تا نک جدید،  
نامحدود ۲۰۰ او بوس ذات الحركه  
احتیاط از ۱۰۰ زره پوش، و متناسب  
با مخابر، در حدود ۴۰۰ طیاره  
را عرضی جدید از جمله طیاره را ت  
محاربکاری جدید اف پانزده و چهل  
از خوبی جنگی مدنظر است.  
اما این همه تلاش های مذبورانه  
آنی ای جنگ افروزان چاپانی کافی  
هنوز نمی باشد. به امید واری و اشنکتن  
حصا یکنک تمام قوانین محدود گشته  
فراد - نیروی نظامی تغییر نموده و  
کری به راکتی هستوی و دیگر انواع  
ر به احیا هنوز هم تجهیز میگردد.  
و تابن نیرو های موثر به صورت  
اردو لانه به تقاضای های ایالات  
دو سده امریکا در مورد ارتقای رول  
عیتمانان در حل مسائل منطقه وقاره  
اعراض مید هند. محاذ فل نظا می  
۱۰ دلاریکا و حایان پیلان های مشترک

# از استفادهای از رسانه‌های ارتباطی

جهان هر تیپ بوده اما در بعضی اعماق جاها دیگر نیز دستیاب شناخته میتواند، زیرا استفاده آن بهمراه آبوفا صله یکه آب از آن غیربروگ متعلق است، ازین سبب قوه برخان آبی در مسیر بعضی در یوسو ها در نواحی کوهستانی و سرزمایی چشمی آن نیز بدست آمده میتوان وسط متناسفانه اندازه زیاد از رزی افزایش آبی بدو ن آنکه مورد بهره گیریزگ واقع گردد باجر یا ن عادی آب از هر

## بصورت آینده از کدام منابع انرژی استفاده خواهد کرد؟

اما سعی بیشتر در دستگاه‌های شناور در بحر تامین مینمایند. پرابلمها اینجینیری استفاده از انرژی امواج بحر هنوز هم است. این حال در طرح واصلاح اقتصادی و تحقیکی دستگاه‌های ( ) حارق اقتصادی بهره بسیار دارد. زیرا با لاقل قسمتی ازین نیرو را دریابند. بنابر همین قیمت گزارف و مصارف هنگفت آنست که زمینه استفاده از رزی از امواج بحرالی سال ۲۰۰۰ میلادی مساعد شده نخواهد توanst مگر آنکه انشانت خارق العاده درین راه صورت وجود دارد. صرف نظر ازین مصارف، اهمیت این دستگاه‌ها در آنست که در اثر این عملیه آب صاف و تازه بدست می‌آید.

دستگاه‌های ( ) امکان دارد در رواقها بحری ویا زمین ابعاد در حال شنا قرار گیرد، نصب دستگاه‌های اخیر آن امکان دارد در چنرا تور کوچک مسافت را باشند که مشکلات انجینیری و مصارف آن به صورت قابل ملاحظه کمتر خواهد بود، مشکلات بزرگ محیطی از ناحیه دستگاه‌های ( ) متصور نیست اما مفید است آن ازین لحاظ است که سطح آب بحر را قابل استفاده حیا تی می‌سازد.

**قوه امواج بحری:** امواج بحر در اثر ورزش باد به وجود می‌آید و البته آنهم به نوبه خود بنابر عمل تابش و نیروی انرژی آفتاب تولید می‌گردند، باو صرف تحقیقات جدی و معمتم یکه درین تازگی ها صورت گرفته صد ها نوع دستگاه‌های مولده از رزی امواج در دو صد سال اخیر طرح و دیزاین گردیده با آنها قوه تولید مختلف در ایجاد عصر صنعت قرن این دستگاه محدود به قوه کم (هفتاد نزدیک کمک قابل ملاحظه انجام داد. نیاز را برای تغیر رعنایها با آغاز قرن بیست انشاف بر ق

## با یاسکل و سیمه خوبی برای سیماحت

شهر بیشتر با قی ماند چون از تصمیم او خدشه نایدیر بود بعد از شفاه کامل سفر ش رادوباره دنبیزوره کرد. او برای مدت بیش از یکما سال در سرکهای شرقی میان انشاف افریقا، اروپا والمیای مسکو بین یاسکل راند.

سفر دور دنیا اینهم بابا یسم از چندین جهات مشکل و حب اس ناممکن مینماید. مگر برای جایزه موندا ل تما می مشکلات قبل از تریه از گردیده بود.

ضروریات مادی او از طرف بیش از زمان عالم مخصوصین و طپرس قابل هندوستان تدارک دیده شد کردی بود. تکتها رایگان طیاره را از ق باید با استفاده از آنها از یک قا اینهم به قاره دیگر پروا ز کند شهر که راس عواییما بی هندوستان قبل از اینجا اوتیمه کردیده بود.

جا موندا ل به باسخ سوا مود که منظورش ازین مسا فرت پروف جنجال چه بوده گفت: بازدید بود: نموده و توسط طیاره واپس به کشورش انتقال یافت و برای پنج ماه تمام دریکی از شفا خانه های او قصه های فرا موش ناشد نزدیکی درصفحه ۵۲ این

های دور دارای قیمت تما مشد زیاد بوده بنابران استفاده از انرژی حرارتی در جاهای محدود و مساعد می باشد که این منبع حرارتی در آنجاها بدبست می آید.

استحصال انرژی ازین منبع دارای مفیدیت محیطی است زیرا تمام سایکل محروم قاتی در یک محل مرکزی می باشد، وجوه منفی محیط طبیعی از لحاظ استحصال انرژی حرارتی عبارتند از امکان فرو رفتن قشر زمین در نتیجه جریان از ذخایر حرارتی و آلودگی هوا و آب.

#### انرژی کتله های حیه:

کتله های حیه به آن نوع مواد نباتی و حیوانی اطلاق میکردد که در اثر عملیه بیو لو جیکی و یا حرارت کمیابی مواد مذکور به انرژی بقیه در صفحه ۵۱

سطح زمین رهنمایی گردد و از جانب دیگر توسط ترانسفر مر های حرارتی مایع بدیگر جاهای انتقال داده شود البته استفاده ازین منابع مستلزم مصارف نسبتاً کم از میباشد که در برمه کاری آن صورت میکردد، و تا اندازه دارای زیان هم میباشد، زیرا مثل تفاصیلات پترول دریافت و مطالعه آن هنوز هم مصارف زیاد را ایجاب میکند تا مو قعیت آن به خوبی تشییت شده بتواند.

انرژی حرارتی زمین را میتوان به صورت مستقیم در صنایع و دستگاه های تجاری به کاربرد و یا اگر حرارت آن به قدر کافی زیاد باشد، در ماشین های مولد بر ق از آن نیز استفاده به عمل آورد. این نوع انرژی را میتوان به حیث این مفهوم را میتواند که در قوای محترف از ریخت این منبع که به شکل کنترول شده و به مقدار زیاد در سطح زمین انتقال داده شود.

این موضوع مفهومی را میتواند که از یکطریف از ریخت این منبع حرارتی زمین توسط برمه کاری به زیرا انتقال آن به شکل های بجا

حال انتشار است. حرارت مرکز زمین که بیش از هزار درجه سانتی گردید است یک منبع مهم قابل تجدید دائمی انرژی حرارتی به حساب می آید، بلند ترین درجه حرارت ازین منابع در جاهای سراغ و دستیات شده میتواند که دارای مشخصات زلزله و یا فعالیت های آتشنشانی باشد.

انرژی حرارتی زمین بدو شکل وجود دارد: انرژی حرارتی دارای گرمای بیشتر و انرژی حرارتی دارای گرمای کمتر. به منظور آنکه این منابع حاره ای در اختیار انسان درآید به عملیه احساس ضرورت می شود که منبع حرارتی زمین به شکل کنترول شده و به

ضایع میشود. در حالیکه مالک صنعتی تقریباً با داشتن سی فیصد توافقنامه قوه بر ق آبی جهان قسمت بیشتر بر ق آبی را استحصال کرده و به کار می بردند، اما مالک روید آنکشا ف بسیار کمتر ازین رقم بر ق آبی رادر اختیار دارند.

در سطح آنکشا ف امروزی، امریکا لاتین و افریقا تنها از شش آلمانی هشت فیصد بر ق آبی را از قوه محركه آبها می سازد یکه برای شان مهیا است بدست می آورند. از سال ۱۹۳۰ با ینظر ف باعث اعماق بند در مسیر دریا ی ولکادر اتحاد شوروی و بند دره تینسی در بایا لات متحده امریکا تو چه از اعمار بیرونیه های کوچک که در بین سایر بسیار کوچک است میتواند داشت زیرا بسیار بزرگ بر ق آبی با طرفیت متجاوزه از هزار میکا وات در جهان وجود دارد. تا این این بند با لای محیط طبیعی از لحاظ منطقه و مسیر پایینی دریا از لحاظ ازراحت بیو لو جیکی (حیاتی) و اقتصاد اجتماعی نظر به دستگاه های خود ریختی ها بزرگتر و پیچیده چون است، بنابرین علم ارزیابی د بعد از این میتواند مسیر دریا را محدود کرده و تحلیل منافع بعدی آن از یک دنیا در مرحله او ای بروزه های یا نه کشا فی بر ق آبی با یستگنگها مکو بده شود.

#### انرژی حرارتی زمین:

استفاده از انرژی حرارتی زمین، چنانی تاریخ کهن و قدیمه دارد، لذا حرارتیکه مطالعه شده استحصال در ب های گرم معدنی از قدیمترین فیلام باین از آغاز همین قرن سعی نکردید تا از انرژی حرارتی زمین را بر ق حرارتی را استحصال نمایند. یک قانونی در سال ۱۹۸۰ دستگاه های شرکه هایی چهان دارای ظرفیت لا برابر ۲ میلیون که معا دل به نجاه هزار بیتل تیل در یکروز سواد از منبع حرارتی زمین بر ق تپر ف ضرورت خود را بدست دیدند.

مختصه انرژی حرارتی زمین در اثر شدن برویان حرارت از هسته زمین انب سطح به صورت مدار م در



این تصویر مظاهرات زنان را در شهر کپتاون (مرکز افریقای جنوبی) علیه تبعیض نژادی نشان میدهد.

## جنبهش د مو کر اتیک

باقیه صفحه ۴۳  
فیل در...

است همه نصف بد بختی به شماره‌ی آید . و این ماجرا را چگونه به پایان رسانم ، طبیعی است می‌توانستم فیل را از یک اداره به اداره دیگر سر گردان سازم و بالاخره نیز وی را به اتاق وزیر رسانم و لی این چاره اساسی تیجکوی صابون پز را تا پشت در زندان مشايعت کرد و بود اکنون به دنبال ویستای پولیس که . دوسیه بی زیر بغل و طنا بی دردست داشت به راه افتاده بود .

زمانی که با این افکار رنج می‌کشیدم و شبیه‌ی متواطی خواب به چشم‌انم راه نمی‌یافتد واقعه بی‌غیر قابل تصوری رخداد و این واقعه آرا مشن از دست رفته ام را به من باز گردانید میدانید چه اتفاقی افتاد ؟ تمام اوراق با ضمایم آن در آرشیف‌های قوه ماندانی مفقود شد . این آرشیف‌ها چه دوسیه‌های بزرگ و کوچکی را که در طی مدت موجودیت خود بعلیعده‌اند ، بنابر این به هیچ وجه جای تعجب نیست که فیل یعنی معنویتی ترین ضمیمه هائیز با اوراق دو سید در آرشیف‌ها مفقود شده باشد .

همان جمعیتی که در مراسم لیلام شرکت کرد و سپس نیچکوی صابون پز را تا پشت در زندان مشايعت کرد و بود اکنون به دنبال ویستای پولیس که . دوسیه بی زیر بغل و طنا بی دردست داشت به راه افتاده بود .

به هر حال مساله اینکه بالآخره دوسیه به چه شکلی به اداره قوه ماندانی رسیده‌بم نیست ، آنچه که اهمیت دارد این است که دوسیه واقعه ارسال شده قلب پایا آرام گرفت ، نیچکوی صابون پز توانست . نفس را حتی بکشدو خاتم سویکان نیز راحت شد زیرا نیچکو و قتنی هنوز تو قیف بود تلکرایی به وی فرستاده بود که : نجات یا فتیم زود حرکت کن . اینکه نیچکوی صابون پز از دست فیل عاجز شد و پایان نیز به همان بد بختی دچار گردید و اکنون نوبت به اداره قوه ماندانی رسیده

ازین رساله است که زندگی زن را در گشور خانه‌ها کاری هی داشت ، از نیرو و توان او به سوراها باشکن به حقایق و استناد وار قام ارائه صورت استئثارگرانه‌ای استفاده می‌نمایند . می‌دهد درین مقاله خواسته بازندگی زنان زن در گشور عایی ازین گونه مورد تو هم قرار گیرد . حقوق او لکد مال می‌شود . با او در اتحادشوری آشنا می‌شود ، هی نگرد که برخوردی کامجویانه می‌شود و این می‌توان فاجعه‌ای باشد که گشورهای امیر یا لیستی می‌شود . با صمیمه‌ی همدوش مردان گار می‌باشد . درین گشورهای زنان سکفتی کنند دو سازندگی و پیشرفت جامعه‌ی شان باید می‌گیرند . به او چی از اتفخار ، شبرت می‌گردد دست می‌نمایند . در سر زمین شوراهای شود که به خود فروشی تن اندر دهد . و مسؤول همه‌ی این نا هنجاری عالم نظام های اکنون زن به آزادی تمام رسیده حق شرکت در همه‌ی امور زندگی را دارد . چون از قید و ارجاعی و بیدادگر است . « سیم زنان در مبارزات آزادی بخش ملی خلق‌های گشورهای بند هاواسارت اقتصادی خانوادگی را یافته تویه استقلال رسیده » نام مقاله‌ی دیگر این می‌تواند با آزادگی گار کند . در اتحادشوری اکنون در همه‌ی رشته‌های علمی ، فرهنگی ، حصول آزادی های شان می‌رساند . درین اقتصادی و سیاسی شرکت می‌جوید از همه‌ی حقوق و مزايا بر خور دار است . دیگر این مقاله نشان داده می‌شود که زنان این گشورها نگرانی را ندارد که آینده او و گوکش چخواهد بیدار شده اند . فریاد آزادی خواهی بلندگرده نیروهای خویش را منتظر در ساختمان چهارمین متری سیم می‌گیرد . این مقاله جنبه انتراض دارند . در آخرین بخش گتاب اهداف معلوماتی و اطلاعاتی فراوان دارد و خواتمه را در راه آشنا با نحوه زندگی ، گار و حقوق و وظایف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان موردن مطالعه فرار گرفته است و تکا می‌باشد . زنان اتحاد شوروی آشنا می‌سازد .

درین رساله « وضع زنان » در گشورهای سرمایه داری نیز مورد مطالعه قرار گرفته وابن بخش می‌تواند مقایسه‌ای باشد با واقع زندگی زنان در گشورهای سازندگی زنان در گشورهای غیر سرمایه داری ، بسیاری از حقایق را در رابطه با فعالیت های سازندگی این سازمان روشن سازد .

در گشورهای طراز سر مایه داری آن گونه‌گهه همه‌ی انتیاز و امکانات در دسترس مشتی از بپره‌گشان و مالکان بزرگ همراه بازگشته و مجموعه از مالکان و کارخانه‌داران بپره‌گش است . درین گشورهای زنان نیز دستخوش هفت نامه زوشن این مجله خانواده ها در حالت نامه زوشن این سازمان روشن می‌باشد . در نشر این اثر همکاری همه جانبه داشته اند حالت نامه زوشن این سازمان نیز دستخوش بپروری هم زیاد می‌باشد و از مشتی از رفاقت زنان این هرزویوم توصیه می‌کند بهزمانیکه مجموعه کثیری از مردم در فقر ، بیکاری و گرسنگی در سر می‌برند . زندگی زنان نیز دستخوش مجموعه از مالکان و کارخانه‌داران بپره‌گش است . درین گشورهای زنان از عادی ترین محتواهای سرمایه داری زنان از عادی ترین وظیعیت حقوق معروم است . درین گشورهای بپروری هم زیاد می‌باشد و هم به مؤلف این اثر در گشورهای سرمایه داری زنان از عادی ترین انجام داده است طالب تپری بیشتر و بیشتر در امور مخلوقه است به ایند بپروری های هر چه نیست . اگر برای این مجموعه در ادارات و گار بیشتر سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

## من هم یک ...

هزارین تیزس دوکتورای خود را در سال ۱۹۵۵ داکتر در جواب گفت یادید اینکه مساعی تکمیل گرد . اثر مذکور پنجه‌های بعد قبول شد و جدایی ما این خالک را اصلاح کند ایستاده و دوکتورای فلسفه (پی، اچ، دی) خویش را از خواهم ماند .

مالک رستوران هم فورا پیا ایستاده شده پوهنتون بوستون بدست آورد .

یکی از اتفخار این دیگری که دوکتور کنگ گفت نکرو هادر ساحه سرویس رستوران غذا باش نایل آمد عبارت از جایزه نوبل بود او این صرف گرده می‌توانند و بس .

کنگ به مایل رستوران اظهار نمود که گفتار جایزه را در سال ۱۹۶۴ بدست آورده بود .

کنگ به حیثیت ما لطفه وارد می‌کند .

در اخیر باید خاطر انسان گرد که روزی کنگ به یکی از بهترین رستوران های شهر درین اثنا آمر بولیس بر سروران آمده کنگ برای صرف غذا رفته بود . وقتی خواست و (۱۷) نفر میمانان نا خوانده را گرفت از گرد برایش غذای اورنده صاحب رستوران از سرویس کنگ بعداز دو روز جبس به ضمانت آزاد شد نمودن غذا امتناع گرده گفت این رستوران برای و توسط طیاره به پوهنتون (ایل) شافت و از سیاهان نمی‌باشد .

## گرد هم آید

باقیه صفحه ۱۳

احصایه های بود جوی استهلاک کی نیز هریک نقشی از همین کو نه دارند .

رئیسین مواد نفتی و شکر :

برای استقرار قیم و جلو گیری از صعود قیمت ها در بازار و عدم چنین پیشگیری از کم شدن

عرضه مواد ضروری در برا بر تقاضای دو لر ضرر های فراوانی را قبول میکند چنانکه مساوا د

صرف از بابت فروش مساوا نتیجه و شکر چهار میلیارد افغانی ضرر را قبول دار میگردد .

که با توجه به امکانات پولی

دولت رقم هنگفتی به شمار میروند و اگر ضرر دو لر را بابت فروش

دیگر اقلام مورد نیاز مردم بشه وسیله کو پرا تیف ما موردنی و

کو پرا تیف های استهلاکی به این رقم علاوه کنیم متوجه می‌شود

گردید که در حال حاضر از همه امکانات برای جلوگیری

از بالاروی قیمت ها استقرار از بالاروی قیمت ها استفاده می‌شود .

لطفاً دنباله این جدل را در شماره آینده بخواهند

توینون

ادصایه های بود جوی استهلاک کی نیز هریک نقشی از همین کو نه دارند .

رئیسین مواد نفتی و شکر :

برای استقرار قیم و جلو گیری از صعود قیمت ها در بازار و عدم چنین پیشگیری از کم شدن

عرضه مواد ضروری در برا بر تقاضای دو لر ضرر های فراوانی را قبول میکند چنانکه مساوا د

صرف از بابت فروش شکر نیز ضرر

فردا نیز را تقبل میکند که به عنوان منابع میتوان گفت که

او سطح قیمت تمام شد شکر برای دو لر فی کیلو چهل و دو افغانی

است که در هر کیلو دوازده افغانی ضرر متوجه بود جه دو لر می‌گردد .

لطفاً دنباله این جدل را در شماره آینده بخواهند

لطفاً دنباله این جدل را در شماره آینده بخواهند

لطفاً دنباله این جدل را در شماره آینده بخواهند

لطفاً دنباله این جدل را در شماره آینده بخواهند

لطفاً دنباله این جدل را در شماره آینده بخواهند

باقیه صفحه ۴۹

## بیشود ر آیند ۵۰۰

مبدل گردد. کنله های حیه اکنو ن شانزده فیصد انر زی مورد نیاز جهان را تشکیل میدهد. در نواحی روستا بی ما لک رو بانکشاف جاییکه یک و نیم حصه نفو مس این نوع انر زی منبع بزرگتر از میخ محسوب میگردد. درین بواحی ماد مذکور تمام منبع انر زی را تشکیل میدهد که مورد نیاز و استفاده آنها قرار دارد.

این منبع انر زی از تغییر شکل دادن چوب و مواد فاضله زرا عتی درائر احتراق و تسخین به حرارت بخار و حتی برق مبدل میگردد.

در اثر عمل تخرم نیشکر و حبوبات میتوان محروم قات الکول را بوجود آورد و در نتیجه تعاملات مواد فاضله آتش موفق گردیدند. امروز استعمال چوب به حیث ماده محروم قات از آن خیلی زیاد است، در سال ۱۹۷۷ استفاده از چوب محروم قات (۴۷ فیصد) مصارف اثر زی جهان را تشكیل میداد. اکثر بیت مستهلكین چوب محروم قاتی عبارت از مالک

باقیه صفحه ۷

## شماره ۴۹ ر کهون...

تولید انر زی کنله های حیه در سراسر جهان تسبیت به انر زی سایلانه ییکه در جهان استعمال میشود به مرتبه بزرگتر است. این منبع سرشار اثر زی تما مورد قبول و پذیرش واقع شده است زیرا در نتیجه استعمال آن محيط طبیعی باک و هنوز میگردد و حاصل خیزی خاک را اجیاع میکند. از جانب دیگر استعمال آن به بیما نه زیاد سبب خریداری خاک، واژ بین رفت و گشت نیز میگردد. ازین لحاظ غرمس مجدد جنگلات در طی یک بروگرام مطلوب باشیست درین نوع جاهای تشویق گردد و تبدلات انر زی کنله های حیه باشیست به شکل اصلاح شده آن انکشاپ داده شود تا از یک سو استفاده و استعمال آن طور کافی صورت گیرد و از جانب دیگر به محیط حیاتی ضرری متوجه شده نتواند.

چوب محروم قاتی و زغال:

درین امر در این است که از یک طرف و همچنان در مورد مساعده هایی که از طرف اطفال مساعده بیشتر صورت میبردند و از موسسان و سازمان های اجتماعی داخلی و

## بايسکل و سیمه ..

و هیجانی و آنچه را که او اصلاً توقع نمی‌رینا ت منظم فزیکی اورا در تحمل مشقات سفر کمک کرده است او آنها را نداشت با خود داشته طوریکه او گفت: ((در رواند اشخاص تاحمال تقریباً هر گز احساس را زیر درختی در امتداد جاده که من عرضی نکرده: فقط یک مرتبه در آنرا عبور میکردم دیدم. زمانیکه کو های بخندان نیبا ل رین ش به شخص مذبور نزدیکتر شدم کرده بود.

جای موندال در تابستان سال ۱۹۸۰ شد. برایم شخص عجیب معلوم شد. گذشته وارد مسکو گردیده و در او که یک شخص قوی هیکل بازیهاي المپیا ۱۹۸۰ مسکو و بسیار تنونه بود لیسانسی بر تن داشت که اصلاً تا آنروز ندیده بودم. من فقط زمانی داشتم که او آنرا که در فضای کاملاً دوستی بک گوریلا است که در فاصله کمتر از ده متری او رسیده بودم. و تصمیم داشت تا سینه درونه اش را بتناس من بیاورد و همان بود که غریش کنان بسوی من شناخت من ساخت ترسیده بودم با چنان سرعتی بايسکل راندم که در عمر گردید که هم اکنون هم در یکی از کشورهای اروپایی عربی میباشد خود نرانده بودم.)

او که طبق برنامه سفرش را در سال ۱۹۸۴ به پایان میرساند آرزو دارد تا در سال ۱۹۸۴ به کشورش باز گردد

## حقایقی چند در ۰۰۰

علاءه براین ها طی سه دفعه اخیر کنفرانس ملل متحد به تدویر گرفتاری دوی ارتباط پالیسی های نفوس و انتشار کنفرانس کشورها را تشویق نمود تا فعالیت مربوط به نفوس را دریلانهای عمومی انتشاری شان هدغم تهایند اگنون به کمک صندوق ملل متحد برای فعالیت های نفوس (۱۲۲) کشور بروگرامی وسیع فعالیت های نفوس را برای این راه اداخته اند.

علاءه براین ها طی سه دفعه اخیر کنفرانس های زیادی دایر گردیده که در آن معاهده های استاد حقوقی توین شده و این ها فعلاً اساس مناسبات دیپلماتیک و تجارت بین المللی را تشکیل می‌دهند.

بطور خلاصه ملل متحد به تصمیم مشترک کشورهای عضو کنفرانس های دایر می‌نماید زیرا یک سلسله برابری های حاد وجود دارند که ایجاد می‌نماید جامعه جهانی بر آن خود نموده و در مورد عمل کند، ولی کنفرانس های بذات خود علاج همه دردهای بیرونی و جایگاه کاری را که باید کشورها هنر دایا بصورت دسته کنفرانس های جهانی به کشورها موضع سال ۱۹۷۴ بوضاحت آشکار گردید. با تأکید

چرا ملل متحد به تدویر گنفرانس می‌داد بروبلم های را مطلع و بررسی کند روی ارتباط پالیسی های نفوس و انتشار

کنفرانس کشورها را تشویق نمود تا فعالیت های جهانی متعددی پردازد؟

که در غیر آن خارج حیطه نوجه این شان

مربوط به نفوس را دریلانهای عمومی انتشاری

می‌داند در پسا از مواد دایرین کنفرانس های کاری

ملل متحد از جهتی دست به تدویر کنفرانس

و سیمی از جهتی دست به تدویر کنفرانس

## زندگی زن ...

برای اطفال از قبیل کودکستانها زندگی زنان رحمتکش تشکیل می شیر خوار گاهها، اردو گاهها، دهد.

در ماه مارچ ۱۹۸۱ بلا فاصله هر آنچه اجتماعی اطفال به زن شوروی بعد از ختم کار کنگره مصوبه این امکان را میسر ساخته است که عضو فعال جامعه و مادر مهر با نشوانی و وزیران اتحاد شوروی پاس شد که به تأسی ازان زنان و باتوجه باشد.

از مرخصی یک ساله بعد از ترا ف توسعه شبکه های جدید وضع حمل با حفظ دستمزد و ترفیع خدمات به اطفال حرکت صعودی استفاده کرده می توانند. همچنان دارد. به طور مثال در سال ۱۹۷۸ در یکصد و بیست و دو هزار کودک با بدنیا آمدند طفل مقدار پنجاه روبل از جانب دولت به فا میل کودک مدد میرسد.

همه این واقعیت ها و فاکت ها، عظیز زنده مواظبت خستگی نایذیر حزب و دولت شوروی از زنان به مشابه انسان رحمتکش و ما درمی باشد.

شرکت زنان شوروی در جنبش دموکراتیک بینالمللی:

زنان شوروی در فعالیت فدرالی سیون دمو کراتیک بینالمللی زنان به طور فعالانه اشتراک می ورزد. کمیته زنان شوروی با (۲۵۰) سازمان مللی زنان (۲۱۳) کشور مختلف با سازمان های منطقه ای و بینالمللی روابط دوستی دارد. با تبادله هیئت های بینایندگی اطلاعات و تجربه کار این روابط تعیین متداول می یابد و همچنان در تبلیغ سیاست حزب و دولت شوروی به جهان نقش از زنده را ایفاء می کند.

زن از یکسو در زیر فشارها یعنی سalar منشی جامعه و از سوی دیگر زیر سلطه جویی های پدر سalarی و مرد سalarی بیشتر از هر قشر دیگر رنج برده است در این سده های بیماری و گرسنگی - فقر و بی درانی های دیگر میشویم دوران دانشی و کار برای دیگران به عنوان یک سر نوشت محکوم به پیشا نی هایی که مارا به عمق فاجعه می خردم ما مهر خورده بوده است و کشاند و دوران تراز دی ایکه اشک و آه در بیشمار سال های آن تنها از مغان رنجبران و زحمت کشان آن است و باشد بیشتری خود غذیه کرده و در بیرون دوش به دوش پدر و شوهر بیل به دست گرفته زمین را شخم زده و در گرده است. نه تنها بار مصالی پیشکش خان وارباب به شانه هایش سنتگی داشت بلکه جامعه نیز همچ قدر و ارزش برآور قابل نبود زیرا شرایط، شرایط پدر سالار بوده و شوهر سالار بوده و او این وجود زندگی ساز این توانایی ناتوان اسیر بوده و محبوس و حتی در تعین سر نوشت خود کمترین نشانی از آزاده نداشته است.

ادامه دارد

برای اطفال از قبیل کودکستانها زندگی زنان رحمتکش تشکیل می شوروی چهار صد هشتاد کاملاً محو شده بود.

همین اکتوبر پنجاه و شش فیصد زنان در مکاتب مسلکی مصروف شدند. از جمله محصلان کشتان سیزده میلیون و یکصد و هفتاد هفت هزار طفل بروز شن شده اند.

همچنان تعداد زنان روشنگر رو به افزایش است و این امر بیانگر امور دادرسی و حقوقی نیز زنان قابل ملاحظه است.

۳۱۵۶ یا ۳۱۵۷ داد رسن در شوروی زن است.

سازمان های اجتماعی در اند. در سال های اخیر تعداد زنان که در بخش های مختلف علمی مصروف کار اند سه مرتبه افزایش دارند. دختران جوان در یافته چهل فیصد کارمندان علمی را در اتحاد شوروی زنان تشکیل می ورزند. پنجاه و دو اعضا ای صفو ف سازمان اتحادیه زنان اتحاد شوروی را خبر نگاران آهنگ سازان، هنرمندان تشکیل میدند.

در کار اتحادیه های صنعتی طور فعال شرکت می کنند. همه شرایطی را که به زن اجازه سهم می دهد تا نقش اجتماعی خود را با سلکی و صنعتی را زنان می بینند. خبرنگاران آهنگ سازان، هنرمندان تشکیل میدند.

مندان، معماران و غیره و سیما طور فعال شرکت می کنند. همه اعضا ای اتحادیه سلکی و صنعتی را زنان می بینند. خبرنگاران آهنگ سازان، هنرمندان تشکیل میدند.

در کار اتحادیه های صنعتی سهم می گیرند. نظام سوسیالیستی همه شرایطی را که به زن اجازه سهم می دهد تا نقش اجتماعی خود را با وجود انجام مادری پیروز مندانه تلقیق نمایند. تامین نموده است.

تسهیلات فراوان اجتماعی زن را همه جانبیه یاری می رساند.

آن سوسیالیزم را انجام می دهد. افراد هنگی تشکیل میدند.

زن شوروی در خانواده نیز عضویت تدوین این پلان تو جهه به حل مسئله زن مبنول و معتقد است که به انجام

جلب فعال توده های وسیع زنان به کار و زندگی اجتماعی، مرز های کهنه تقسیم کار بین زن میزدند. توده های هر چه و مرد را از میان برداشت.

تاریخ زنان باید به شرکت قبلاً تنها مرد نان آور و تام دیگر گونیها ای سیاسی برابری واقعی او شرط عدمه زنان به کار و زندگی اجتماعی، مرز های هر چه و مرد را از میان برداشت.

تاریخ زنان باید به شرکت قبلاً تنها مرد نان آور و تام دیگر گونیها ای سیاسی برابری واقعی او شرط عدمه زنان به کار و زندگی اجتماعی، مرز های هر چه و مرد را از میان برداشت.

از پیروزی انقلاب اکتوبر بجهه داری بشمار میرفت. ولی امروز زن مشغول کار تو لیدی بوده در فعالیت های اجتماعی و سیاستی و این نقش دارد.

او در همه عرصه های کار و بیکار با طبیعت از زمین تا فضا و اعماق معدن همکار و همبا ای مرد دست و پنجه نرم نموده و طبیعت را به نفع بشریت و تکامل جامعه

او در همه عرصه های کار و بیکار با طبیعت از زمین تا فضا و اعماق معدن همکار و همبا ای مرد دست و پنجه نرم نموده و طبیعت را به نفع بشریت و تکامل جامعه

از پیروزی انقلاب اکتوبر بجهه داری بشمار میرفت. ولی امروز زن مشغول کار تو لیدی بوده در فعالیت های اجتماعی و سیاستی و این نقش دارد.

ایجاد شبکه های وسیع خدماتی بنشر رسانیده و ضمن این نتیجه رسیده بود که جمیعت سوادی به صورت قطعی زنان دو صد هشتاد

دولت شوراها در طول چند میلیون مسئله را به طور موفقانه

## در و دبه تو ...

باقیه صفحه ۲۷

برای ایمان والاتر به این حسابه برشور با هم زمان رادر می توردم و رهسپاری یاد ها و خاطره های از دوران دانشی و کار برای دیگران به عنوان یک سر نوشت محکوم به پیشا نی هایی که مارا به عمق فاجعه می خوردم ما مهر خورده بوده است و کشاند و دوران تراز دی ایکه اشک و آه در بیشمار سال های آن تنها از مغان رنجبران و زحمت کشان آن است و باشد بیشتری شانه زن رامی خمایند.

آرای ای زن .

چه اندو هنرا ک است سر نوشت تو در طی این اعصار و قرون و چه تلغی است افسانه تودر ترا کم سال ها و ماه های بین که بر تو گذشته است.

نمیتوانیم این وا قیمت را نادیده انکاریم که جامعه انسانی ما در طی سده ها و هزاره های فران و آن جزو گروه نبوده است گروهی اندک اسیر بوده و محبوس و حتی در تعین سر نوشت خود کمترین نشانی از آزاده نداشته است.

چیاول میر فته است و در این میان

یاده دارد

شیر خوار گاهها، اردو گاهها، دهد.

در ماه مارچ ۱۹۸۱ بلا فاصله این امکان را میسر ساخته است که

بعد از ختم کار کنگره مصوبه ای این امکان را میسر ساخته است که عضو فعال جامعه و مادر مهر با نشوانی و وزیران اتحاد شوروی

پاس شد که به تأسی ازان زنان و باتوجه باشد.

از مرخصی یک ساله بعد از ترا ف توسعه شبکه های جدید وضع حمل با حفظ دستمزد و ترفیع خدمات به اطفال حرکت صعودی استفاده کرده. به طور مثال در سال ۱۹۷۸ در یکصد و بیست و دو هزار کودک

در یکصد و بیست و دو هزار کودک - کشتان سیزده میلیون و یکصد و هفتاد هفت هزار طفل بروز شن شده اند.

همچنان تعداد زیاد هو سسات ویژه ای اطفال وجود دارند.

در سال ۱۹۷۸ تقریباً از پنج میلیون طفل درین هو سسات

میلیون طفل درین هو سسات

مواظبت به عمل آمده است. در نگهداری اطفال هو سسات و مراجع

خارج از مکتب نقش با اهمیتی را ایفا می کنند. به طور مثال کاخهای پیش آهنگان، هر آنچه که کودکی

ستادیو ها کتابخانه های اطفال بناهای تویستی و گروپ های روز های تمدید شده و غیره.

در خطوط طاساسی انکشاف اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی که در کنگره (بیست و شش) حزب

کمونیست اتحاد شوروی تصویب یکی از مسائل محوری این پلان را بهبود بخشیدن شرایط کار و

زن از یکسو در زیر فشارها یعنی سalar منشی جامعه و از سوی دیگر زیر سلطه جویی های پدر سalarی و مرد سalarی بیشتر از هر قشر دیگر رنج برده است در این سده های بیماری و گرسنگی - فقر و بی درانی های دیگر میشویم دوران دانشی و کار برای دیگران به عنوان یک سر نوشت محکوم به پیشا نی هایی که مارا به عمق فاجعه می خوردم ما مهر خورده بوده است و کشاند و دوران تراز دی ایکه اشک و آه در بیشمار سال های آن تنها از مغان رنجبران و زحمت کشان آن است و باشد بیشتری شانه زن رامی خمایند.

آرای ای زن .

چه اندو هنرا ک است سر نوشت تو در طی این اعصار و قرون و چه تلغی است افسانه تودر ترا کم سال ها و ماه های بین که بر تو گذشته است.

نمیتوانیم این وا قیمت را نادیده انکاریم که جامعه انسانی ما در طی سده ها و هزاره های فران و آن جزو گروه نبوده است گروهی اندک اسیر بوده و محبوس و حتی در تعین سر نوشت خود کمترین نشانی از آزاده نداشته است.

چیاول میر فته است و در این میان

یاده دارد

شیر خوار گاهها، اردو گاهها، دهد.

در ماه مارچ ۱۹۸۱ بلا فاصله این امکان را میسر ساخته است که

بعد از ختم کار کنگره مصوبه ای این امکان را میسر ساخته است که عضو فعال جامعه و مادر مهر با نشوانی و وزیران اتحاد شوروی

پاس شد که به تأسی ازان زنان و باتوجه باشد.

از مرخصی یک ساله بعد از ترا ف توسعه شبکه های جدید وضع حمل با حفظ دستمزد و ترفیع خدمات به اطفال حرکت صعودی استفاده کرده. به طور مثال در سال ۱۹۷۸ در یکصد و بیست و دو هزار کودک

در یکصد و بیست و دو هزار کودک - کشتان سیزده میلیون و یکصد و هفتاد هفت هزار طفل بروز شن شده اند.

همچنان تعداد زیاد هو سسات ویژه ای اطفال وجود دارند.

در سال ۱۹۷۸ تقریباً از پنج میلیون طفل درین هو سسات

میلیون طفل درین هو سسات

## خاطر ۵ سوم عقرب را

ودر کوش جان همه جوانان وطنیست کشور  
نهنگ مکارید .

کود خونین سبیدان بتو آوا دهد  
آتشی را که فروزان شده خاموش مکن

هایه امید و فی توگلشیم تجان  
دوستان را هبر ازیاد و فراهمش مکن

آری ، خاطره سوم عقرب قبل از انقلاب  
تور همه ساله از طرف ح.د.خ. افغانستان

در تحت شرایط استبداد و اختناق حکومت  
وقت چنان باشکوه تجلیل میگردید که قلب

ارتجاع را برزه می آورد .

جنپش سوم عقرب برای جوانان پیکار جوی  
ماجتان الهام بخش بود که باعث تشکل و

عصبانیتی هر چه بیشتر آغاز گردید و  
همچون سیل توفند بر دز ارجاع واستبداد

یورش هیبردن و روز تا روز پایه های آنرا  
لرزان نموده و بطریف زوال و نابودی حتمی

سوق میدادند .

انقلاب شکوهمند تور که در نتیجه مبارزات عقرب

با این روز تاریخی گرامی داشته می شود ترددیک

روز سوم عقرب یا روز همبستگی افغان  
کشور در سر تاسر افغانستان تجلیل باید

و باد قربانیان این روز سترگ مردم افغانستان را  
شد .

جاوید باد خاطره سوم عقرب خارج

درود پر شور برداون پاک شبدان لکه

کشور

باقیه صفحه ۲۵

خانه است که فریب میخورند ،

حقیقت این خانواده ها که وظیفتند

بردن و آوردن اطفال خوب یا همای  
ندارند و لی وظیفه شان از نواحی

مراتعه فرزندان سنگین تر

چه اگر اطفال را به حال خود  
و اکذار شوند که هر وقت دا

خواست بروند و هر وقت خواست  
برگردند دچار اشتباہ بزرگی

اند که در حقیقت سلامت جان

اطفال خود را به خطر اندا

اند .

و آن عدد اطفال را که پدر

مادران شان به مکتب میرسند ،

حوالی آنها در راه تهدید نمی

اما این پدران و مادران یک نا

باید در نظر داشته باشند و آن

معین بردن و آوردن اطفال ای

مادران و یا پدران که خود می

دارند و برای آنکه پتوانند با

به سرو کار خود حاضر باشند

اطفال را صحیح وقت از خواب

میکنند و به مکتب میرند و از اینها

تقریباً یک ساعت زود تر از بع

تر و ع دروس به مکتب میرند ،

در نتیجه انتظار طولانی برای نشان

به صفت خسته و کسل شده اند

توانند که از دروس معلمین اسلام

خوب میبرند . و یا در موقع باز اش

چون پدران گرفتارند و دیگر

توانند

خانه ای که فریب میخورند ،

حقیقت این خانواده ها که وظیفتند

بردن و آوردن اطفال خوب یا همای

ندارند و لی وظیفه شان از نواحی

مراتعه فرزندان سنگین تر

چه اگر اطفال را به حال خود

و اکذار شوند که هر وقت دا

خواست بروند و هر وقت خواست

برگردند دچار اشتباہ بزرگی

اند که در حقیقت سلامت جان

اطفال خود را به خطر اندا

اند .

و آن عدد اطفال را که پدر

مادران شان به مکتب میرسند ،

حوالی آنها در راه تهدید نمی

اما این پدران و مادران یک نا

باید در نظر داشته باشند و آن

معین بردن و آوردن اطفال ای

مادران و یا پدران که خود می

دارند و برای آنکه پتوانند با

به سرو کار خود حاضر باشند

اطفال را صحیح وقت از خواب

میکنند و به مکتب میرند و از اینها

تقریباً یک ساعت زود تر از بع

تر و ع دروس به مکتب میرند ،

در نتیجه انتظار طولانی برای نشان

به صفت خسته و کسل شده اند

توانند که از دروس معلمین اسلام

خوب میبرند . و یا در موقع باز اش

چون پدران گرفتارند و دیگر

توانند

خانه ای که فریب میخورند ،

حقیقت این خانواده ها که وظیفتند

بردن و آوردن اطفال خوب یا همای

ندارند و لی وظیفه شان از نواحی

مراتعه فرزندان سنگین تر

چه اگر اطفال را به حال خود

و اکذار شوند که هر وقت دا

خواست بروند و هر وقت خواست

برگردند دچار اشتباہ بزرگی

اند که در حقیقت سلامت جان

اطفال خود را به خطر اندا

اند .

و آن عدد اطفال را که پدر

مادران شان به مکتب میرسند ،

حوالی آنها در راه تهدید نمی

اما این پدران و مادران یک نا

باید در نظر داشته باشند و آن

معین بردن و آوردن اطفال ای

مادران و یا پدران که خود می

دارند و برای آنکه پتوانند با

به سرو کار خود حاضر باشند

اطفال را صحیح وقت از خواب

میکنند و به مکتب میرند و از اینها

تقریباً یک ساعت زود تر از بع

تر و ع دروس به مکتب میرند ،

در نتیجه انتظار طولانی برای نشان

به صفت خسته و کسل شده اند

توانند که از دروس معلمین اسلام

خوب میبرند . و یا در موقع باز اش

چون پدران گرفتارند و دیگر

توانند

خانه ای که فریب میخورند ،

حقیقت این خانواده ها که وظیفتند

بردن و آوردن اطفال خوب یا همای

ندارند و لی وظیفه شان از نواحی

مراتعه فرزندان سنگین تر

چه اگر اطفال را به حال خود

و اکذار شوند که هر وقت دا

خواست بروند و هر وقت خواست

برگردند دچار اشتباہ بزرگی

اند که در حقیقت سلامت جان

اطفال خود را به خطر اندا

اند .

و آن عدد اطفال را که پدر

مادران شان به مکتب میرسند ،

حوالی آنها در راه تهدید نمی

اما این پدران و مادران یک نا

باید در نظر داشته باشند و آن

معین بردن و آوردن اطفال ای

مادران و یا پدران که خود می

دارند و برای آنکه پتوانند با

به سرو کار خود حاضر باشند

اطفال را صحیح وقت از خواب

میکنند و به مکتب میرند و از اینها

تقریباً یک ساعت زود تر از بع

تر و ع دروس به مکتب میرند ،

در نتیجه انتظار طولانی برای نشان

به صفت خسته و کسل شده اند

توانند که از دروس معلمین اسلام

خوب میبرند . و یا در موقع باز اش

چون پدران گرفتارند و دیگر

توانند

خانه ای که فریب میخورند ،

حقیقت این خانواده ها که وظیفتند

بردن و آوردن اطفال خوب یا همای

ندارند و لی وظیفه شان از نواحی

مراتعه فرزندان سنگین تر

چه اگر اطفال را به حال خود

و اکذار شوند که هر وقت دا

خواست بروند و هر وقت خواست

برگردند دچار اشتباہ بزرگی

اند که در حقیقت سلامت جان

اطفال خود را به خطر اندا



گذشتا زدن کودکان از جاده‌های مزدحم وظیفه والدین است

ترافیک بین محل کار و مکتب اطفال بسیار هستند که بعد از رخصتی زخمی از انتظار آمدند پدرها ن به رشته این طول مدت یعنی زودتر بیم از این صبحها و دیر آمدند عصرها کودکان های بیو ند خانواده های دیگر هستند و کانون این خانواده از حرارت وجود آنها نیرو میگیرند و کانون خانواده هارا گرم نگاه میکنند.

هر خنده و گریه ای سخنی بر سر ای ازوی اطفال که سایر اعضا ای خانواده را به تلاش و امید و از میدارد و ایشان را برازی آینده آماده میکند. نگذاریم که در اثر لحظه ای غفلت این شمع های فروزان به خاموشی روند، چرا باید به خود اجازه بد هیم که بدون احسان مسورو لیت اشتر نک موثر را در دست بگیریم و یکباره حادثه را خلق نکنیم که گریه خانواده را به سردي مبدل مسازد؟

این جمله را هر باره تکرار می کنم که رانندگی هر شخصی معرفی شخصیت اوست.

این همه و همه نقاط ضعفی است که متناسبانه برخی از مشکلات را خلق میکند، هنگامی که پیاوه هستیم اجرای مقررات را از سوار های میخواهیم و وقتیکه سوار هستیم بر عکس آن.

پروردگار هستند که بعد از رخصتی زخمی از انتظار آمدند فکر شان قربان ونسی که به خانه میرسند فکر شان باز خوب کار نمیکند و عصبی میشوند و گفته های معلم که برای یش وظیفه لاب رسانگی داده است اصلاً متوجه نمی کاملی شوند.

من ون البته به نظر ما یکانه راه چاره و باد آنست که مکتب که به محل سکونت شوادردیک است برای تحصیل و فرازگرستگی اقبال از آن استفاده شود.

تجلیل باید گفت که توجه و رعايت گرامیدزگران ترافیکی از طرف اطفال هیچگاه نتها بی نمیتواند جان آنها را از حطرهای گوناگون دراما ن نگهدارد شبدیکه همکاری کلیه رانندگان امری جتنا ب نایدیر است تا اطفال آینده کشور که سازندگان فردای بین استند در سنین طفیل و نوجوانی در اثر تصادف یا وسایل تقلیل چون گلی، پر مرده نگردند. رجه بهتر اینکه بگوییم: زندگی ور ندان، بگذار تا دیگران هم زندگی نه وظیفند. سوی همانطور یکه هر یک از ما نمی از نهادیم به فرزندان ما گزندی

عارون یوسفی

## فاطمه از سنگر

اندرین زورق زیبایی امید  
راه می بینیم .

راه دوریکه هن و همسفران  
بهر خوشبختی هردم رفیم .

گرجه راهیست دراز  
ولی ها خوشبختم ،  
گه دگر خارو خسی در راه ها  
به سر آب نخواهد راصید .

\*\*\*  
هن درین جا ،  
همه شب خواب ترا می بینم  
خواب زیبایی چشم ان ترا  
خواب دستانیکه بر سینه من می داندی

خواب آن لحظه خوب ،  
که به من قول وفا میدادی  
خواب آهنجی که بر گوش دم ای خواندی .

\*\*\*

ولی هن ، همسر هن :  
اندرین سنگر بر خاطره ها

ند و از دانیکه هر می بینی  
تر ای بختند .

برای زیباخ بر فیض بهار می شکند .

شده ای اگر خنده گنی ،  
میان اسلام از شوق و امید

قع باز اش شور و صفا می گیرد .

## طبیعت و لاتی

مدیر مسؤول : راحله راسخ خرهی  
معاون : محمد ذ مان نیکرای  
امر چاپ علی محمد عثمان زاده

آدرس : انصاوی وات جواریاست

مطابع دولتی - کابل

تلفون مدیر مسؤول : ۲۶۸۴۹

تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹

موچبورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱

تلفون ارتباطی زوندون ۲۱



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**